





فصلنامه مطالعات شهرسازی اسلامی

فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌دهنده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده هنر و معماری

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



زمینه انتشار: معماری و شهرسازی

دوره: سال هشتم، شماره سی و یکم، بهار ۱۳۹۷

صاحب امتیاز و ناشر: پژوهش‌دهنده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی

مدیر مسئول: دکتر حمید آیتی

سر دبیر: دکتر احمد پوراحمد

معاون سردبیر: دکتر حمیدرضا بابایی

ویراستار: حسین نوری نیا

مدیر داخلی: مهندس مسعود دادگر

امور اجرایی: مهندس منصور ندیری

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس
- استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت
- استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی
- استادیار دانشکده هنر، دانشگاه علم و فرهنگ
- استاد دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید رجایی
- استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
- استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی
- استاد جهاد دانشگاهی
- استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان
- دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان
- استاد دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران

- دکتر مجتبی انصاری
- دکتر مصطفی بهزادفر
- دکتر جهان‌شاه پاکزاد
- دکتر بهنام جلالی
- دکتر حسین زمرشیدی
- دکتر کرامت‌اله زیاری
- دکتر محسن سرتیپی پور
- دکتر حسین کلاتری خلیل آباد
- دکتر یعقوب محمدی فر
- دکتر محمد مسعود
- دکتر احمد نوحه گر

قیمت: ۱۵۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

چاپ: مؤسسه دیجیتال پایتخت

نشانی دفتر نشریه: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین چهارراه ولی عصر (عج) و خیابان فلسطین، ابتدای خیابان شهید برادران مظفر جنوبی،

پژوهش‌دهنده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی شماره تماس: ۲-۶۶۹۷۰۹۰۱-۶۶۹۷۰۹۰۳

نشانی اینترنتی: iic@icas.ir

پایگاه اینترنتی: <http://iic.icas.ir>

فهرست مطالب

- ۵ الگوشناسی تزیینات مقرنس در معماری ابنیه بازار تاریخی تبریز
احد نژاد ابراهیمی، زیبا سامی
- ۱۹ تبیین نقش مؤلفه‌های منظر حسی مبتنی بر حواس در کیفیت ادراک حسی محیطی گذر ارگک جدید تبریز
مجید صالحی‌نیا، مهدیه نیرومند شیشوان
- ۳۳ بررسی دگردیسی ماهیت قلمرو کنش‌گری همگانی از شهر ایرانی-اسلامی تا شهر معاصر ایرانی
محمد ابراهیم زارعی، سیدرسول موسوی‌حاجی، خدیجه شریف‌کاظمی
- ۵۱ بررسی تأثیر عوامل طبیعی در شکل‌گیری و ماندگاری شهر تاریخی دهدشت
ابراهیم رایگانی، مسعود اسلامی
- ۶۳ بازشناسی چارچوب نظری رویکرد حفاظتی منظر شهری تاریخی
پوپک پوربهادر، سمیه فدائی‌نژاد بهرام‌جردی
- ۷۵ تبیین نقش مدیریت محله‌ای بر پایداری اجتماعی شهر تهران از طریق سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده شهری
احمد پوراحمد، حمیدرضا بابایی، ابوالفضل رفیع



داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

- | | |
|---|--------------------------|
| عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان | • دکتر حسن سجاذزاده |
| عضو هیأت علمی دانشگاه تهران | • دکتر محمدباقر کبیرصابر |
| عضو هیأت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز | • دکتر مرتضی میرغلامی |
| عضو هیأت علمی دانشگاه هنر اسلامی تبریز | • دکتر مینو قره‌بیگللو |
| عضو هیأت علمی دانشگاه علم و هنر یزد | • دکتر سمیه امیدواری |
| عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری | • دکتر حمیده چوبک |
| عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری | • دکتر محمود بختیاری |
| عضو هیأت علمی دانشکده هنر و معماری دانشگاه مازندران | • دکتر حسن هاشمی |
| عضو هیأت علمی دانشگاه حکیم سبزواری | • دکتر هادی سلطانی فرد |
| عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس | • دکتر مهدی حقیقت‌بین |
| عضو هیأت علمی دانشگاه الزهرا | • دکتر یعقوب موسوی |

- درجه علمی پژوهشی فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی طی نامه شماره ۸۹/۳/۱۱/۵۱۶۶۷ مورخ ۸۹/۸/۳۰ دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) ابلاغ گردیده است.

- پروانه انتشار این مجله به شماره ۱۲۶۲۹/۸۹ مورخ ۸۹/۶/۱۳ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

- فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی <http://www.srlst.com> و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID) به نشانی www.sid.ir نمایه می‌شود.

الگوشناسی تزیینات مقرنس در معماری ابنیه بازار تاریخی تبریز

احد نژاد ابراهیمی^{۱*} (نویسنده مسئول)، زیبا سامی^۲

^۱ دکتری معماری، دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران
^۲ کارشناسی ارشد معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۱۹)

چکیده

مقرنس از الگوهای اصیل و کهن در معماری ایران است که بعد از شناخت آن توسط معماران ایرانی در دوره‌های مختلف به تکامل رسیده و به شکل‌های متفاوت اجرا شده است. الگوهای متفاوت از مقرنس در گونه‌های مختلف معماری ایرانی هم‌چون امام‌زاده - مسجد و بازار قابل مشاهده است. هدف این پژوهش پاسخ به این سؤال است که شباهت‌ها و تفاوت‌ها بین الگوی مقرنس‌ها در ارسن بازار تاریخی تبریز چگونه است؟ برای یافتن این تفاوت‌ها و تشابه‌ها هندسه مقرنس‌های به کار رفته در بخش‌های مختلف بازار تاریخی تبریز بررسی و تحلیل شده است. به نظر می‌رسد طرح‌های مقرنس در عین وجود شباهت‌های ظاهری دارای تفاوت‌هایی در الگوی طرح‌ها با توجه به موقعیت قرارگیری در فضاهای متفاوت هستند که موجب ایجاد طرح‌های متفاوت شده است. این تحقیق از نظر هدف، طرحی کاربردی است؛ و با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. اطلاعات لازم برای پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، پیمایش‌های میدانی (مشاهده) و ترسیم هندسه مقرنس‌ها با استفاده از نرم‌افزار اتوکد و تری دی مکس انجام شده است. چون تبریز بر اثر زلزله سال ۱۱۹۳ قمری تخریب شد و بیش‌تر بناهای آن از جمله مجموعه بازار تاریخی تبریز در دوره قاجار ساخته شد، این مطالعه می‌تواند الگوی هندسی مقرنس‌سازی دوره قاجار تبریز را نشان دهد. نمونه‌های تحلیل شده از بناهای بازار مقام صاحب‌الامر، مسجد حجت الاسلام، سرای کچه چیلر و مسجد - مدرسه حاج صفرعلی و مسجد کوچک (بالا مسجد) هستند که مقرنس دارند و بر مبنای معیارهای شکلی، ایستایی، طرح و اجرایی تحلیل شده‌اند. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که مقرنس در بازار تاریخی تبریز به نسبت نوع کاربری در بناها، تفاوت‌هایی در نوع، شکل و مکان کاربرد دارد. مقرنس در بناهای مذهبی در کانه پوش‌های محراب‌ها و گوشه‌بندی گنبدخانه استفاده شده است. ولی در فضاهای عمومی در مکان مشرف به میان‌سرا و ایوانچه‌های طبقات فوقانی به کار رفته است. علاوه بر این الگوی طرح‌ها در بناهای مذهبی پیچیده‌تر از بناهای غیر مذهبی است.

واژگان کلیدی: مقرنس، بازار تاریخی، تبریز، معماری.

مقدمه

مقرنس از عناصر تزئینی معماری است که در زیباسازی بناهای ایرانی با کاربری‌های مختلف نقش مهمی دارد. قابلیت هندسی که در مقرنس وجود دارد موجب شده است تا مورد توجه معماران قرار گیرد و در دوره‌های مختلف تاریخی توسعه یابد. مقرنس‌ها از نظر شکل و اجرا تفاوت‌هایی نسبت به همدیگر دارند و انواع متفاوتی از هندسه‌ها در شکل‌گیری مقرنس به کار رفته است. تمرکز پژوهش‌های انجام‌یافته در زمینه مقرنس بیش‌تر بر نواحی مرکزی ایران متمرکز بود و کمتر به سایر نواحی و شکل‌های موجود در آن‌ها توجه می‌شد. سؤال تحقیق این است که شباهت و تفاوت بین الگوی مقرنس‌ها در ارسن بازار تاریخی تبریز چگونه است؟ برای یافتن این تفاوت‌ها و تشابه‌ها هندسه مقرنس‌های به کار رفته در بخش‌های مختلف بازار تاریخی تبریز بررسی و تحلیل شده است. شناخت طرح‌های مقرنس موجود در بازار تاریخی تبریز موضوع اصلی این پژوهش است. هدف یافتن طرح‌ها و شکل‌های مختلف مقرنس و مکان‌های مورد استفاده از آن‌ها با کاربری‌های مختلف در بازار تبریز است. شهر تبریز با پیشینه تاریخی معماری از جمله شهرهای تاریخی ایران با آثار ارزشمند است که در این زمینه می‌تواند موضوع پژوهش باشد. تبریز در سال ۱۱۹۳ قمری بر اثر زلزله‌ای ویرانگر تخریب شد و تقریباً از بناهای باشکوه دوره‌های قبل از این دوره تنها بقایای اندکی به‌صورت ویرانه باقی ماند. به همین خاطر معماری تبریز، معماری قاجاری است و کل بناهای موجود در دوره قاجار ساخته یا بازسازی شده‌اند. بازار تاریخی تبریز هم از بناهایی است که در دوره قاجاریه بازسازی شد؛ بنابراین می‌تواند به‌عنوان نمونه‌های مناسب برای شناخت مقرنس و نحوه و الگوی کاربست آن در معماری دوره قاجار تبریز باشد.

بر اساس پیشینه تاریخی، دوره سامانیان دوره‌ای است که در آن از الگوهای هندسی منظم در پوشش فضاهای مدولار استفاده شده است. در معماری سلجوقی این الگوها برای پوشش دهانه‌های طاق‌های دایره‌ای‌وار استفاده شده که تأثیر مهمی در توسعه مقرنس داشته است (Bonner, 2017: 24). این عنصر تزئینی در معماری باستان و نیز معماری سنتی و اسلامی ایران از جایگاه والایی برخوردار است؛ و در نوع خود نمایشی از هنر استادکاران فن بشمار می‌آید (انصاری، ۱۳۶۰: ۱۴). مقرنس دارای روابط هندسی (زویا، ابعاد و مجاورت)، قواعد (تعاریف ریاضی، قاعده‌سازی نظم) و عناصر واژگان (واحد، خانه‌ها، سقف‌ها، عناصر پرکننده) است؛ و این ظرفیت را دارند که با رویکردی الگوریتمی مورد استفاده قرار گیرند (Alaçam et al, 2017). شکل مقرنس بستگی به فکر و سلیقه استادکاران دارد به همین دلیل شکل مقرنس‌ها متنوع می‌باشد؛ اما کلیه آنها با استفاده از چند آلت محدود ساخته می‌شوند؛ و به دو نوع مشخص اجرا می‌شوند (شعرباف، ۱۳۷۲: ۱۱). هدف تزئینی مقرنس در درجه اول ایجاد سایه روشن و القا

خطوط مختلف و در درجه دوم فراهم کردن سطوح بیشتر برای اجرای تزئینات بنظر میرسد. مقرنس مخلوق اسلام نیست و قبل از اسلام نیز در اکثر کشورها بطور ساده و مفصل بکار رفته است ولی در دوره اسلام تحول بیشتری یافته و به یک ساخته اسلامی مشهور شده است (زمانی، ۱۳۵۰: ۴۷)؛ و با آنکه تعداد زیادی بنای دارای مقرنس از دوره اسلامی به‌جا مانده است، هنوز این عنصر معماری به‌درستی شناخته‌نشده است (نجیب اوغلو، ۱۹۹۵: ۴۰۷). در نمونه‌های این مقالات، بناهای شاخص فلات مرکزی ایران بوده و بناهای اقلیم سرد کوهستانی مورد توجه قرار نگرفته است. به دلیل ثبت جهانی بازار سنتی شهر تبریز و مطالعات پژوهشی بر آثار معماری ایرانی، چنین پژوهشی الزامی به نظر می‌رسد (ستاری و جدایی، ۱۳۹۰: ۲۹). از این رو با توجه به اهمیت این شهر و نمونه مقرنس‌های موجود در بازار تاریخی آن، ضروری انواع و جایگاه مقرنس در معماری این شد به بحث گذاشته شود.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف پژوهشی کاربردی است و به روش (توصیفی-تحلیلی) کار شده است. روش گردآوری اطلاعات از طریق پیمایش‌های میدانی، مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل‌های آتلیه‌ای است. در روش آتلیه‌ای برای ترسیم اشکال هندسی مقرنس‌ها از نرم‌افزارهای اتوکد و تری دی مکس و برای ترسیم هندسه مقرنس‌ها از روش دواپس متقاطع استفاده شده است.

چارچوب نظری پژوهش

مقرنس

یکی از ویژگی‌های هنرهای اسلامی، وجود نقش‌های هندسی در عناصر تزئینی طاق ایرانی چون مقرنس‌ها، یزدی بندی‌ها و گره چینی‌ها است (بلیلان و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۳). مقرنس نوعی کاربندی است متشکل از طاسه‌هایی که در ردیف‌هایی انتظام می‌یابند، و هر ردیف خود حامل ردیف دیگری است که از بالای آن بیرون می‌زند و می‌تواند نقش سازه‌ای و تزئینی در بنا را بر عهده گیرد (نجیب اوغلو، ۱۹۹۵: ۴۰۷). به‌عبارتی دیگر مقرنس عنصری تزئینی سه‌بعدی است و اجزای آن متشکل از عناصر عمودی و افقی است که در بین ساختمان قرار دارند (Bonner, 2017: 580). مقرنس از جمله عناصر شاخص و پایداری است که در دوره‌های مختلف تکامل یافته است و یکی از شناخته‌ترین عناصر مشترک در معماری اسلامی محسوب می‌شود که نمونه‌های آن‌ها را می‌توانیم در سرتاسر جهان اسلام از شرقی‌ترین مناطق ایران، عراق تا اسپانیا و آفریقا مشاهده کنیم (مکی نژاد، ۱۳۹۴: ۲۳). مقرنس به آنچه به شکل نردبان و پله‌پله ساخته شده باشد گفته می‌شود، که مانند آویزه‌های قندیل ساخته می‌شود. هم‌چنین مقرنس به کوه‌هایی با رگه‌های افقی که خاک‌های زیر

سنگ‌هایش خالی شده باشد اطلاق می‌شود. به مقرنس قطار بندی هم می‌گویند (لرزاده، ۱۳۶۰: ۸۵). در رساله ریاضی مفتاح الحساب که غیث‌الدین جمشید کاشانی به عربی نوشته است، از این اصطلاح معنای معماری ارائه شده که امروز می‌شناسیم (Fernan-dez, 1993: 500). هم‌چنین مقرنس انعکاسی از حرکت آسمانی در نظم زمینی و بی‌ثبات است. بی‌حرکتی مکعب نمودار کمال، ثبات و بی‌زمان جهان است که بیشتر در معماری جایگاه‌های مقدس استفاده شده است (بورکهارت، ۱۳۶۵: ۲۹).

مقرنس در دوره‌های مختلف بیش‌تر به‌عنوان عنصر تزئینی به کار رفته است. هدف مقرنس در درجه نخست ایجاد سایه‌روشن

و القای خطوط مختلف و در درجه دوم فراهم کردن سطوح بیش‌تر برای اجرای تزئینات ظریف‌تر است (مهدی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۸۴). مقرنس پیش از اسلام نیز بوده است اما نباید از نظر دور داشت که مقرنس پیش از اسلام با مقرنس پس از اسلام تفاوت قابل‌توجه و آشکار دارد؛ این تفاوت در بناهای قبل و بعد از اسلام به‌وضوح دیده می‌شود، به‌گونه‌ای که قبل از اسلام مقرنس به‌صورت قرنیز و ساده در بناها کار می‌شد. اما بعد از اسلام این عنصر تکوین یافت و در بناهای مذهبی مانند مسجد به‌صورت عنصری معنادار و انعکاسی از آسمان بر زمین در نظر گرفته شد (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: بررسی دیدگاه‌های مختلف در مورد مقرنس

پژوهشگران	منبع	دیدگاه
پژوهشگران خارجی	دونالد ن. ویلبر (۱۳۶۵)	مقرنس به‌عنوان عنصری تزئینی معرفی شده است و مقرنس برای پر کردن یک ناحیه یا سطح مقعر با دو یا چند طبقه ربع‌گنبدی کوچک که در آن رأس ربع‌گنبدها در هر طبقه از طبقه زیر پیش آمده‌تر است، تعریف کرده‌اند
	هانری مارتین (۱۳۵۰)	مقرنس تزئینی در آثار تاریخی اسلامی ایران
	بورکهارت (۱۳۶۵)	مقرنس کاری پدیده‌ای ویژه از معماری اسلامی و وسیله‌ای برای انتقال بار گنبد یا دایره بر محوری مربع‌شکل است. مقرنس، کندووار گنبد را به تکیه‌گاه چهارگوش پیوند می‌دهد و انعکاسی از حرکت آسمانی در نظم زمینی و بی‌ثبات است (جنبه کارکردی و تزئینی).
پژوهشگران داخلی	عباس زمانی (۱۳۵۰)	در این مقاله مقرنس به سه دسته تقسیم‌بندی شده است: ۱- مقرنس در سطوح مقعر گوشه‌های زیر سقف، ۲- واحد مقرنس ربع‌گنبد یا در واقع یک‌هشتم گره، ۳- مقرنس از ردیف‌ها و یا قطارهای افقی و عمودی، ۴- مقرنس‌های لانه‌زنبوری. در هر سه مورد به‌صورت عنصر تزئینی معرفی گردیده است.
	مهدی مکی‌نژاد (۱۳۹۴)	این عنصر در ابتدا، بیشتر جنبه‌های ساختمانی داشت و برای پر کردن گوشه‌ها استفاده می‌شد، اما به‌مرور زمان علاوه بر کارکرد ساختمانی و فنی، جنبه‌های تزئینی نیز به خود گرفت.
	حسین لرزاده (۱۳۶۰)	مقرنس به آنچه به شکل نردبان و پله‌پله ساخته شده باشد گفته می‌شود (جنبه تزئینی).
	محمد کریم پیرنیا (۱۳۷۰)	مقرنس (چفت‌آویز) از سقف آویخته می‌شود و از سقف شروع می‌شود و به تدریج پایین می‌آید (جنبه تزئینی).
مجله اثر	احیای هنرهای از یادرفته	


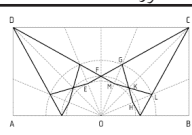
اجزای مقرنس

تحلیل هندسی مقرنس مستلزم تجزیه آن به اجزای سازنده‌اش است (نجیب اوغلو، ۱۹۹۵: ۴۰۸). مقرنس از اجزای مختلف تشکیل می‌شود و عنصری تزئینی و سازه‌ای محسوب می‌شود. این عنصر زیبا با ساختار سه‌بعدی‌اش، مفاهیمی هم‌چون نظم، وحدت در کثرت، عروج از زمین به آسمان را به نمایش می‌گذارد. در جدول شماره ۲ آلت‌های مقرنس با توجه به شکل و جهت و موقعیت قرارگیری آن‌ها دسته‌بندی شده است. این اجزا با توجه به شکل و جهتی که دارند در محل‌های متفاوت قرار داده می‌شوند و از کنار هم قرار گرفتن این اجزا شکل‌های متفاوت مقرنس به‌وجود می‌آید.

طرح در مقرنس

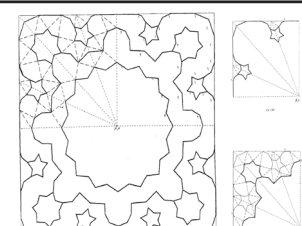
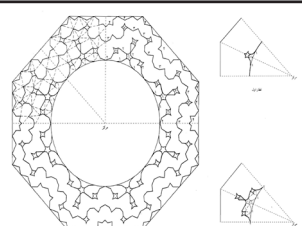
مقرنس را می‌توان بر روی یک نیم‌کار، چشمه، سرستون، سرمنار، گیلویی سقف‌ها، کتیبه و... اجرا کرد (لرزاده، ۱۳۶۰: ۸۵). هم‌چنین مقرنس به دو سبک اجرا می‌شود که در هر سبک مقرنس از پایین به بالا عناصر ریزتر و کوچک‌تر می‌شوند (موسوی، ۱۳۸۱). مقرنس‌ها معمولاً در سطوح فرورفته گوشه‌های زیر سقف کار می‌شوند اما محل قرارگیری این عنصر تزئینی می‌تواند در بالای دیوارها، سقف‌ها، گوشه‌ها، سردرها و مانند آن‌ها باشد.

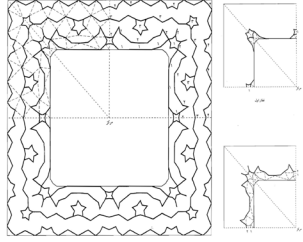
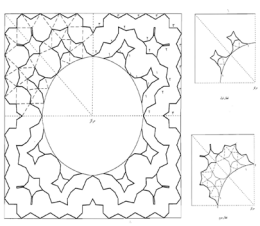
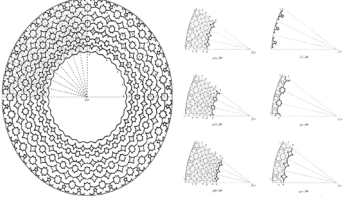
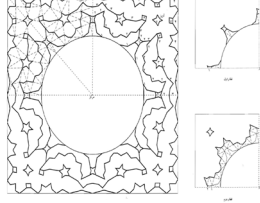
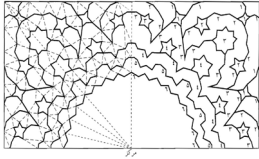
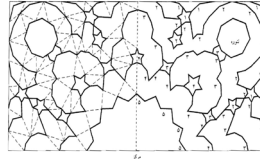

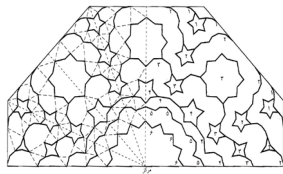
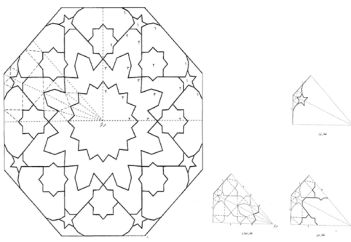
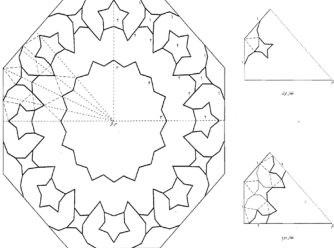
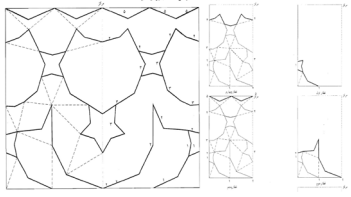
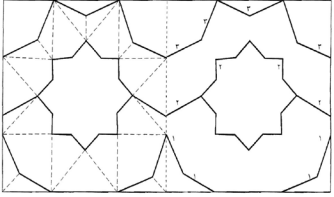
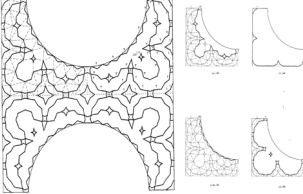
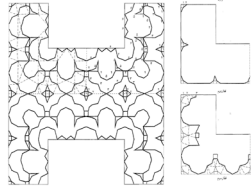
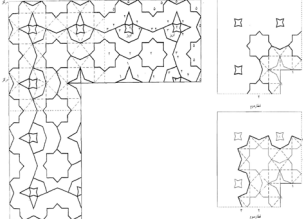
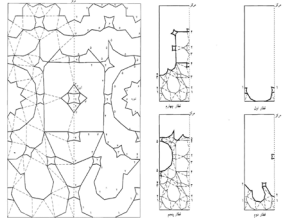
جدول شماره ۲: اجزای سازنده مقرنس

نام اجزا	شکل	جهت	محل	توضیح
موش یا		شیب دار بین عناصر	قسمت پایین گنبد	آلتی که از قطار اول به دیوار متصل شده و کمی بر روی دیوار امتداد می یابد.
شاپرک		۳ پهلو	مابین قطارها	عامل اتصال آلت های مقرنس و متناسب با محلی که قرار می گیرد از بسیار بسته تا بسیار باز قابل انعطاف است.
تخت منظم		افقی		به دو حالت در مقرنس دیده می شود: (۱) مثلث، مربع، پنج ضلعی و... (۲) به صورت ستاره های چند پر: سه پر و چهار پر و
تخت غیر منظم		افقی	مابین تنوره ها و کنج طاسه ها	مانند تخت گیوه، تخت طبل و یا تخت مثلث، مانند آلت های گره به کار گرفته می شوند.
تحت لوزی		افقی	کمی از حالت افقی خارج	بر روی قطر بزرگ و یا قطر کوچک، کمی تا می شود
طاس		شیب دار و یا افقی		بین دو شاپرک و بین دو ترنج و گاه بین دو «تی» قرار می گیرد و فضاهای فرورفته مقرنس را به وجود می آورد
ترنج		شیب دار		زیر شمشه یا آخر هر کار و یا زیر آلت های تخت و چهار لنگه به کار می رود.
شمسه		شیب دار و یا افقی		در وسط هر چشمه یا نیم کار مانند عرقچین در پایان کار قرار می گیرد.
مدنی		شیب دار و یا افقی		هر گاه طاسی به جای ارتفاع معادل یک قطار، دارای ۲ یا ۳ ارتفاع شود و طاسی مرتفع را تشکیل دهد به آن مدنی می گویند.
تی		شیب دار و یا افقی		هر گاه ما بین دو طاس شاپرکی قرار نگیرد و در واقع شاپرک صفر درجه باشد دو طاس به یکدیگر می چسبند و ضخامتی معادل دو کاشی پشت به پشت به وجود می آورند

مأخذ: نگارندگان

جدول شماره ۳: طرح های مختلف مقرنس

کاربرد	طرح های مقرنس	شکل	طرح های مقرنس	شکل
سرستون (شماره) سیمین	مقرنس نیم کار یا چشمه سه قطاره (برای سرستون دایره)		مقرنس ۴ قطاره ۸ ضلعی (برای سرستون دایره)	

شکل	طرح های مقرنس	شکل	طرح های مقرنس	کاربرد
	مقرنس ۴ قطاره مربع (برای سرستون مربع)		مقرنس ۳ قطاره مربع (برای سرستون دایره)	سرستون (مستطوره)
	مقرنس ۸ قطار برای زیر گنبد		مقرنس ۴ قطاره آویزه دار مربع (برای سرستون دایره)	
	مقرنس ۶ قطاره برای نیمکار مربع		مقرنس ۵ قطاره تنوره برای نیمکار مربع	نیمکار مربع
	مقرنس ۷ قطار تنوره دار		مقرنس ۶ قطاره	نیمکار
	مقرنس ۴ قطاره برای چشمه		مقرنس ۳ قطاره برای چشمه	چشمه
	مقرنس ۵ قطاره		مقرنس ۳ قطاره	کتیبه
	مقرنس ۴ قطاره		مقرنس ۶ قطاره	قاب سازی و گیلویی
	مقرنس ۵ قطاره برای کتیبه با گیلویی		مقرنس ۷ قطاره تنوره دار آویزه دار برای گیلویی	گیلویی

شکل مقرنس

مقرنس از لحاظ شکل ۴ دسته است (انصاری، ۱۳۶۰: ۱۵-۱۶) که در دوره‌های تاریخی متفاوت و در شهرها متناسب با زیبایی و نیازهای بناها به شکل‌های متفاوت ساخته شده است. مقرنس‌های لانه‌زنبوری و معلق بیش‌تر در دوره صفویه و در استان اصفهان ساخته شدند. این دو نوع مقرنس دارای ثبات کمتری هستند و کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. در جدول شماره ۴ تقسیم‌بندی مقرنس از نظر شکلی با ذکر نمونه بناها بیان شده است.

جدول شماره ۴: تقسیم‌بندی مقرنس از لحاظ شکلی

تقسیم بندی مقرنس از لحاظ شکلی	توضیحات	تقسیم بندی مقرنس
مقرنس‌های جلو آمده	مصالح آن آجر، در سطوح داخل و خارج بنا به کار می‌روند و دارای ثبات متوسطی	 مسجد جامع اشترجان؛ مأخذ: زمانی، ۱۳۵۰: ۳۱
مقرنس‌های روی هم قرار گرفته	مصالح آن از خود بنا می‌باشد (سنگ و گچ) و استحکام آن‌ها زیاد است.	 مقرنس بازار تبریز؛ مأخذ: نگارندگان
مقرنس‌های معلق	شبهه همان منشورهای آهکی آویزان (استلاکتیت) در غارها می‌باشد	 مدرسه آقا بزرگ کاشان؛ مأخذ: نگارندگان
مقرنس‌های لانه زنبوری	شبهه لانه زنبور و از نظر شکل ظاهری شبهه به مقرنس‌های معلق	 مسجد جامع یزد؛ مأخذ: انصاری، ۱۳۶۰: ۲۴

مأخذ: نگارندگان

ایستایی مقرنس

اجرای مقرنس با توجه به این که با مصالح سنگین مانند آجر و یا با مصالح سبک‌تر مانند آینه، کاشی و یا (گچ ساخته شوند تفاوت می‌کند (لرزاده، ۱۳۶۰: ۸۷). در مورد ایستایی مقرنس، در

دوره سلجوقی هماهنگ با بالا آمدن ساختمان، جرزها و دیوارهای جنبی بنا به هنگام کرنش با قوس دادن آن‌ها، مقرنس را با پس و پیش دادن آجرها می‌ساختند تا جایی که در نوک از تعداد قرنیزها کم و پوشش مقرنس دار زیر گنبد با طاق ایوان کامل شود. اما در زمان صفویان مقرنس‌ها را بر روی زمین قالب می‌ریختند و پس از تکمیل بنا و عمارت به وسیله بست‌هایی که زیر طاق از پیش تعبیه می‌شد، مقرنس‌هایی آماده را به زیر سقف از پایین به بالا متصل می‌کردند (انصاری، ۱۳۶۰: ۲۶). در دوره قاجار، هنرمندان نیم‌نگاهی به این هنر انداخته و ضمن مورد توجه قرار دادن آثار باارزش معماری دوران صفویه، تزئین مقرنس را جدا از بناهای خود می‌ساختند (پیشین: ۲۷). بدین ترتیب با توجه به این که در دوره‌های مختلف مقرنس به عنوان عنصر تزئینی در ساختمان مورد استفاده قرار گرفته و جدا از ساختمان ساخته شده، ایستایی آن اهمیت بسیار زیادی داشته است؛ به گونه‌ای که با توجه به مناطق مختلف از شکل‌های گوناگون استفاده شده است. به عنوان مثال در مناطق زلزله‌خیز کمتر از مقرنس‌های آویزان استفاده کرده‌اند و اگر از مقرنس‌های لانه‌زنبوری استفاده کرده‌اند ایستایی آن در بنا به طور کامل با تمهیداتی صورت گرفته و با اجرای قطارها در فواصل مساوی و هم‌چنین قرارگیری دقیق بر روی لبه قوس‌ها این ایستایی بیش‌تر تأمین شده است.

اجرای مقرنس

یکی از تزئیناتی که شامل نقوش هندسی و گیاهی است و در بسیاری از بناها به کاررفته مقرنس کاری است. مقرنس سقف با گنبد گچ‌بری شده، شامل بنای بلند و عمارت عالی‌ای است که در سقف آن نقش و نگار برجسته یا پله‌پله از گچ درست کرده باشند. مقرنس در کل در ورودی کار می‌شود و کاربندی تزئینی انتقال پایه با سقف را انجام می‌دهد، گرچه به طور کاذب است. با توجه به این که مقرنس از عناصر طبیعی و یا عناصر مصنوعی مانند برجستگی‌ها و فرورفتگی‌های سطح کوه‌ها، آویزان‌های سقف غارها، لانه بعضی از جانوران به خصوص زنبورعسل، بعضی ساخته‌های انسان چون کاسه و قندیل و طاق و فرم‌هایی از اشکال گیاهان و درختان و گل و میوه‌های آنان الهام گرفته می‌شود از دید اجرایی متفاوت هستند.

آشنایی با محدوده پژوهش

شهر تبریز دارای پیشینه غنی معماری است. پایتختی آن در سه دوره متوالی ایلخانی، ترکمانان و صفوی موجب شده بود تا آثار ارزشمندی در این شهر ساخته شود. شنب‌غازان در دوره مغول و مسجد کبود و بازار تاریخی تبریز نشان از هنر معماری و تزئینات معماری وابسته به آن دارد. بناهای کمی در تبریز دارای مقرنس هستند. با این حال، در دوره‌های مختلف با توجه به ذوق و سلیقه حاکمان، مقرنس با طرح‌های مختلف اجرا شده است.

(اسمعیلی و عمرانی، ۱۳۸۷: ۴۵). در مجموعه بازار تبریز مقرنس در بناهای عمومی و مذهبی مورد استفاده قرار گرفته است. نمونه بناهای مذهبی مسجد صاحب‌الامر (دوره اوایل قاجار) است که مقرنس در ایوان اصلی ورودی و در داخل بناها در سرستون‌ها قرار دارد. در مسجد حجت الاسلام مقرنس در داخل بنا و بالای محراب استفاده شده است. مسجد جامع تبریز (مسجد جمعه) در انتهای بازار تبریز و ضلع جنوبی صحن مدرسه طالبیه و بین مسجد حجت‌الاسلام و مسجد میرزا اسماعیل خاله اوغلی و الجاق مسجد واقع و در دوره قاجار ساخته شده است. هم‌چنین مسجد حاج صفرعلی تبریز که در ضلع شمالی حیاط مدرسه حاج صفرعلی قرار دارد، دارای مقرنس‌هایی در هر چهار طرف داخل گنبد است؛ این بنا مربوط به دوره اواخر قاجار است. ترسیم‌ها و نمونه‌هایی مقرنس را می‌توان در بناهای عمومی مانند سرای کچه چیلر در داخل مجموعه بازار یافت؛ مقرنس در بیرون بنا و هر چهار طرف ایوان استفاده شده است. مسجد کوچک (بالا مسجد) دارای مقرنس در بالای محراب است. این مسجد در داخل مجموعه بازار (راسته اصلی)، پشت کاروان‌سرای حاج حسین قدیم قرار دارد. در جدول شماره ۶ موقعیت بناها در مجموعه بازار تبریز و محل قرارگیری مقرنس در بناها آورده شده است.

روش ترسیم مقرنس

اصلی‌ترین نقطه شروع هر نقش هندسی اسلامی، نقطه‌ای در مرکز دایره است. هر نقش هندسی بر مبنای تعدادی دایره هم‌اندازه پایه‌ریزی می‌شود و طراح نیز به دنبال یافتن نقاط تقاطع مشخصی از این دایره‌های متقاطع و خطوط راست است. این نقاط تقاطع را می‌توان به‌وسیله خطوط راست به هم وصل کرد. چگونگی قرار گرفتن و قطع کردن این دایره‌ها و خطوط راست چگونگی گسترش نقش را معین می‌کند (بروک، ۲۰۰۶: ۱۳). در ترسیم نقش مقرنس نیز از دایره‌ها و خطوط که حول دایره مرکزی کشیده می‌شود بهره می‌گیرند. ابتدا برای ترسیم مقرنس اندازه دهانه‌ای را که مقرنس بر آن اجرا می‌شود، ترسیم می‌کنیم. سپس خط OE را به دو قسمت مساوی تقسیم می‌کنیم و دایره‌ای با این شعاع ترسیم می‌کنیم. سپس دایره مورد نظر را به ۱۰ قسمت مساوی تقسیم می‌کنیم. در مرحله بعد، از زاویه دوم یعنی FG خطی می‌کشیم که نقاطی از خط را قطع می‌کند و در آنجا دایره‌هایی ترسیم می‌کنیم. این دایره‌ها محل ترسیم قسمت بالا است دایره کوچک مرکزی از امتداد خطوط دایره B,C,D ترسیم می‌شود (شکل شماره ۱).

این نقاط را به یکدیگر متصل می‌کنیم بدین صورت بخش بالایی کامل می‌شود به طوری که این نقاط باید در امتداد یکدیگر قرار گیرند. هم‌چنین این نقاط از نظر قرارگیری مهم هستند زیرا امتداد مراکز دایره‌ای هستند که نقاط بعدی را تشکیل می‌دهند. بعد از کشیدن بخش اول شمشه‌ها را که در امتداد نقاط اصلی

این مقرنس کاری‌ها بیش‌تر در سردر داخلی بناها مورد استفاده قرار گرفته‌اند (جدول شماره ۵). مجموعه بازار تبریز در دوره‌های مختلف دستخوش تغییرات زیادی شده است؛ از جمله در مسجد و مدرسه و سراهای زیبایی آن. بنا به اهمیت بازار تاریخی تبریز مقرنس‌های این مجموعه به‌عنوان تحلیل انتخاب شده که از لحاظ تاریخی و شکلی دارای تنوع است.

جدول شماره ۵: بناهای دارای مقرنس در شهر تبریز

مقرنس در تبریز		تصاویر بناها
دوره ترکمانان	قره قویونلوها	مسجد کبود تبریز (مقرنس در گوشواره سر درب ورودی و اطراف محراب وجود دارند)
	آق قویونلوها	مسجد حسن پادشاه (فقط ذکر شده است الآن چیزی وجود ندارد)؛ مأخذ: انصاری و نژاد ابراهیمی، ۱۳۸۹
دوره صفویه		مسجد سلطنتی شاه‌طهماسب (این مسجد در زمان خاندان دنبلی و بعد از زلزله سال ۱۱۹۳ بازسازی گردید و نام آن به مقام صاحب‌الامر عوض گردید و مصالح آن از گچ و آجر می‌باشد)
		مسجد مقام صاحب‌الامر؛ مأخذ: نگارندگان
دوره قاجار (تقلید از مقرنس دوره صفوی)	زندیه	مسجد بنی‌هاشم - خانه بهنام (مقرنس در بیرون بنا و در دو طرف حیاط قرار دارد)
	قاجار	بازار تبریز، خواجه علی سیاه‌پوش - خانه حریری - خانه آقایانس (خانه تخریب شده)؛ مأخذ: تبریز به روایت تصویر ابراهیم حسین پور خونیق

مقرنس در مجموعه بازار تبریز

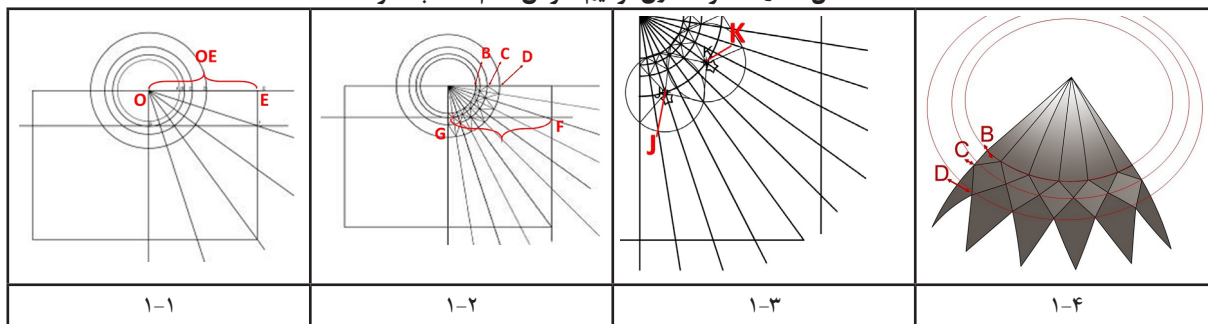
بازار تبریز از قرن چهاردهم هجری قمری در منابع مختلف نام برده شده است. از عمر بازارهای مسقف تبریز حداقل هزار سال می‌گذرد (خام‌اچی، ۱۳۷۵). هم‌چنین اکنون به‌عنوان بزرگترین و جامع‌ترین بازار سرپوشیده جهان معرفی شده است (زنگی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶). بازار تبریز به‌عنوان یک بلوک شهری و کامل‌ترین سازمان اجتماعی در بین بازارهای ایران، در بافت تاریخی شهر تبریز قرار گرفته و مهم‌ترین رکن این بافت است

جدول شماره ۶: بررسی پلان بناهای مورد بررسی

عنوان بنا	تاریخچه	پلان بنا	موقعیت مقرنس در پلان بنا	تصاویر	موقعیت در بازار
مقام صاحب الامر	مربوط به دوره قاجار				
مسجد مدرسه حاج صفح علی	مربوط به اواخر قاجار				
سرای کچه چهل	مربوط به دوره قاجار				
مسجد صحنه الاسلام	مربوط به اوایل قاجار				
مسجد کرچکی	مربوط به دوره قاجار				

مأخذ: نگارندگان

شکل شماره ۱: مرحله اول توسیم مقرنس مقام صاحب الامر



مأخذ: نگارندگان

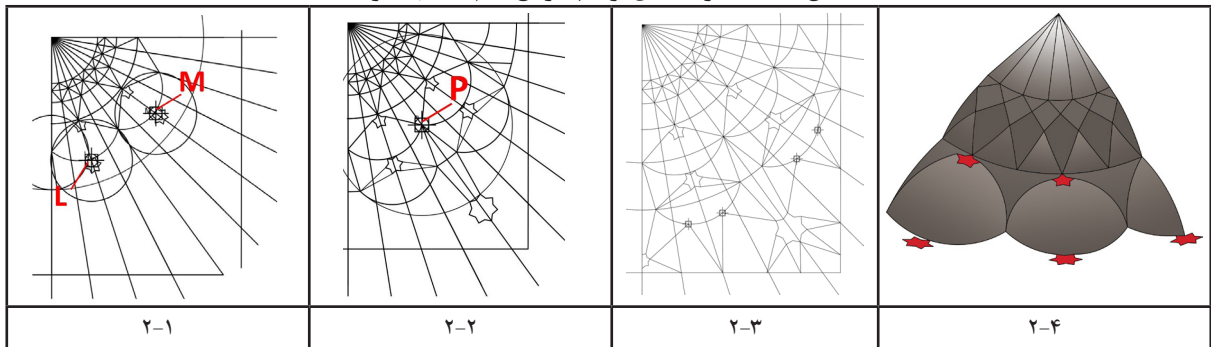
از رسم شبکه شعاعی شمسه را می کشیم. این شبکه شعاعی طرح مقرنس را به بخش های مساوی تقسیم می کند. سپس با انتقال خطوط، شبکه اعضای مورب در بالا ترسیم می شوند که از انتقال اعضای مورب به اعضای تخت افقی ردیف دوم مقرنس شکل می گیرد. بعد از ترسیم اعضای افقی تخت طاس ها و سایر اجزا را رسم می کنیم. باید توجه کنیم که انتهای طرح به شمسه با پره های مختلف ختم می شود که ابعاد آن نیز با دیگر اعضای تخت متفاوت است.

در مسجد حجت الاسلام، طرح مقرنس به دلیل قرارگیری بر روی محراب دارای طرح مستطیل کشیده است که این موجب شده اجزای تخت انتهایی در امتداد شبکه شعاعی مقرنس قرار نگیرد. در مسجد حاج صفرعلی، مقرنس در فضای داخلی مسجد و در زیر گنبد اجرا شده است. شیوه ترسیم این مقرنس نیز مانند سایر طرح ها از انتقال اعضای شبکه محوری به دست می آید. در جدول شماره ۷ طرح های این مقرنس ها بررسی و تحلیل شده است.

هستند ترسیم می کنیم و دایره ها را از بالای شمسه ها می کشیم یعنی نقاط J, K که این نقاط همان دوایر ضلع پایینی شمسه هستند. در مرحله بعد مجدد دوایر را ترسیم می کنیم که این دایره ها به مرکزیت L, M نقطه ای را ایجاد می کنند که این نقاط نیز مرکز دایره بعدی است. اما برای وصل نقاط دایره و تکمیل شکل، به دایره ای نیازمندیم که از مرکز وصل شود. بعد از ترسیم دایره ها بخش بعدی نیز همانند آن ترسیم می شود و قسمت وسط باقی مانده به عنوان نقطه اصلی برای ترسیم آخرین شمسه استفاده می شود. برای ترسیم خطوط قسمت پایین، دایره آخری را به سه بخش تقسیم می کنیم و این نقاط را به شمسه انتقال می دهیم. از آنجایی که مقرنس مسجد صاحب الامر به صورت قرینه است با انتقال ترسیم ها پلان مقرنس تکمیل می شود.

در سرای کچه چیلر مقرنس در زمینه مربع مستطیلی اجرا شده است. با وجود ساخت مقرنس در یک سر، هیچ یک از طرح ها یکسان نیستند. شیوه ترسیم مقرنس ها بدین صورت است که بعد

شکل شماره ۱: مرحله اول ترسیم مقرنس مقام صاحب الامر



مأخذ: نگارندگان

جدول شماره ۷: بررسی و تحلیل مقرنس های مجموعه ابنیه تاریخی بازار تبریز

مکان		بررسی ترسیمات	مقرنس
فضای خارجی	کچه چیلر سرای کس	دارای سه ردیف قطار بندی می باشد. این مقرنس در بین نمونه های موردی تنها یک شمسه دارد که آن هم در قسمت انتهایی قرار دارد	
	کچه چیلر سرای کس	در سمت دیگر سرای نمونه دیگر مقرنس اجرا شده که اعضای تخت آن به دو صورت اجرا شده است. این نوع مقرنس مانند نمونه های دیگر به صورت قرینه می باشد	
	کچه چیلر سرای کس	مقرنس دیگر سرای دارای ترسیمات نسبتاً پیچیده نسبت به سایر ایوان ها دارد. این مقرنس دارای ۴ ردیف می باشد.	
	مقام صاحب الامر	این مقرنس ها در گوشه های ایوان ورودی مرکزی قرار دارند و در دو سمت آن به صورت قرینه قرار گرفته اند. این مقرنس دارای سه ردیف قطار بندی می باشد.	

مکان		بررسی ترسیمات	مقرنس
فضای داخلی	مسجد حجه الاسلام	این مقرنس دارای شکل متفاوت تر نسبت به سایر مقرنس ها می باشد و در داخل مسجد، در بالای محراب قرار دارد. طول زیاد مستطیل نسبت به عرض آن موجب شده که تخت انتهایی در امتداد خطوط شمسه قرار نگیرد. مقرنس دیگر در زیر مقرنس مستطیل شکل و بالای محراب قرار گرفته است و شکل منظم تری نسبت به مقرنس بالای خود دارد	
	مسجد حاج صفر علی	مقرنس در زیر گنبد و در ۴ گوشه قرار دارد و دارای شکل ساده تری می باشد؛ و این مقرنس دارای ۴ ردیف می باشد.	
	مسجد کوچک (بالا مسجد)	مقرنس در داخل مسجد و در بالای محراب قرار دارد. در طرح مقرنس این مسجد اجزای تخت مربع شکل نیز وجود دارد که در سایر طرح های قبلی مشاهده نمی شود. شکل مقرنس مستطیلی شکل با گوشه بیخ می باشد. همچنین در انتهای طرح شمسه قرار ندارند. ابعاد این مقرنس نسبت به سایر مقرنس ها کوچک تر می باشد.	

مأخذ: نگارندگان

طرح در مقرنس

فشار آورد. بدین ترتیب با توجه به قرارگیری مقرنس در نقاط مختلف، طرح های متفاوت می توان اجرا کرد. کاربرد مقرنس در بناهای مجموعه بازار به صورت نیم کار (در بالای ایوان و محراب) و زیر گنبد است.

برخی معماران مقرنس ها را در جبهه ساختمان ها نیز به کار برده اند و در ساختن آن مهارت را به حدی رسانده اند که نمی گذاردند موجب سنگینی ساختمان شود و بر اصل و پایه

جدول شماره ۸: طرح های مختلف مقرنس

شکل	طرح	کاربرد	شکل	طرح	کاربرد
	مقرنس ۴ قطاره (مقام صاحب الامر)	گنبد		مقرنس ۴ قطاره (مسجد حجت الاسلام)	نیم کار
	مقرنس ۴ قطاره (سرای کچه چیلر)			مقرنس ۳ قطاره (سرای کچه چیلر)	
	مقرنس ۴ قطاره (مسجد کوچک)			مقرنس ۳ قطاره، زیر گنبد (مسجد حاج صفر علی)	زیر گنبد

مأخذ: نگارندگان

تحلیل مقرنس

مقرنس با توجه به محل و طول دهانه مورد استفاده دارای طرح‌های مختلف می‌شود. تاکنون منبعی از ترسیمات شکلی مقرنس‌های مجموعه بازار موجود نمی‌باشد. مطالعات انجام‌شده در مورد مقرنس‌های استفاده‌شده در مجموعه بازار در عین وجود شباهت، تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند. این شباهت ناشی از مصالح مورد استفاده و شکل آن‌ها است که به نوع مقرنس مربوط می‌شود که با هدف استحکام زیاد روی هم قرار گرفته‌اند و از لحاظ

اجرایی بر روی نیم‌کار مربع یا مستطیل اجرا شده‌اند. اما از لحاظ طرح این بناها در عین شباهت در وجود اجزا مانند شمشه و طاق و سایر اجزا، در طرح کلی تفاوت دارند. در سرای کچه چیلر، شکل مقرنس‌ها دارای اجزای تخت منظم نیمه است که در مسجد صاحب‌الامر و حجت‌الاسلام از این نوع اجزای تخت نیمه استفاده نشده است. در جدول شماره ۹ مقرنس‌های مجموعه بازار با یکدیگر مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفته است:

جدول شماره ۹: تحلیل مقرنس‌های مورد بررسی در بازار تبریز

مقرنس	سرای کچه چیلر	مسجد - مدرسه حاج صفر علی	مسجد کوچک	مقام صاحب‌الامر	مسجد حجه الاسلام	تحلیل بناها	بررسی
شکل						روی هم قرار گرفته مصالح: کج	
ایستایی						دارای ایستایی زیاد نسبت به سایر مقرنس‌ها	
طرح	شمسه ۸ پر و اجزای تخت منظم و ترنج و طاس 	شمسه ۸ پر و اجزای تخت منظم و ترنج و طاس 	شمسه ۴ پر و اجزای تخت منظم و ترنج و طاس 	دارای شمس ۳ پر و اجزای تخت منظم، ترنج و طاس می‌باشد 	شمسه ۱۰ پر در وسط و شاپرک و اجزای تخت منظم و ترنج و طاس 	دارای شباهت اجزای در مقرنس‌های بررسی شده	
اجرایی						به صورت نیم‌کار مربع و یا مستطیل اجرا شده است	

مأخذ: نگارندگان

نتیجه گیری

مقرنس عنصری تزئینی هندسی است که با نقطه، خط، سطح و حجم سر و کار دارد. در مقرنس‌های تزئینی با هدف ایجاد سایه‌روشن و القای خطوط مختلف، سطوح بیش تری را برای اجرای تزئینات ظریف تری چون آجرچینی، گچ‌بری، موزاییک کاری و نقاشی و غیره فراهم می‌آورد. این عنصر تزئینی در بناهای اسلامی (مسجد و بازار و...) مورد استفاده قرار گرفته و از لحاظ کثرت استعمال و از نظر تعدد مواد و نیز از جهت وسعت عالم اسلام اهمیت ویژه‌ای دارد. با بررسی ویژگی‌های مقرنس و طرح‌های مختلف آن که امکان اجرای آن در دهانه و شکل‌های مختلف را فراهم می‌کند، و استفاده از آن به‌عنوان عنصر تزئینی در دوره‌های مختلف از جمله دوره قاجار در بازار تبریز می‌توان بدین نتیجه رسید که هنرمندان مسلمان علاوه بر در نظر گرفتن زیبایی شکلی به ایستایی آن نیز توجه کرده‌اند. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در خصوص مقرنس‌های مجموعه بازار تبریز که میراثی از دوره‌های گوناگونی را در خود دارد، می‌توان اشاره کرد که مقرنس از لحاظ شکلی دارای انواع متفاوت است، اما از بین این مقرنس‌ها

بیش تر مقرنس جلوآمده در بناها دیده می‌شود. این نوع مقرنس در تمامی نمونه‌های مورد بررسی مشاهده شد، که این حاکی از ایستایی این نوع مقرنس که در شهر زلزله‌خیزی مانند تبریز دارد. تمامی اجزای مقرنس با این که شباهت ظاهری زیادی دارند، اما اجزایی تخت منظم در مسجد صاحب‌الامر و حجت الاسلام دارای تعداد بیش تری از مقرنس‌های سرای کچه چیلر هستند. هم‌چنین در مسجد کوچک اعضای تخت منظم مربع شکل وجود دارد که در سایر مقرنس‌ها مشاهده نمی‌شود. بنا به تحلیل‌های صورت گرفته در طرح‌های مقرنس، شمسه به‌عنوان عنصر اصلی همیشه در مرکز و در بالای طرح قرار گرفته است و در انواع مختلف ۱۰ پر و ۱۲ پر اجرا شده است. از نظر اجرایی با توجه به دهانه و وسعت مقرنس استفاده‌شده در مساجد سطح مورد نظر بیش تر و بزرگ تر از سطح مقرنس کاری سراها است. این می‌تواند ناشی از اهمیت مساجد نسبت به سایر کاربری‌های شهر باشد. هم‌چنین در مسجد حاج صفرعلی با توجه به قرارگیری مقرنس در فضای داخلی و در زیر گنبد، از نظر طرح این مقرنس با سایر طرح‌ها تفاوت دارد که در ترسیم‌ها نشان داده شده است، ولی از نظر مصالح با سایر مقرنس‌ها یکی است.

جدول شماره ۱۰: بررسی مصالح و مقرنس‌های مورد بررسی در بازار تبریز

مقرنس	تحلیل بناها	مسجد حجه الاسلام	مقام صاحب الامر	مسجد کوچک	مسجد - مدرسه حاج صفر علی	سرای کچه چیلر
	گچ					
	اجزای تخت					
	شمسه					

مأخذ: نگارندگان

فهرست منابع و مراجع

21. Bonner, Jay. (2017). Islamic Geometric Patterns. Santa Fe, New Mexico, USAHarmsen, Silvia. (2006). Algorithmic Computer Reconstructions of Stalactite Vaults - Muqarnas - in Islamic Architecture. Thesis doctorate of the Natural Sciences and Mathematics Faculty Total of the Ruprecht-Karls-Universität Heidelberg.
22. Fernandez Puertas, Alhambra. (1993) Mukarbas In Encyclopaedia of Islam, Vol. VII, pp. 500-501. E.J.Brill, Leiden-New York.
23. Kashef, Mohamad. (2017). Bahri Mamluk muqarnas portals in Egypt: Survey and analysis. Frontiers of Architectural Research, Volume 6, Issue 4, December 2017, Pages 487-503.
24. Sayah, Iman. (2016). Creating a parametric muqarnas utilizing algorithmic software. International Journal of Review in Life Sciences. Volume 6 (2016), Issue 1 (Jan-Mar), Pages 47-53.
25. Yaghan, Mohammad A. (2001) The Muqarnas Pre-Designed Erecting Units: Analysis, Definition of the Generic Set of Units, and a System of Unit-Creation as a New Evolutionary Step. Architectural Science Review, Vol. 44, No. 3, pp. 297-318, Sep. 2001.

۱. انصاری، جمال (۱۳۶۰)، هنر مقرنس‌سازی در آثار معماری ایران، موزه‌ها، شماره ۱.
۲. انصاری، مجتبی و احد نژاد ابراهیمی (۱۳۸۹)، هندسه و تناسب در معماری دوره ترکمانان قویونلو مسجد کبود (فیروزه جهان اسلام)، کتاب ماه علوم و فنون، شماره ۴۱، شهریور.
۳. اسمعیلی سنگری، حسین و بهروز عمرانی (۱۳۸۷)، تاریخ و معماری بازار تبریز، انتشارات ستوده، تبریز.
۴. بلیان اصل، لیدا؛ داریوش ستارزاده؛ ساناز خورشیدیان و مریم نوری (۱۳۹۰)، «بررسی ویژگی‌های هندسی گره‌ها در تزیین‌های اسلامی از دیدگاه هندسه فراکتال»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۶، زمستان.
۵. بروک، اریک (۲۰۰۶)، نقوش هندسی اسلامی، ترجمه: بهروز ذبیحیان، انتشارات مازیار، تهران.
۶. زنگی آبادی، علی؛ جابر علی‌زاده و بهزاد رنجبرنیا (۱۳۹۱)، «برنامه‌ریزی راهبردی، برای سازماندهی بازارهای سنتی ایران (مطالعه موردی: بازار سنتی تبریز)»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره هفتم، بهار.
۷. بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۵)، هنر اسلامی، زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، نشر سروش دانش، تهران.
۸. پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۰)، «گنبد در معماری ایران»، تنظیم و تدوین زهره بزرگمهری، مجله ائوه، شماره ۲۰.
۹. زمانی، عباس (۱۳۵۰)، «مقرنس تزیینی در آثار تاریخی اسلامی ایران»، هنر و مردم، شماره ۱۰۳.
۱۰. خاماچی، بهروز (۱۳۷۵)، بازار تبریز در گذر زمان، انتشارات اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تبریز، تبریز.
۱۱. ستاری ساریانقلی، حسن و امیر جدایی (۱۳۹۰)، «بررسی و تحلیل طرح‌های کاربردی به کار رفته در تیمچه‌های بازار تبریز»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره ۵، پاییز.
۱۲. شهرباف، اصغر (۱۳۷۲)، گره و کاربندی، سازمان میراث فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۱۳. لرزاده، حسین (۱۳۶۰)، احیای هنرهای از یاد رفته، جلد ۱ و ۲، تألیف: مهناز رئیس زاده، حسن مفید، انتشارات مولی، تهران.
۱۴. فرامرزی صاحب، سینا و منصور محمدیان (۱۳۹۲)، «بررسی وجود نظم شبه تناوبی در ساختار هندسی پتکانه»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲، تابستان.
۱۵. مکی نژاد، مهدی (۱۳۹۴)، «کاشی کاری مقرنس در معماری ایرانی»، فصلنامه تخصصی دانش مرمت و میراث فرهنگی، شماره ۶.
۱۶. مهدی نژاد مقدم، لاله و محمد خزایی (۱۳۸۶)، نقوش «مقرنس‌های ایلخانی در بسطام»، فرهنگ قومس، شماره ۱۱ (۳۹ و ۴۰).
۱۷. ویلبر، دونالد (۱۳۶۵)، معماری ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریار، ج ۳، علمی و فرهنگی، تهران.
۱۸. موسوی، زهرا (۱۳۸۱)، مقرنس در معماری، کتاب ماه هنر، شماره ۴۶ و ۴۵.
۱۹. نجیب اوغلو، گل رو (۱۹۹۵)، هندسه تزیین در معماری اسلامی، ترجمه: مهرداد قیومی بید هندی، انتشارات روزنه، تهران.

20. Alaçam, Sema, Orkan Zeynel Güzelci, Ethem Gürer, Zeynep Bacinoglu. (2017). Reconnoitring computational potentials of the vault-like forms: Thinking aloud on muqarnas tectonics, International Journal of Architectural Computing 2017, Vol. 15 (4) 285–303.

تبیین نقش مؤلفه‌های منظر حسی مبتنی بر حواس در کیفیت ادراک حسی محیطی گذر ارگ جدید تبریز*

مجید صالحی نیا^{۱*} (نویسنده مسئول)، مهدیه نیرومند شیشوان^۲

^۱ استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران
^۲ کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه هنر اصفهان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۹)

چکیده

حواس پنج‌گانه انسان ابزارهایی هستند که درک پدیده‌ها، محیط و فضای پیرامون انسان را برای او امکان پذیر می‌سازند. به دلیل غالب بودن حس بینایی بر دیگر حواس، توجه طراحان محیط کالبدی نیز اغلب به طراحی بصری است؛ غافل از آن که عده‌ای از افراد اجتماع، از درک کیفیت‌های بصری ناتوان‌اند. خلق فضایی بصر محور که سایر ادراکات مخاطب خویش را نادیده گرفته، باعث ایجاد فضاهایی ناآشنا برای مخاطب در محیط کالبدی معماری و شهر و غیر انسانی شدن آن‌ها شده است. هدف اصلی پژوهش بررسی ارتباط بین مناظر حسی موجود و «کیفیت ادراک حسی محیطی» گذر ارگ جدید تبریز است. پژوهش از نظر ماهیت، از نوع پژوهش‌های کمی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، از نوع پژوهش‌های میدانی است. جمعیت آماری این پژوهش را تمامی مخاطبان (ساکنان، شاغلان و بازدیدکنندگان) این محدوده تشکیل می‌دهند که در طول اسفندماه ۱۳۹۴ هـ.ش تا اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ هـ.ش در این محدوده حضور داشته‌اند که ۴۲۹۵۰ نفر برآورد شدند. با استفاده از فرمول کوکران و به روش تصادفی ساده ۳۸۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد. روایی پرسشنامه توسط کارشناسان مورد تأیید قرار گرفت. پایایی پرسشنامه با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ ۰/۸۵۳ به دست آمد. نتایج حاصل از یافته‌های آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین مؤلفه‌های منظر حسی و کیفیت ادراک حسی محیطی گذر ارگ جدید تبریز همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از آزمون رگرسیون چندمتغیره حاکی از این است که به ترتیب حس لامسه، حس شنوایی، حس چشایی و حس بویایی و در انتها حس بینایی دارای بیشترین نقش و قدرت تبیین در ادراک محیطی این گذر داشته و این پنج متغیر، توانایی تبیین ۶۰/۶ درصد از واریانس ادراک حسی کیفیت محیطی را دارند. در نهایت با توجه یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای کاربردی در خصوص راه کارهای عملی بهبود ادراک حسی کیفیت محیطی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: منظر حسی، حواس غیربصری، کیفیت ادراک حسی محیطی، ارگ جدید تبریز.

* این مقاله مستخرج از رساله پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهدیه نیرومند شیشوان با عنوان «طراحی کانون فرهنگی و منظر پیرامونی گذر تاریخی مقصودیه تبریز: با تأکید بر ادراک حسی (افراد کم توان نابینا)» با راهنمایی مجید صالحی نیا و مشاوره آرمین بهرامیان در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان است.

** E-Mail: salehinia@au.ac.ir

مقدمه

معماری و منظر شهری، علاوه بر ابعاد بصری دارای کیفیت‌های دیگری هستند که توسط دیگر گیرنده‌های حسی انسان قابلیت ادراک دارند. حواس انسان، ابزارهای ادراک پدیده‌ها، محیط و فضای پیرامون انسان هستند. اما آنچه در فضاهای امروز معماری و شهرسازی، به علت عدم توازن در استفاده از حواس پنج‌گانه، قابلیت افسرد برای درک عمیق و با کیفیت از محیط کالبدی کاهش پیدا کرده است. در این میان گذرها با توجه به این که صرفاً محل تردد لحظه‌ای و بدون درنگ شهروندان هستند، بیش‌تر با حس بینایی توسط آن‌ها ادراک می‌شوند؛ در حالی که با لحاظ تمام حواس، می‌توان تصویری بهتر از محیط کالبدی ادراک کرد. یوهانی پالاسما^۱ شهر معاصر را شهری می‌انگارد که هر چه بیش‌تر در حال تبدیل شدن به «شهر چشم»^۲ است، شهری که حرکت سریع ماشین‌ها آن را از تن جدا کرده است (شیرازی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۲). تجربه معماری، تجربه‌ای چندحسی^۳ است و کیفیت‌های ماده، فضا و مقیاس نه تنها با چشم، بلکه با گوش، بینی، پوست، زبان، اسکلت و عضلات سنجیده می‌شوند؛ به واقع، معماری از طریق همه حواس تجربه می‌شود (پیشین، ۱۳۹۱: ۳۶). در گذشته کیفیت‌های گوناگون حسی نظیر بوی نان تازه و سبزی، ادویه، بوی گرده و شکوفه درختان و گیاهان، صدای چکش مسگرها در بازارها و محله‌های تاریخی و دیگر کیفیت‌ها، به فضاها بُعد حسی متنوعی می‌بخشیدند. در حالی که منظر حسی در شهرهای امروزی، بیش‌تر متأثر از بوی دود و صدای بوق خودروها و ساخت‌وسازهای ساختمانی است. این امر باعث غیر انسانی شدن فضا و معماری و در نتیجه عدم استقبال از آن‌ها شده است و معماری را از هدف غایی خویش که همانا پیوند و یکپارچگی بین مخاطب انسانی و جهان پیرامون خویش است دور کرده و مخاطب را به سمت بیگانگی و انزوا سوق می‌دهد (پالاسما، ۱۳۹۳ - ب: ۴۱). بخشی از افراد اجتماع، از درک کیفیت‌های بصری ناتوان‌اند؛ مهم‌تر این که از راه‌های افزایش کیفیت ادراکی محیطی، افزایش غنای حسی به منظور به‌کارگیری تمامی حواس با هدف ایجاد جذابیت، شمولیت و فعالیت تمام اقشار اجتماعی، سنی، جنسی و افراد کم‌توان ادراکی و حسی چون نابینایان و ناشنویان و معلولان است (لطفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۳).

مورد پژوهی گذر ارگ جدید در شهر تبریز به دلیل اهمیتی که به لحاظ موقعیت قرارگیری‌اش در شهر دارد از این امر مستثنا نیست نبوده و به این جهت برای پژوهش میدانی انتخاب شد. این گذر در مرکز تاریخی شهر تبریز قرار گرفته است و از آنجایی که در مجاورت چندین بنای تاریخی است، امکان بدل شدن به محل ماندن و نه صرفاً گذر اتفاقی مخاطبان را دارد. هدف و فرضیه اصلی این پژوهش این است که نشان

دهد مؤلفه‌های منظر حسی پنج‌گانه موجود و با تأکید بر حواس غیربصری، در کیفیت ادراک حسی محیطی گذر ارگ جدید تبریز نقش دارند. برای دست‌یابی به این هدف، در این پژوهش، حواس و سیستم‌های ادراکی غیر بصری انسان که در درک محیط پیرامون دخیل هستند تشریح و در ادامه عناصر و کیفیت‌های منظر حسی موجود در مکان مورد پژوهش که در کیفیت ادراک غیربصری فضا مؤثر هستند تبیین و نقش آن‌ها اثبات شده است. شایان گفتن است که طی این پژوهش، حواس اصلی پنج‌گانه معیار قرار گرفته‌اند و از حواس دیگر که تقریباً وابسته این حواس اصلی هستند (عضلاتی، جابجایی و...) صرف نظر شده است. در خصوص تأثیر حواس غیربصری در کیفیت محیطی در پژوهش‌های داخلی و خارجی، پژوهش‌هایی موجود است، اما پژوهش‌هایی که ارتباط جامع و سامانه‌ای منظر به وجود آمده از همه حواس (خصوصاً غیربینایی) را با کیفیت محیط کالبدی و آن هم در شهر تاریخی تبریز تحلیل و اثبات کند وجود ندارد. با توجه به طرح مسأله صورت گرفته می‌توان گفت که پژوهش حاضر با هدف یافتن پاسخ علمی به سؤال اصلی زیر شکل گرفته است. آیا بین مؤلفه‌های مناظر حسی ایجاد شده مبتنی بر حواس و کیفیت ادراک حسی محیطی گذر مورد مطالعه همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد؟

مفاهیم، مبانی و پیشینه پژوهش

ادراک حسی

قبل از آن که به تعریف ادراک حسی پرداخته شود، باید به تعریف «محرک»^۴ پرداخت. در یک تعریف اجمالی به گفته گیبسون^۵، محرک به تغییر محسوس در محیط گفته می‌شود. انتقال اثر محرک از گیرنده حسی به سیستم اعصاب مرکزی، که به صورت عینی قابل پیگیری است، احساس نامیده می‌شود (شفیعی و شریفی درآمدی، ۱۳۸۵: ۳۱). مبحث ادراک حسی از آن جهت حایز اهمیت است که جهان پیرامون ما حاوی اطلاعات و محرک‌هاست و برای برقراری بهتر ارتباط با محیط، ضروری است این مفاهیم شناخته شوند (آتکینسون و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱). انسان برای برقراری ارتباط و تعامل مناسب با محیط کالبدی اطراف به دریافت و ادراک این اطلاعات نیازمند است. ادراک محیط فرآیندی است که انسان از طریق آن داده‌های لازم را بر اساس نیاز از محیط پیرامون بر می‌گزیند (شرقی و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۸). در روان‌شناسی محیطی، فرایند ارتباط و تعامل انسان با محیط در سیری خطی و در چند مرحله صورت می‌پذیرد که در نمودار شماره ۱ دیده می‌شود (Hershberger, 1988: 187).

در ارتباط با فرایند تعامل انسان با محیط اولریخ نایسر تعریفی ارائه می‌کند با عنوان فرایند درک معنا. مدل ارائه شده توسط نایسر، نقش اسکیمایا طرح‌واره ذهنی و قابلیت‌های محیط را در فرایند



نمودار شماره ۱: فرایند ارتباط و تعامل انسان با محیط؛
Bruner & Postman, 1949: 16 مأخذ:

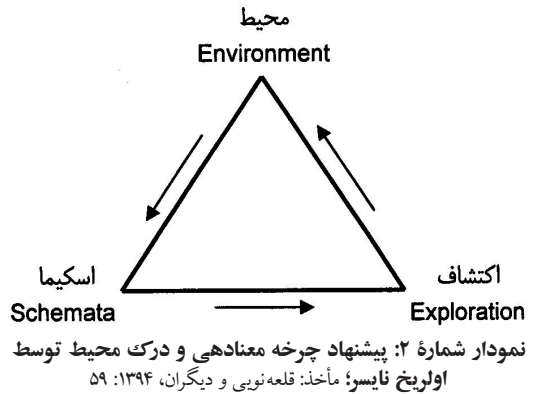
محیط چندحسی^۱ و معماری حواس^{۱۰}

انسان‌ها در دنیای چندحسی زندگی می‌کنند که با دیدن، بوها، صداها، مزه‌ها و پدیده‌های چشیدنی احاطه شده‌اند؛ و روشی که این محرک‌ها تجربه می‌شوند به فهم ما از محیط پیرامون کمک می‌کند (Mount and Cavet, 1995: 52). روند تکامل ساخت محیط‌های چندحسی از دهه ۱۹۷۰ میلادی آغاز شد (Hazreena, 2010: 26). این تحولات، بیش‌تر در زمینه محیط‌های یادگیری کاربرد پیدا کرد. مباحثی که در حوزه روانشناسی رشد مطرح شد. آناتی اولدوز، روان‌شناس کودک به این فرآیند در کودکان اشاره می‌کند و بیان می‌کند که کودکان در محیط سیر می‌کنند و از ظرافت در رنگ، نور، صدا، بو، حس لامسه، بافت، حجم، حرکت، فرم و ریتم اطرافشان لذت می‌برند (حناچی و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۱). به اعتقاد یوهانی پالاسما خط مرزی بین ما و دنیای پیرامون توسط حواس مان شناخته و تمیز داده می‌شود. به اعتقاد وی، معماری به سادگی و با اضافه کردن پلان‌ها و مقاطع به نماها تولید نمی‌شود؛ معماری چیز دیگری است که ماورای این‌هاست (Saoji & Bahadure, 2012: 901). معماری حواس، معماری‌ای است که بر حضور همراه همه حواس توجه دارد. اگر از تعابیر سینمایی مورد علاقه پالاسما استفاده شود، می‌توان گفت که معماری چندحسی بیش از «نمای دور»، «نمای نزدیک»^{۱۱} می‌گیرد (شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

جایگاه «منظر حسی» در مؤلفه‌های سازنده کیفیت محیطی

همان‌گونه که در تعریف منظر به آن اشاره شد، می‌توان منظر را به عنوان مقوله‌ای مطرح در کیفیت و مطلوبیت شهرها دانست که واقعی‌یتی عینی بوده و حاصل مشاهده و درک مظاهر گوناگون و ملموس شهر اعم از بناها، فضاها، فعالیت‌ها، صدا و بوها در هنگام مواجهه شهروند با پدیده شهر است. ماکاچیا در تعریف خود از کیفیت محیط اشاره می‌کند که کیفیت محیطی عبارت است از مجموعه‌ای از خصوصیات کمی و کیفی هر شیء یا مکان که منجر به برتری آن می‌شود و قابلیت مقایسه و داوری را در مقایسه با بقیه فراهم می‌سازد (Makachia, 2015: 51). ون کمپل، شاخص‌های کیفیت محیطی را به شاخص‌های عینی و ذهنی طبقه‌بندی کرده است. حال شاخص‌های کیفیت محیطی را از سه منظر کالبدی، فعالیت‌ی و تصورات (ادراک) مورد بحث قرار داده است. گلکار مؤلفه‌های کیفیت محیطی را در سه گروه عمده یعنی مؤلفه‌های عملکردی (قرارگاه رفتاری، ایمنی، امنیت، سازگاری و...)، مؤلفه‌های تجربی زیبایی‌شناختی (کیفیت کالبدی، کیفیت ادراک حسی، کیفیت ادراکی ذهنی) و

ادراک و بالاخره رفتار فضایی نشان می‌دهد. بنابراین او معنا را نیز از ویژگی‌های اسکیمای می‌داند و اعتقاد دارد که آن چه در خاطره و ذهن باقی می‌ماند شیء، صحنه یا رویدادی است که با نقش هدایت‌کنندگی اسکیمای ادراک شده و اسکیمای به نوعی درگیر استفاده و یا اصلاح شده باشد (Neisser, 1977: 20).

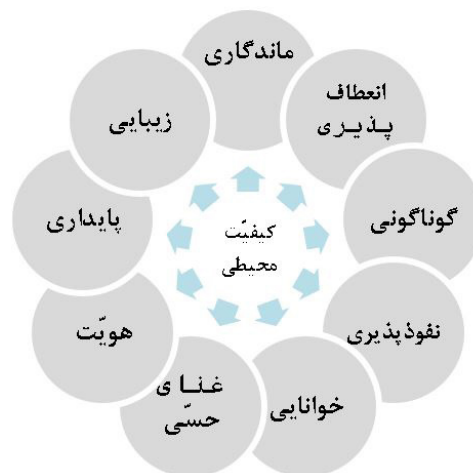


از نظر نایسر در هر مرحله ادراک، هم قطب درون و هم قطب بیرون به صورت هم‌سنگ تأثیر دارند. او چرخه «محیط»، «اسکیمای» و «اکتشاف (کنجکاوی)» را مطرح می‌کند (نمودار شماره ۲). معتقد است هیچ انسانی با محیط ارتباط برقرار نمی‌کند مگر آنکه اسکیمای و انگیزه اکتشاف داشته باشد. این سیکل و چرخه دائماً اتفاق می‌افتد و باعث تقویت اسکیمایها می‌شود. هرچه اسکیمایها قوی‌تر باشند این چرخه کمتر می‌چرخد (Panzeri et al., 2017: 494-496).

منظر حسی^۶

منظر گونه‌ای دیگر از مکان است؛ منظر محصول تعامل انسان و محیط در فضاهای بیرونی است (برک، ۱۳۸۷: ۹). باید اذعان داشت به‌رغم کم‌توجهی به آن، مهم‌ترین وجه محیط زیست است که با انسان در ارتباط غیرمادی به سر می‌برد (منصوری، ۱۳۸۳: ۲). زبان منظر، زبان فطری ما است؛ انسان‌ها پیش از این که کلماتی برای توصیف اعمال خود داشته باشند، منظر را لمس کرده، دیده، شنیده، بو کرده، چشیده و در آن زندگی کرده‌اند؛ منظر، مکان و مردم را به هم پیوند می‌دهد (اسپیرن، ۱۳۸۷: ۲۲-۲۰). اما آنچه مسلم است این تعاریف تنها ابعادی از تعریف کامل منظر را بیان می‌کنند و پیچیدگی‌های آن را شامل نمی‌شوند. مصداق این نقص، مطرح شدن ایده منظرهای حسی که در ساخت اشکال فضایی مؤثرند؛ مانند منظر لمسی، شنیداری و بویایی. بتلی^۷، از عنوان مشابه دیگری در این زمینه استفاده می‌کند و آن غنای حسی^۸ است.

مؤلفه‌های محیط‌زیستی (کیفیت اقلیم، اصوات، بو، بازدهی و تعادل اکوسیستم و تقلیل آلودگی) تقسیم‌بندی کرده است. از این رو، در کل می‌توان گفت در درک پدیده‌ی منظر تمام حواس انسان فعال هستند (دوبران و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۸ و معینی، ۱۳۹۱: ۲۸) به صورت خلاصه، می‌توان شاخص‌های تأثیرگذار بر کیفیت محیطی را در قالب نمودار شماره ۳ بیان کرد:



نمودار شماره ۳: شاخص‌های مؤثر در کیفیت محیطی، مأخذ: دوبران و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۹

به اعتقاد یان گل^{۱۲}، نقطه‌ی شروع طبیعی برای طراحی شهرهای انسانی، قابلیت حرکت انسان و حواس انسان است، چراکه این پایه‌های بیولوژیک فعالیت‌ها، رفتارها و ارتباطات را در فضای شهری فراهم می‌آورند (گل، ۱۳۹۲: ۳۳). بنابراین لزوم پرداختن به منظر حسّی و ادراک انسان از محیط اطراف در روند طراحی‌های معماری و شهری پررنگ‌تر می‌شود.

فضای شهری از طریق دریافت‌های حواس گوناگون، احساس و ادراک می‌شود و در ادراک فضا هر چه اندام‌های حسّی بیش‌تری تحریک شوند، تأثیرگذاری فضا بیش‌تر و درک از فضا کامل‌تر و عمیق‌تر صورت خواهد گرفت. مدل ذهنی روابط میان انسان و محیط نشان می‌دهد که رابطه‌ی دو طرفه میان ویژگی‌های محیط شهری از یک سو و ادراک، شناخت، ارزیابی و رفتار انسانی از سوی دیگر وجود دارد (گلکار، ۱۳۸۷: ۹۸). به نظر می‌رسد باغ ایرانی نمونه‌ای با کیفیت از این محیط‌هاست. هنگام حضور انسان در باغ ایرانی تمامی حواس پنج‌گانه انسان در ادراک محیط به کار گرفته می‌شود. در باغ ایرانی ساختار هندسی و تمامی اجزا و عناصر محیط به گونه‌ای طرح‌اندازی شده است که نظام تمرکز حواس را به وجود می‌آورد (شاهچراغی، ۱۳۸۸: ۷۸). تجربه‌ی معماری چشم‌گیر، کلیه‌ی گیرنده‌های فیزیکی و روانی انسان را حسّاس می‌کند؛ هرچند درک ساختار احساس، به خاطر گستردگی و گوناگونی آن دشوار است (پالاسما، ۱۳۹۳: ب: ۵۵). می‌توان فضاها را به عنوان ترکیبی از علائم و نشانه‌های حسّی قابل درک و استفاده برای جهت‌یابی و حرکت در نظر گرفت. بدین گونه که آن‌ها با برقراری ارتباط از

طریق اشیا و عناصری که تمامی حواس انسان را تحریک می‌کنند، با مغز ارتباط برقرار می‌کنند و باعث درک سریع اطلاعات و ماندگاری بیش‌تر آن‌ها در حافظه می‌شوند (رجبسی، ۱۳۹۱: ۲). ادراک فضاهای باز، نیمه‌باز و محصور از طریق حواس بینایی، شنوایی، بویایی و لامسه در ابعاد و مقیاس‌های مختلف میسر است. از آن‌جایی که منظر شهری تلفیق سه‌گانه‌ای از منظر عینی، ذهنی و عاطفی شهر است، متناسب با مخاطب شهر، سطوح ادراکی آن‌ها نیز تغییر خواهد کرد (قلی‌پور، ۱۳۹۳: ۲۱). بنابراین آن‌چه بیان شد می‌توان مدعی شد که منظر حسّی و میزان توجه به ادراک از طریق حواس مختلف انسان در فرایند طراحی فضا، یکی از معیارهای سنجش کیفیت فضا در محیط است.

مبانی حواس در منظر حسّی

شاید بتوان مؤثرترین فیلسوف نظریه‌پرداز در این مبانی را مرلوپوتنی دانست. نظر مرلوپوتنی^{۱۴} در مورد کارکرد و نقش حواس با نظریه‌های فلاسفه‌ی مقدمه‌ی او کاملاً متفاوت است و این ناشی از دیدگاهی است که او از «تن» دارد (پیراوی ونک، ۱۳۸۹: ۱۰۱). حواس پنج‌گانه شنوایی، بویایی، بینایی، بساوابی و چشایی، برای نخستین بار توسط ارسطو^{۱۵} طبقه‌بندی شدند. پیشرفت حواس وابستگی زیادی به تاریخ تکامل دارد و می‌توان آن‌ها را به صورت زیر دسته‌بندی کرد (گل، ۱۳۹۲: ۳۳): حواسی که با فواصل دور^{۱۶} (حواس فاصله‌محور) در محیط سر و کار دارند و حواسی که در فواصل نزدیک^{۱۷} (حواس بلافاصله) در محیط مورد استفاده قرار می‌گیرند (هال، ۱۳۹۰: ۵۰). مرلوپوتنی در بررسی بحث معرفتی حواس به عنوان بخشی از روند ادراک، و عطف توجه به این نکته که ادراک همواره یک کلّ (گشتالت) مبهم از ابژه تجربه فراهم می‌آورد، تأکید بسیاری بر هم‌پیوندی حواس می‌گذارد. از نظر وی حواس در سطح ادراک یک کل انضمامی و تمایزناپذیرند، و یا آن‌ها را نمی‌توان منتزاع از موقعیت مُدرک بررسی کرد (بصیری، ۱۳۹۲: ۴۶). دسته‌بندی آمده در جدول شماره ۱ حاصل درکنارهم قرار دادن چندین نظریه در این خصوص است. شایان گفتن است است که در این پژوهش، حواس اصلی پنج‌گانه معیار قرار گرفته‌اند و از حواس دیگر که تقریباً وابسته‌ی این حواس اصلی هستند صرف نظر شده است.

در ادامه مبحث حواس، جا دارد به مناظر حسّی پنج‌گانه و مفاهیم مرتبط اشاره شود؛ چرا که شناخت مناظر حسّی و ویژگی‌های مربوط، در این پژوهش الزامی است. مناظرهای حسّی در جدول شماره ۲ مرتب شده‌اند.

از آن‌چه در ۵ قسمت در بخش مفاهیم و مبانی تشریح شد، مدل مفهومی پژوهش شکل می‌گیرد که برای بیان گویاتر، در نمودار شماره ۴ آمده است.

جدول شماره ۱: حواس شناسایی شده انسان

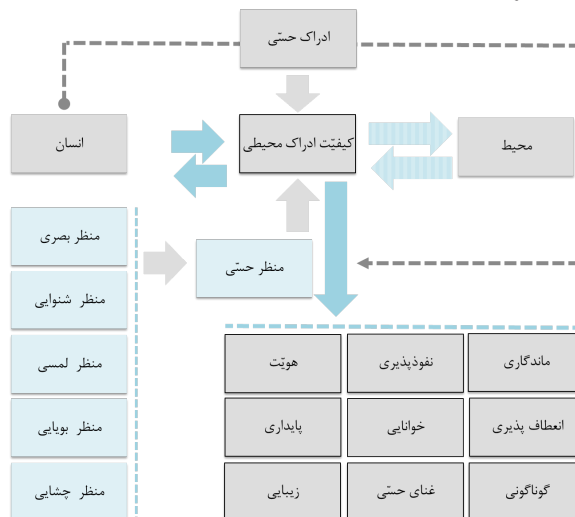
دیدگاه	گیرنده حسی	سیستم‌های حسی	دوازده حس	حواس و روان	حواس و ادراک	وحدت حواس	حواس و طراحی
ارائه کننده	ارسطو	گیسوس	اشتاینر	علم سایکوفیزیک	نظریه اکولوژیک ادراک	مرلوپونتی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۹	مأخذ: بنتلی، ۱۳۹۱: ۲۶۵
حواس انسان	حس بینایی حس شنوایی حس بویایی حس لامسه حس چشایی	سیستم بصری سیستم شنیداری سیستم چشایی-بویایی سیستم لامسه سیستم جهت یابی	حس لامسه حس زندگی حس حرکت فردی حس تعادل حس بویایی حس چشایی حس بینایی حس حرارت حس شنوایی حس گویایی حس مفهومی حس نفس	حس بینایی حس شنوایی حواس تنی (حس لامسه، حس وضعی-عضلاتی) حواس شیمیایی (حس چشایی، حس بویایی) حس عمومی	نظام بینایی نظام شنوایی نظام لامسه نظام چشایی-بویایی نظام جهت یابی	بدن (تن)	حس جابجایی (حرکت) بویایی شنوایی بساوایی (بساوش)

مأخذ: شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۴: ۱۴۲ با تکمیل نگارندگان

جدول شماره ۲: مناظر حسی و جمع بندی تعاریف مرتبط

مناظر حسی	تعاریف و مفاهیم وابسته
منظر بینایی (بصری، دیداری)	- فراگیر شدن معماری مدرن و تأکید بر طراحی بر اساس قوانین دید چشم (پرسپکتیو) موجب شد تا طراحی به حس بینایی و قوانین ادراک بر مبنای آن بیش تر از سایر حواس انسان توجه کنند. - ارتباط بینایی با نور، شکل، بافت، رنگ، حرکت و با جنبه‌هایی از ابعاد فضایی مانند فاصله و عمق در محیط (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۴: ۱۴۵).
منظر شنوایی (شنیداری، صوتی)	- مطرح شدن اصطلاح منظر صوتی ^{۱۸} توسط شافر ^{۱۹} در اواسط دهه ۱۹۶۰ میلادی (Schafer, 1994) - ایجاد حس شنوایی به محرک‌های شنوایی بستگی زیادی دارد. جان هال ^{۲۰} که نابینا است در کتاب «لمس کردن صخره ^{۲۱} » توضیح می‌دهد که چگونه از طریق شنوایی خود به درک فضایی و جهت یابی می‌رسد (اسپیرن، ۱۳۸۷: ۵۰). - قدرتمندی صدا در معرفی مکان: برخی از مذاهب به وسیله زنگ‌ها و ناقوس‌ها و صدای مؤذن از روی مناره‌ها، زمان و مکان عبادت را توسط صدا معرفی می‌کنند. (آنوین، ۱۳۸۶: ۴۴).
منظر لمسی (بساوایی)	- جنبه ارادی و هم جنبه غیرارادی حس بساوایی (بنتلی، ۱۳۹۱: ۲۶۷). - ارتباط حس لامسه با نظام حرکت در محیط: تغییر مصالح، بافت در عناصر مصنوعی و طبیعی محیطی، حرارت محیط، رطوبت محیط، میزان تغییرات و میزان مقاومت سطحی که انسان بر آن حرکت می‌کند (پالاسما، ۱۳۹۲: ۱۰۸). - ارتباط حواس با لامسه از جمله حس بینایی
منظر بویایی	- ابداع منظر بویایی توسط پورتوس ^{۲۲} در ۱۹۹۰ میلادی (Rodaway, 1994: 63) - گسترده، تجربه پذیری بهتر از نظر تنوع محرک‌ها (مانند حس شنوایی) (بنتلی، ۱۳۹۱: ۲۶۷) - میزان کنترل بیش تر انسان بر آن (پیشین، ۲۶۷) - خوشایند و ناخوشایند بودن بوها؛ تداعی مثبت یا منفی آن‌ها (هال، ۱۳۹۰: ۷۰) - حساسیت متفاوت افراد به بوها (بسته به فرهنگ و وضعیت فیزیولوژیکی) (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۴: ۱۵۹) - بو و تصویرسازی ذهنی: (اغلب، ایرانی‌ها هر گاه بوی اسپند را در محیط احساس می‌کنند به یاد جایی و یا معنی ویژه‌ای می‌افتند). - بو و درمان (رایحه‌درمانی یا عطر درمانی)
منظر چشایی	- ارتباط گیرنده‌های بویایی با گیرنده‌های چشایی (احساس مرکب) است (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۴: ۱۶۰) - نظریه اکولوژیک ادراک، چگونگی تأثیر حس چشایی در ادراک محیط را روشن می‌کند (پیشین: ۱۶۱). - حس چشایی و خاطره‌ها؛ مثل غذاهای مخصوص نوروز، شب عید، شب یلدا، ایام عزاداری ماه محرم و ...

مأخذ: نگارندگان



نمودار شماره ۴: مدل اولیه مفهومی پژوهش؛
مأخذ: نگارندگان

بر مبنای این مباحث فرضیه پژوهش چنین صورت بندی می شود: به نظر می رسد بین مؤلفه های مناظر حسی ایجاد شده مبتنی بر حواس و کیفیت ادراک محیطی گذر مورد مطالعه همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، توسعه ای و از لحاظ ماهیت، توصیفی-تحلیلی و نیز از نوع همبستگی و علی است. گردآوری داده های مورد نیاز به صورت اسنادی (داده های ثانویه) و میدانی (داده های اولیه) بوده است. جمعیت آماری این پژوهش شامل ساکنان، شاغلان و بازدیدکنندگان حاضر در محدوده مورد مطالعه هستند که از اسفند ماه ۱۳۹۴ ه.ش تا اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ ه.ش در ۲۵ روز متفاوت از این محدوده گذر کردند. به منظور انتخاب حجم نمونه ابتدا تعداد مغازه های موجود در محل شامل ۹۲ مغازه شناسایی شدند، هم چنین تعداد خانوارهای ساکن در محل ۱۴۷۵ خانوار با ۳۶۵۵ نفر و عابران در حال گذر در طول یک ساعت برابر با ۱۱۲ نفر و میانگین برای ساعت ۸ صبح تا ۱۰ شب برابر ۳۹۲۰۰ در طول ۲۵ روز محاسبه شد. در نهایت اینکه جمعیت مورد مطالعه این پژوهش برابر با ۴۲۹۵۰ نفر به دست آمد. با استفاده از فرمول کوکران و به روش تصادفی ساده، ۳۸۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳: حجم نمونه انتخابی به تفکیک گروه های مختلف

ابعاد جامعه	تعداد جمعیت	حجم نمونه انتخابی
ساکنان	۳۶۴۵	۱۳۰
بازاریان	۱۰۵	۵۰
عابران	۳۹۲۰۰	۲۰۰
جمع کل	۴۲۹۵۰	۳۸۰

فرایند جمع آوری داده های این پژوهش به دو صورت کتابخانه ای و میدانی بوده است. در روش کتابخانه ای از طریق بررسی و مطالعه منابع مکتوب داخلی و خارجی اقدام به تهیه چارچوب نظری پژوهش و هم چنین استخراج شاخص های پژوهش شد. در روش میدانی نیز از طریق تهیه پرسشنامه محقق ساخته اطلاعات مورد نیاز جمع آوری شد. ابزار گردآوری داده های محیط کالبدی پرسشنامه است که شامل دو بخش مشخصات فردی و حرفه ای پرسش شوندگان (شامل هفت پرسش) و سؤالات استنباطی پژوهش (شامل ۹ پرسش) است. پرسش های موجود در پرسشنامه اساساً از سؤالات بسته و بر مبنای مقیاس لیکرت^{۳۳} پنج سطحی (خیلی کم=۱ تا خیلی زیاد=۵) تشکیل شده است. مؤلفه های مناظر حسی تأثیرگذار بر کیفیت ادراک محیطی گذر از طریق بررسی و مرور مباحث نظری در حیطه مسأله مورد پژوهش به ویژه پژوهش های مرتبط و پایه صورت گرفته در داخل و خارج از کشور و مصاحبه

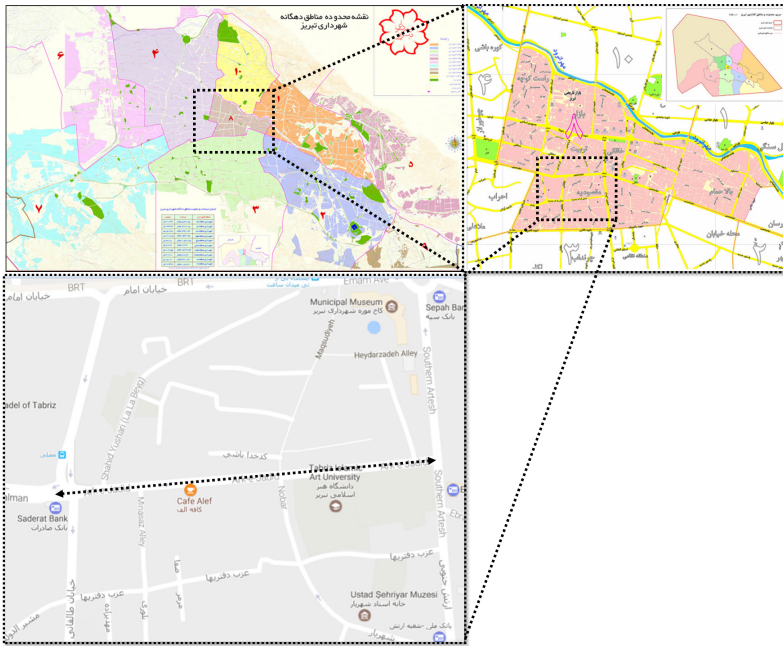
حضور و نیمه ساختارمند با ۱۰ متخصص، شناسایی و استخراج شدند. در نهایت ۲۳ مؤلفه مناظر حسی تأثیرگذار بر کیفیت ادراک محیطی گذر برای بررسی در قالب مؤلفه های حس بینایی ۶ متغیر، حس چشایی و حس بویایی (منظر شیمیایی)؛ ۵ متغیر، حس شنوایی؛ ۶ متغیر و حس لامسه با ۶ متغیر شناسایی شدند. متغیرهای مناظر حسی تأثیرگذار بر کیفیت ادراک محیطی عبارتند از: «قابلیت پیش بینی فضا»، «جهت یابی و تعیین مسیر»، «معرفی فضا و فعالیت های جاری»، «نشانی دهی»، «خوشایند بودن» و «مطلوبیت محرک ها». (جدول شماره ۴)

جدول شماره ۴: متغیرهای مناظر حسی تأثیرگذار بر کیفیت محیطی گذر ارگ جدید تبریز

عنوان	مناظر حسی پنج گانه
مطلوبیت شاخص ترین محرک های بصری	حس بینایی
قابل پیش بینی شدن فضا	
جهت یابی و تعیین مسیر	
معرفی فضا و فعالیت های جاری	
استفاده از عناصر بصری فضا برای نشانی دهی	
خوشایند بودن مناظر بصری	حس چشایی و حس بویایی (منظر شیمیایی)
مطلوبیت شاخص ترین محرک های شیمیایی	
قابل پیش بینی شدن فضا	
جهت یابی و تعیین مسیر	
معرفی فضا و فعالیت های جاری	
استفاده از عناصر شیمیایی فضا برای نشانی دهی	حس شنوایی
مطلوبیت شاخص ترین محرک های صوتی فضا	
قابل پیش بینی شدن فضا	
جهت یابی و تعیین مسیر	
معرفی فضا و فعالیت های جاری	
استفاده از عناصر شنوایی فضا برای نشانی دهی	حس لامسه
خوشایند بودن از نظر مناظر شنوایی	
مطلوبیت شاخص ترین محرک های لمسی فضا	
قابل پیش بینی شدن فضا	
جهت یابی و تعیین مسیر	
معرفی فضا و فعالیت های جاری	
استفاده از عناصر لمسی فضا برای نشانی دهی	حس لامسه
خوشایند بودن از نظر مناظر لمسی	

مأخذ: نگارندگان

روایی پرسشنامه با نظر گروه متخصصان (۳ نفر) و کارشناسان (۵ نفر) در زمینه موضوع مورد پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. علاوه بر این برای تعیین پایایی پرسشنامه، پیش آزمون با استفاده از توزیع ۲۰ پرسشنامه در گذر مشابه گذر مورد مطالعه انجام گرفت. پایایی پرسشنامه با مقدار آلفای کرونباخ^{۳۴} محاسبه شده ۰/۸۵۳ به دست آمد. تجزیه و تحلیل آماری داده های گردآوری شده با استفاده از بسته نرم افزاری SPSS23 صورت گرفته و نتایج پژوهش در دو بخش



نقشه شماره ۱: موقعیت گذر ارگ جدید تبریز؛ مأخذ: URL 1



نمودار شماره ۱: مناظر گذر ارگ جدید و دید به بناها و فضاهای تاریخی ارزشمند پیرامونی؛ مأخذ: نگارندگان

اطلاعات توصیفی (شامل ویژگی‌های فردی؛ جنسیتی، سطح سواد، تعداد دفعات عبور از محل با آماره‌های فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار و آزمون‌های استنباطی شامل آزمون پیرسون^{۲۵} و رگرسیون چند متغیره خطی^{۲۶} استخراج شده است. قابل ذکر است که این پژوهش در روش انجام پژوهش، مطالعه موردی، مؤلفه‌های منظر حسی شناسایی شده و تحلیل همبستگی آن‌ها با کیفیت ادراک محیطی نسبت به پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه دارای نوآوری است.

معرفی محدوده مورد مطالعه و گذر ارگ جدید تبریز

قلمر و مکانی پژوهش در ناحیه ۸ شهری تبریز در محله نوپز واقع شده است (نقشه شماره ۱). گذر ارگ جدید به طول تقریبی ۴۰۰ متر، از سمت شمال و جنوب به بلوک‌های ساختمانی مسکونی و از سمت شرق و غرب به دسترسی‌های اصلی شهری محدود است. به دلیل قرار گرفتن در بافت مرکزی شهر تبریز، بناهای شاخص تاریخی در همسایگی این گذر قرار دارند. علت انتخاب این محدوده برای مطالعه از این نظر حائز اهمیت است که این گذر در مقایسه با گذرهای مشابه خود کمتر دچار تغییرات ناشی از ساخت و ساز شده و هنوز عناصر معماری سنتی و تاریخی را در خود حفظ کرده است؛ کاربری‌های موجود در این گذر شامل کاربری‌های تجاری، فرهنگی و آموزشی است. در نقشه ۳ کاربری‌های فرهنگی و آموزشی موجود اشاره شده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

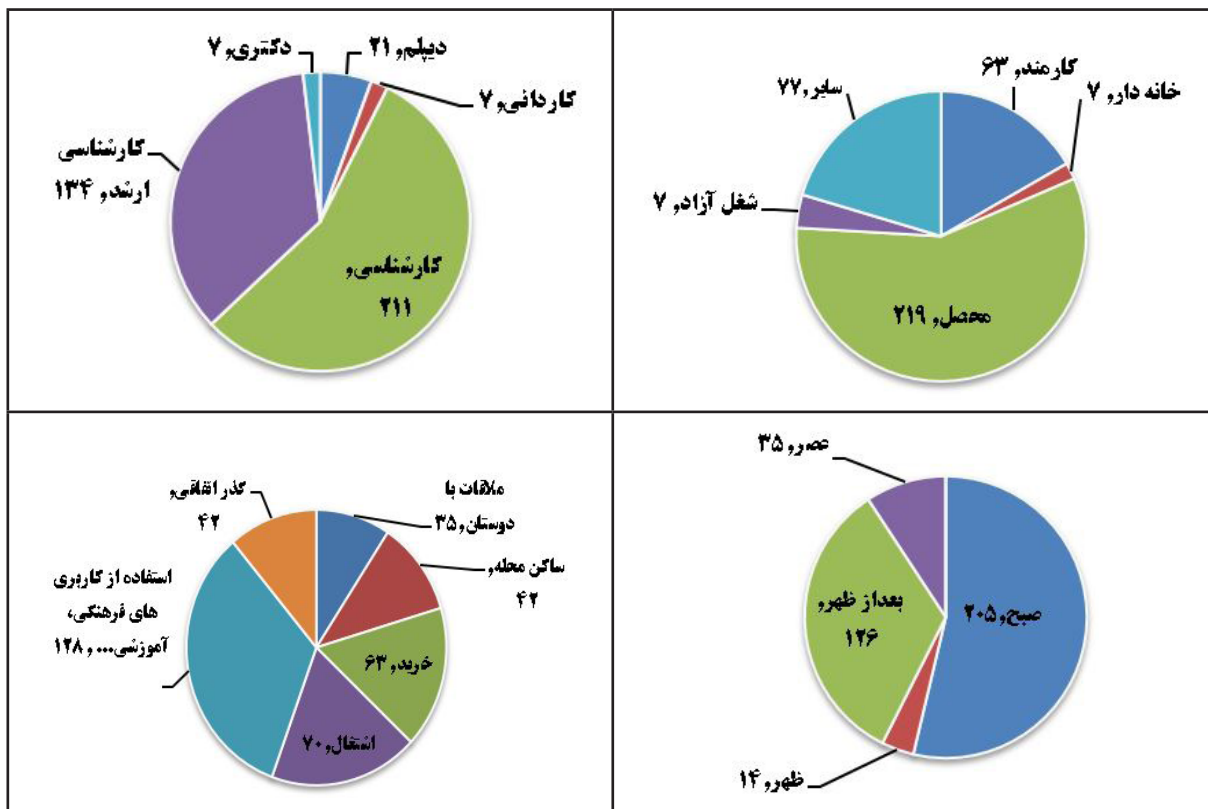
یافته‌های توصیفی

از مجموع ۳۸۰ نفر مورد مطالعه، ۱۲۷ نفر (۳۳/۴ درصد) مرد و ۲۵۳ نفر (۶۶/۵ درصد) زن بوده‌اند. نتایج مربوط به سایر ویژگی‌های افراد در نمودار شماره ۲ آمده است.

یافته‌های استنباطی

بررسی نتایج حاصل از آزمون همبستگی با ضریب پیرسون برای شناسایی وجود همبستگی متغیرهای مربوط به استفاده از نشانه‌ها

برای تعیین موقعیت و حرکت در فضا و مناظر حسی در محدوده گذر ارگ نشان می‌دهد که از بین پنج منظر حسی وارد شده در آزمون، متغیر نشانه‌های دیدنی با متغیرهای نشانه‌های شنوایی و نشانه‌های لمسی به ترتیب دارای همبستگی ۰/۳۶۹ و ۰/۵۲۲ است. هم‌چنین این متغیر با متغیر چشایی و بویایی فاقد همبستگی است. علت اصلی وجود همبستگی این متغیر با متغیرهای لمسی



نمودار شماره ۲: نمودارهای توزیع فراوانی حجم نمونه بر حسب تحصیلات (اول، راست) گروه‌های مختلف شغلی (اول، چپ) هدف حضور (دوم، راست) و زمان حضور (دوم، چپ)

دنبال آن لمس و صحنه‌سازی فردی (ادراک ذهنی) در مورد یک اثر و اتفاقات تاریخی رخ داده در آن شکل می‌گیرد. همبستگی بین نشانه‌های لمسی با نشانه‌های بویایی و چشایی نیز به علت وجود رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌های متنوع و اغلب سنتی است که مراجعان به این محل به واسطه مشاهده عناصر معماری سنتی و لمس طعم و بوی غذا پخش شده از این مکان‌ها بخشی از تصورات ذهنی خود را شکل می‌دهند. (جدول شماره ۵)

علاوه بر این، نتایج حاصل از آزمون پیرسون در رابطه با وجود همبستگی بین مؤلفه «مطلوبیت ویژگی‌های ادراکی در گذر ارگ جدید» با مناظر حسی نشان داد که از بین ده مؤلفه مورد بررسی، شامل صدای ساخت و ساز، صحبت کردن افراد، نور و سایه، بوی نان، سبزی و...، صدای نجاری، صدای آب، صدای باد و شاخ و برگ درختان، صدای بوق اتومبیل، صدای اذان و دیگر نشانه‌های حسی، فقط دو متغیر یعنی، نشانه‌های دیدنی با مقدار همبستگی $p=0.369$ و صدای اذان و صدای شاخ و برگ درختان با مقدار همبستگی $p=0.512$ هر دو در سطح معناداری 0.000 درصد همبستگی مثبت و معناداری دارند. علت اصلی وجود همبستگی بین نشانه‌های دیدنی ناشی از کارکرد پررنگ و بارز عناصر بصری و از آن جمله عناصر معماری سنتی و هم چنین صدای اذان که بیانگر اعتقادات مذهبی افراد و وجود درختان نسبتاً کهن سال در این منطقه است که بقیه نشانه‌ها را تحت الشعاع قرار داده است. در نهایت نتایج همین آزمون در خصوص وجود همبستگی در بین مؤلفه‌های مناظر حسی مرتبط

و شنوایی وجود عناصر و سازه‌های تاریخی در این محدوده و از آن جمله وجود ارگ است که از نظر بصری دارای جذابیت است که منجر به تمرکز بیش تر افراد به این آثار می‌شود و به دنبال تمرکز بیش تر (حس بینایی) به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه نشانه‌های شنوایی و لمسی را نیز دریافت می‌کنند. همبستگی متغیر چشایی و بویایی با متغیرهای شنوایی و لمسی به ترتیب برابر با 0.251 و 0.269 به دست آمد که نشان‌دهنده این است که این سه متغیر در یک همبستگی درونی و در تعامل با همدیگر به عابران از محدوده ارگ تبریز در شکل‌گیری کیفیت ادراکی کمک می‌کنند. نتایج یافته‌ها در خصوص همبستگی متغیر شنوایی با متغیرهای دیدنی، چشایی و بویایی و لمسی نشان داد که با متغیر نشانه‌های دیدنی و چشایی و بویایی دارای همبستگی و با متغیر نشانه‌های لمسی فاقد همبستگی است. این امر ناشی از وجود مساجد متعدد در محدوده و انجام فرائض دینی در آن که به صورت پخش اذان جلب نظر می‌کند و هم چنین وجود رستوران‌های سنتی است که معمولاً از طریق تبلیغات و چخت غذا منجر به انتشار طعم غذا در محل می‌شوند. به عبارتی هر سه این نشانه‌ها دارای کارکردهای چندجانبه هستند که در ارتباط با همدیگر عمل کرده و منجر به همبستگی درونی می‌شوند. در نهایت متغیر نشانه‌های لمسی با نشانه‌های دیدنی، نشانه‌های چشایی دارای همبستگی و با متغیر نشانه‌های شنوایی فاقد همبستگی بوده است. علت اصلی وجود همبستگی بین نشانه‌های لمسی با نشانه‌های دیدنی از این جهت است برخی از ادراک ذهنی افراد از دیدن و به

جدول شماره ۵: نتایج همبستگی به وسیله ضریب پیرسون در سنجش همبستگی و رابطه معنی‌دار مؤلفه‌های منظر حسی با مؤلفه کیفیت محیطی «استفاده از نشانه‌ها برای تعیین موقعیت و حرکت در فضا»

نشانه‌های لمسی	نشانه‌های شنوایی	نشانه‌های چشایی و بویایی	نشانه‌های دیدنی	نشانه‌ها	
۰/۵۲۲	۰/۳۶۹	۰/۰۵۴	۱	p	نشانه‌های دیدنی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۷۷	۰/۰۰۰	sig	
۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	n	
۰/۲۶۹	۰/۲۵۱	۱	۰/۰۶۹	p	نشانه‌های چشایی و بویایی
۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۵۶	sig	
۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	n	
۰/۰۳۳	۱	۰/۲۵۴	۰/۴۰۱	p	نشانه‌های شنوایی
۰/۰۳۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	sig	
۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	n	
۱	۰/۰۸۷	۰/۲۱۴	۰/۴۲۰	p	نشانه‌های لمسی
۰/۰۰۰	۰/۰۶۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	sig	
۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰	n	

مأخذ: نگارندگان

جدول شماره ۶: ضرایب مدل رگرسیون خطی در رابطه همبستگی مؤلفه‌های حس لامسه با مؤلفه‌های کیفیت محیطی

گام	مؤلفه کیفیت محیطی	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین R^2	بتا (β)	مقدار t	مقدار (P)
۱	قابلیت پیش بینی	۰/۹۸۵	۰/۸۶۶	۰/۷۸۶	۴/۹۶۲	۰/۰۰۰
۲	جهت یابی و تعیین مسیر	۰/۸۶۵	۰/۷۶۹	۰/۶۸۶	۲/۷۴۱	۰/۰۰۰
۳	معرف فضا و فعالیت‌های جاری	۰/۰۹۶	۰/۰۸۴	۰/۰۶۳	۱/۰۰۹	۰/۰۶۳
۴	نشانی دهی	۰/۶۵۴	۰/۵۷۷	۰/۴۸۵	۱/۸۶۳	۰/۰۰۰
۵	خوشایندی	۰/۸۸۹	۰/۷۹۳	۰/۷۰۷	۱/۸۷۸	۰/۰۰۰

مأخذ: نگارندگان

درصد از تغییرات واریانس متغیر وابسته را دارند؛ به عبارتی بیش از ۷۰ درصد ادراک ذهنی از کیفیت محیط ارگ تبریز از طریق این متغیرها به دست می‌آید. بررسی و تحلیل نتایج در خصوص روابط علی متغیرهای مستقل و وابسته نشان می‌دهند که به علت جای‌گذاری تابلوهای راهنمای و درج اسامی معابر و آثار موجود در ارگ تبریز، جهت‌یابی و تعیین مسیر به راحتی صورت می‌پذیرد و این فرایند از طریق اثرگذاری بر متغیرهایی مانند معرفی فضاها و فعالیت‌ها منجر به تقویت قدرت پیش‌بینی و در نهایت افزایش میزان خوشایندی مردم و مخصوصاً گردشگران و افراد غریبه می‌شود.

در نهایت مدل نهایی رگرسیون خطی در مورد حواس پنج‌گانه نشان داد که هر پنج حس مؤلفه‌هایی هستند که بیش‌ترین سهم را در میزان تغییرات متغیر وابسته کیفیت محیطی گذر دارند. لذا با توجه به اینکه هر پنج حس دارای ارتباط معناداری با کیفیت محیطی گذر ارگ جدید تبریز هستند؛ بنابراین در مدل نهایی باقی می‌ماند. این پنج متغیر توانایی تبیین ۶۰/۶ درصد از تغییرات واریانس را دارند (جدول شماره ۷).

در آخرین مرحله از فرایند بررسی کیفیت ادراک محیطی در محل ارگ تبریز، با استفاده از نتایج یافته‌های پرسشنامه‌ها و

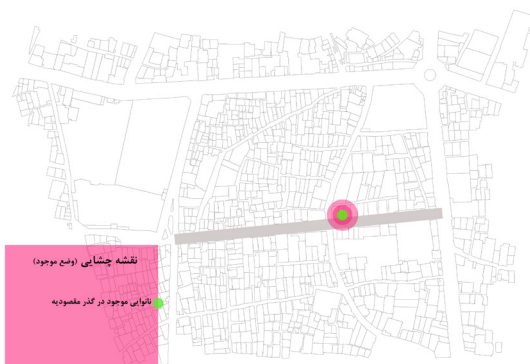
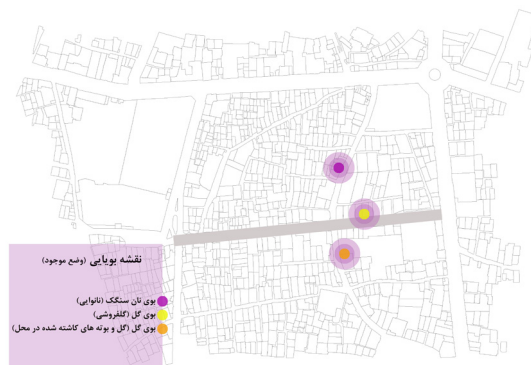
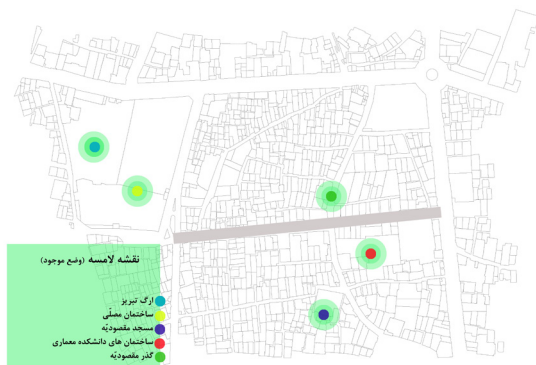
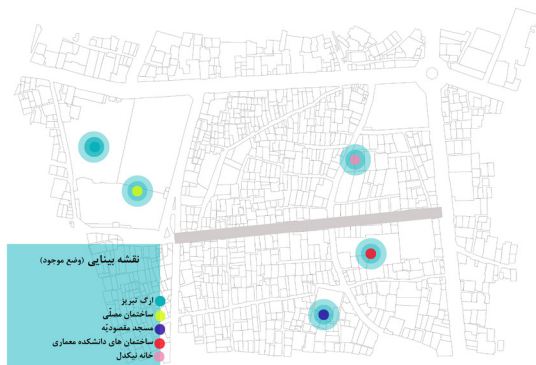
با مؤلفه کیفیت‌های حسی چندگانه نیز، نتایج آزمون پیرسون حاکی از این است که در بین ۶ عنصر منظر حسی موجود در این محدوده (دانشکده معماری و شهرسازی، مسجد مقصودیه، گذر مقصودیه، گذر ارگ جدید، مصلی ارگ تاریخی تبریز)، مسجد مقصودیه و ارگ تاریخی تبریز به ترتیب با $p = ۰/۴۲۹$ و $p = ۰/۴۱۴$ دارای همبستگی مثبت و معناداری با مؤلفه کیفیت‌های حسی چندگانه هستند. که غالباً به عنوان نشانه دیدنی ذکر شده‌اند. سایر متغیرها نیز بدون همبستگی یا دارای همبستگی جزئی بوده‌اند.

یافته‌های مربوط به همبستگی مؤلفه‌ها با مدل رگرسیون خطی
بر اساس بتای استاندارد (β) به دست آمده، مؤلفه‌های منظر حسی که بیش‌ترین سهم را در میزان تغییرات متغیر وابسته (کیفیت ادراک محیطی گذر ارگ جدید تبریز) داشتند تعیین شدند که به دلیل محدودیت نوشتاری، تنها جدول مربوط به حس لامسه و جدول نهایی که شامل تمام حواس است نشان داده می‌شود. براساس نتایج جدول شماره ۶ متغیرهای قابلیت پیش‌بینی با $R^2 = ۰/۸۶۶$ جهت‌یابی و تعیین مسیر با $R^2 = ۰/۷۶۹$ ، نشانی دهی با $R^2 = ۰/۵۷۷$ و خوشایندی با $R^2 = ۰/۷۹۳$ واجد اثرگذاری بر کیفیت ادراک محیطی در محدوده ارگ هستند. مقدار بتای به دست آمده نشان می‌دهد که مجموع این پنج متغیر توانایی تبیین ۷۰/۷

جدول شماره ۷: ضرایب مدل رگرسیون خطی در رابطه همبستگی مؤلفه‌های منظر حسی با مؤلفه‌های کیفیت محیطی

گام	نام متغیر	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین R^2	بتا (β)	مقدار t	مقدار (P)
۱	حس بینایی	۰/۷۶۸	۰/۶۹۹	۰/۵۴۲	۳/۶۵۴	۰/۰۰۰
۲	حس چشایی و حس بویایی	۰/۴۶۵	۰/۴۰۸	۰/۳۸۴	۱/۵۴۱	۰/۰۰۰
۳	حس شنوایی	۰/۵۷۸	۰/۵۱۲	۰/۴۷۲	۱/۴۵۸	۰/۰۰۰
۴	حس لامسه	۰/۶۸۳	۰/۶۲۳	۰/۶۰۶	۱/۷۹۸	۰/۰۰۰

مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۲: نقشه منابع تولیدکننده و برانگیزاننده حواس شنوایی، بینایی، بویایی، لامسه و چشایی در محیط گذر ارگ جدید تبریز؛ مأخذ: نگارندگان

نتیجه گیری و پیشنهادها

همان‌طور که در این پژوهش مطرح شد تحلیل و ارزیابی شرایط کیفی محیط‌های شهری و مخصوصاً محیط‌هایی که دارای ارزش‌های فرهنگی و تاریخی هستند مشروط بر این که برگرفته از ادراکات مختلف شهروندان باشد، می‌تواند در تصمیم‌گیری درست و منطبق بر واقعیت کمک کند. در این بین استفاده از روش‌های کمی و آماری به واسطه ارائه نتایج قابل اعتماد، کاربردهای وسیعی یافته است که تنوع پژوهش‌هایی که با استفاده از روش‌های کمی اقدام

مصاحبه‌های شفاهی با افراد حاضر در محل نقشه‌های حسی محیط ترسیم شد. این نقشه‌ها حاصل مطالعات میدانی و شناخت کیفیت‌های محیطی گذر مورد مطالعه از بُعد مؤلفه‌های منظر حسی شنوایی، لامسه، چشایی، بویایی و بینایی هستند. فضاهایی که طبق پرسشنامه‌ها به عنوان عناصر حامل این مناظر حسی شناخته شده‌اند تحت عنوان نقشه‌های شنوایی، لامسه، چشایی، بویایی و بینایی ارائه می‌شود. موقعیت کاربری‌ها و فضاهای ایجادکننده کیفیت‌های حسی در گذر ارگ جدید در نقشه‌های حسی مربوط به هر حس در بالا نشان داده شده‌اند.

پیشنهادها

با توجه به نتایج کلی این پژوهش و با در نظر گرفتن مصاحبه‌های صورت گرفته و مطالعات مشابه می‌توان گفت که این پژوهش از لحاظ تعداد افراد مورد مطالعه، انتخاب حجم نمونه از بین شهروندان، بازایان، گردشگران و گروه‌های سنی، جنسی و... یک ارزیابی کامل و همه‌جانبه‌نگرانه را اتخاذ کرده است. علاوه بر این با توجه به رویداد تبریز ۲۰۱۸، نتایج این پژوهش می‌تواند در زمینه برندسازی گردشگری این کلان‌شهر کمک شایانی کند و الگوی موفق محدوده ارگ را در زمینه ارتقای کیفیت محیطی به سایر مکان‌های تاریخی انتقال داد.

علاوه بر پیشنهادها مطرح شده در بالا، راه کارهای زیر در جهت بهبود کیفیت ادراک محیطی محدوده ارگ تبریز ارائه می‌شود:

* ایجاد هماهنگی و توسعه در مناظر بویایی و شنیداری برای تقویت پیاده‌مداری و به تبع آن ارتقای ادراکات حسی شهروندان،
* حذف عناصر مخد ادراک شهروندان و مخصوصاً ادراک بصری،
* ایجاد و توسعه عناصر و فضاهای جاذب جمعیت در محدوده ارگ و به کارگیری نشانه‌های بارز و هویت‌ساز در طراحی این فضاها،

* بهبود وضعیت نورپردازی و حذف موانع برای رؤیت فضاهای با ارزش دور از دید شهروندان،

* اتخاذ نگرش سیستمی برای ارزیابی جامع در خصوص نقش ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی، جنسیتی، سنی و... مراجعه کنندگان به محل و تلاش برای تنظیم محیط براساس نیازهای مراجعان.

در نهایت اینکه لزوم انجام پژوهش‌های آتی در این زمینه را لازم دانسته و جای دارد تأثیر مناظر حسی (چه مناظر حسی پنج‌گانه و چه دیگر حواس که حاصل نظریه‌های دیگر پژوهشگران و فیلسوفان هستند)، در کیفیت فضاهای معماری و منظر شهری به تفکیک هر فضا و جزئی‌تر، بررسی شوند تا بتوان از فضاهای تاریخی و خاطره‌سازی تاریخی به عنوان فضاهای ارتقادهنده کیفیت ادراکی شهروندان استفاده نمود.

پی‌نوشت‌ها

1. Juhani Pallasmaa
2. City of the eye
3. Multi-sensory
4. Stimulus
5. James J. Gibson
6. Sensory scape
7. Ian Bentley
8. Sensory richness
9. Multi-sensory environment
10. Sensory Architecture
11. long shot
12. Close up
13. Jan Gehl
14. Maurice Merleau-Ponty
15. Aristotle (384 BC–322 BC)
16. Distance receptors
17. Immediate receptors

به ارزیابی کیفیت محیط‌های شهری کرده‌اند، مؤید آن است. در این زمینه پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط بین مناظر حسی موجود و کیفیت ادراک حسی محیطی در محدوده تاریخی ارگ تبریز صورت پذیرفت. آنچه از این پژوهش به دست آمد، نشان از آن دارد که مؤلفه‌های منظر حسی موجود در گذر ارگ جدید تبریز در کیفیت ادراک حسی محیطی و ادراک عمیق‌تر آن نقش دارند. نتایج کلی یافته‌های این پژوهش با نتایج یافته‌های پژوهش‌های قبلی همخوانی دارد (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶، براتی و کاکاوند، ۱۳۹۲، لطفی و زمانی، ۱۳۹۳ و تیان و همکاران، ۲۰۱۴). در این باره می‌توان گفت که مؤلفه‌های منظر حسی نه تنها در ادراک بهتر محیط تأثیر مستقیم دارند، بلکه زمینه‌ساز ایجاد رفتارها و کیفیت‌های دیگری نیز هستند. وجود این کیفیت‌های حسی باعث استقبال بیش‌تر مخاطب می‌شود. وجود مناظر حسی پنج‌گانه در محیط‌های انسان‌ساخت، باعث ایجاد «هویت» می‌شود که هر یک از فضاها می‌توانند از صدا و بو و... خاص در آن محیط به خود بگیرند. در نهایت مناظر حسی می‌توانند در «پایداری معماری و شهری» فضاها نقش مهمی داشته باشند. از این رو، به منظور ارتقای کیفیت محیطی پیشنهاد می‌شود که از طریق ارتقای تناسبات بصری، آرامش صوتی، خوانایی بویایی و بازطراحی عناصر محل ادراک حسی، زمینه تقویت کیفیت محیطی ارتقا یابد.

نتایج حاصل از آزمون پیرسون نشان داد که مخاطبان فضا در گذر ارگ جدید، از نشانه‌های دیدنی و لمس کردنی در محیط برای تعیین موقعیت و حرکت در فضا استفاده می‌کنند. هم‌چنین، صدای اذان و شاخ‌وبرگ درختان از بین دیگر متغیرها، مطلوب‌ترین ویژگی‌های ادراکی محیط بودند که جای دارد در بهسازی‌های محیطی گذر به تقویت این ویژگی‌ها پرداخت. دو عنصر شاخص بصری: مسجد مقصودیّه و ارگ تبریز به عنوان عناصری شناخته شدند که دارای کیفیت‌های چندحسی هستند. نتایج این پژوهش در خصوص اثرگذاری زیاد عناصر طبیعی و مذهبی در ادراک حسی شهروندان با نتایج یافته‌های پژوهش‌های انجام گرفته توسط کمیلی و لطفی و همکاران نیز همخوانی دارد (کمیلی، ۱۳۹۴ و لطفی و همکاران، ۱۳۹۲). در این خصوص می‌توان گفت که با توجه به فرهنگ و اعتقادات مذهبی شهروندان و تقدس مساجد و با توجه به اثرگذاری طبیعت و درختان در آرامش روحی و روانی شهروندان و نیز نقش درختان در بازآفرینی خاطرات فردی و جمعی، می‌توان از طریق تقویت این دو عنصر زمینه را برای ادراک کیفیت محیطی برجسته کرد.

نتایج حاصل از آزمون رگرسیون خطی حاکی از این است که حس لامسه، حس شنوایی، حس چشایی و حس بویایی و حس بینایی دارای قدرت تبیین در منظر حسی و ادراکی گذر هستند. این پنج متغیر توانایی تبیین ۶۰/۶ درصد از تغییرات واریانس متغیر وابسته را دارند. با بهره‌گیری از محرک‌های حسی، به خصوص کیفیت‌های غیربصری، مخاطبان فضاها از سطوح ادراکی بالاتری برخوردار خواهند شد. با درگیری تمام حواس در ادراک یک مکان، بستر قدرتمندی برای تعلق خاطر به آن ایجاد می‌شود.

18. Soundscape
19. Raymond Murray Schafer
20. John M. Hull
21. Touching the Rock: An Experience of Blindness
22. Douglas Porteous
23. Likert scale
24. Cronbach's alpha
25. Pearson Test
26. General linear model

فهرست منابع و مراجع

۱. اسپیرن، آن ویستون (۱۳۸۷)، **زبان منظر**، مترجم: سید حسین بحرینی و بهناز امین زاده، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲. آتکینسون، ریتا ال (۱۳۹۳)، **زمینه‌ی روانشناسی احساس و ادراک**، مترجم: حسین ابراهیمی مقدم، چاپ دوم، انتشارات فارابی، تهران.
۳. آتوین، سیمون (۱۳۸۶)، **تجزیه و تحلیل معماری**، مترجم: آرمین یگانه، چاپ اول، انتشارات ستوده، تبریز.
۴. براتی، ناصر و الهام کاکاوند (۱۳۹۲)، «ارزیابی تطبیقی کیفیت محیط سکونت شهری با تاکید بر تصویر ذهنی شهروندان (مطالعه موردی: شهر قزوین)»، **نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی**، شماره ۱۸، تهران.
۵. برک، آگوستین (۱۳۸۷)، «منظر، مکان، تاریخ»، مترجم: مریم السادات منصوری، **نشریه‌ی باغ نظر**.
۶. بصیری، مهرانگیز (۱۳۹۲)، «بدن و حواس در رسانه‌های نوین هنری: نگاهی از منظر پدیدارشناسی موريس مرلو-پونتی»، **فصلنامه کیمیای هنر**، سال دوم، شماره ۹، تهران.
۷. بنتلی، ای‌ین (۱۳۹۱)، **محیط‌های پاسخده**، مترجم: مصطفی بهزادفر، چاپ هشتم، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۸. پالاسما، یوهانی (۱۳۹۲)، **دست متفکر: حکمت وجود متجسد در معماری**، مترجم: علی اکبری، چاپ اول، انتشارات پرهام نقش، تهران.
۹. پالاسما، یوهانی (۱۳۹۳ الف)، **چشمان پوست: معماری و ادراکات حسی**، مترجم: رامین قدس، چاپ دوم، انتشارات پرهام نقش، تهران.
۱۰. پالاسما، یوهانی (۱۳۹۳ ب)، **هندسه احساس: نگاهی به پدیدارشناسی معماری**، مترجم: محمد امین شریفیان، کتاب ماه هنر، شماره ۱۸۹، تهران.
۱۱. پیروای ونک، مرضیه (۱۳۸۹)، **پدیدارشناسی نزد مرلوپونتی**، چاپ اول، نشر پرسش، آبادان.
۱۲. حناچی، پیروز و مرضیه آزادارمکی (۱۳۹۱)، «ادراک بصری محله چیذر توسط نوجوانان چیذری»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۷، بهار، تهران.
۱۳. دویران، اسماعیل؛ داود خدایی؛ سعید غلامی و مهرداد دانش دوست (۱۳۹۱)، «سنجش مولفه‌های آسایش بصری در منظر شهری (با تاکید بر محله حسینیّه اعظم زنجان)»، **نشریه جغرافیا و مطالعات شهری**، دوره ۱، شماره ۳، پاییز، تهران.
۱۴. رجیبی، ژیلا (۱۳۹۱)، «باغ‌های حسی، راهکاری نوین در مناسب‌سازی فضا برای معلولین»، **ماهنامه پیام سبز**، شماره ۱۰۲، تهران.
۱۵. سلیمانی، علیرضا؛ احمد آفتاب؛ مریم اسدی عیسی‌کان و علی مجنون‌توتاخانه (۱۳۹۶)، «بررسی تأثیر طراحی شهری بر رفتار و اخلاق شهروندان (مطالعه موردی: خیابان‌های امام، مدرس و کاشانی ارومیه)»، **فصلنامه پژوهش‌های جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری**، شماره ۵، دوره ۲، تهران.
۱۶. شاهچراغی، آزاده (۱۳۸۸)، «تحلیل فرآیند ادراک محیط باغ ایرانی بر اساس نظریه روان‌شناسی بوم‌شناختی»، **نشریه هویت شهر**، سال سوم، شماره ۵، تهران.
۱۷. شاهچراغی، آزاده و علیرضا بندرآباد (۱۳۹۴)، **محاط در محیط: کاربرد روان‌شناسی محیطی در معماری و شهرسازی**، چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
۱۸. شرقی، علی؛ شرف مطوف و سعیده اسدی (۱۳۹۶)، «تحلیل نقش ادراک خطر بر رفتار محیطی هنگام زمین لرزه در مجموعه گنجعلیخان و بازار کرمان»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۲۸، تابستان، تهران.
۱۹. شفیع، روشنک و پرویز شریفی درآمدی (۱۳۸۵)، **نابینایی و ادراک محیط**، چاپ اول، انتشارات سپاهان، تهران.
۲۰. شیرازی، محمدرضا (۱۳۸۹)، «پدیدارشناسی در عمل: آموختن از تحلیل پدیدارشناختی پالاسما از ویلا مایرآ»، **دوفصلنامه معماری و شهرسازی آرمانشهر**، شماره ۴، تهران.
۲۱. شیرازی، محمدرضا؛ خامنه دباغی؛ مرضیه احمدی و فریال احمدی (۱۳۹۱)، **معماری حواس و پدیدارشناسی ظریف یوهانی پالاسما**، چاپ اول، انتشارات رخ داد نو، تهران.
۲۲. قلعه‌نویی، محمود؛ مجید صالحی‌نیا و سپیده پیمانفر (۱۳۹۴)، «سیاست‌های طراحی فضای شهری جویباز اصفهان؛ با رویکردی بر معنای محیط در دو طیف مسلمان و یهودی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۲۱، پاییز، تهران.
۲۳. قلی‌پور، مصطفی (۱۳۹۳)، «نقش "حواس غیر دیداری" در کیفیت فضای پیاده»، **مجله منظر**، شماره ۲۷، تابستان، تهران.
۲۴. قهرمانی، محمدرضا؛ مرضیه پیروای ونک، حامد مظاهریان و علیرضا صیاد (۱۳۹۳)، «کالبد متحرک ناظر و شکل‌گیری سکانس‌های فضایی در معماری سینماتیک»، **نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی**، دوره ۱۹، شماره ۴، تهران.
۲۵. کیمیایی، محمد (۱۳۹۴)، «تحلیل عملکرد عناصر هو تبخشی به منظر شهری بخش مرکزی تهران؛ موردپژوهی: منطقه ۱۲»، **فصلنامه مدیریت شهری**، شماره ۴۲، تهران.
۲۶. گل، یان (۱۳۹۲)، **شهر انسانی**، مترجمان: علی غفاری و لیلا غفاری، انتشارات علم معمار، چاپ اول، تهران.
۲۷. گلکار، کورش (۱۳۸۷)، «محیط بصری شهر؛ سیر تحول از رویکرد تزیینی تا رویکرد پایدار»، **مجله علوم محیطی**، سال ۵، شماره ۴، تهران.
۲۸. لطفی، افسانه و بهادر زمانی (۱۳۹۳)، «نقش مؤلفه‌های منظر حسی در کیفیت محورهای مجهز محلی (مطالعه موردی: محور علیقلی آقا در اصفهان)»، **فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات شهری**، شماره ۱۳، تهران.
۲۹. لطفی، صدیقه؛ گلنوش حریری و مجتبی شهابی شهمیری (۱۳۹۲)، «بررسی نقش توقعات ادراکی بویایی و شنوایی در طراحی و برنامه‌ریزی شهری، نمونه موردی: بابل»، **معماری و شهرسازی آرمانشهر**، شماره ۱۷، تهران.
۳۰. معینی، سید حسین (ایرج) (۱۳۹۱)، «بصیرت اخلاقی در معماری معاصر: زیر سؤال رفتن یک سنت»، **فصلنامه علمی- پژوهشی کیمیای هنر**، دوره ۱، شماره ۳، تهران.
۳۱. منصور، سیدامیر (۱۳۸۳)، «درآمدی بر شناخت معماری منظر»، **فصلنامه‌ی باغ نظر**، سال اول، مرکز تحقیقات هنر و معماری و شهرسازی، تهران.
۳۲. هال، ادوارد (۱۳۹۰)، **بعد پنهان**، مترجم: دکتر منوچهر طبیبیان، چاپ ششم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
33. Bruner, J. S., & Postman, L. (1949), "Perception, cognition and behavior". *Journal of personality*, 18(1), 14-31.
34. Hazreena, Hussein (2010), "Using the sensory garden as a tool to enhance the educational development and social interaction of children with special needs", *Support for learning*, volume 25, number 1. Pp 25-41.

35. Hershberger R, G (1988), A Study of Meaning and Architecture in Environmental Aesthetics: Theory, Research and Application, Nasar, (Ed).Cambridge University Press.pp.175-193.
36. Makachia, P. (2015), Influence of house form on dweller-initiated transformations in urban housing.
37. Mount, Helen & Cavet, Judih (1995), "Multi- sensory environments: an exploration of their potential for young people with profound and multiple learning difficulties", British Journal of Special Education, Volume 22, No 2.pp 52-55.
38. Neisser, U. (1977), Cognition and Reality. San Francisco: Freeman.
39. Panzeri, S., Harvey, C. D., Piasini, E., Latham, P. E., & Fellin, T. (2017). "Cracking the neural code for sensory perception by combining statistics", Intervention, and behavior, Neuron, 93(3), 491-507.
40. Rodaway, P. (1994), Sensuous Geographies, London, UK & New-York, NY, USA: Routledge.
41. Saoji, Gayati, Bahadure, Sarika (2012), "Expreincing architecture through senses", International Conference on Advances in architecture and Civil Engineering (AARCV 2012)21st- 23 rd. paper ID AR75AD, Vol 2.
42. Schafer, R. M. (1994), The Soundscape: our Sonic Environment and the Tuning of the World, Rochester: Destiny Books.
43. Tian, Y., Jim, C., & Wang, H. (2014), "Assessing the landscape and ecological quality of urban green spaces in a compact city". Landscape and Urban Planning, 121, 97-108.
44. URL 1: [http://tshs.tabriz.ir/\(2016/11/01\)](http://tshs.tabriz.ir/(2016/11/01))

تأملی بر ساختار فضایی و گونه‌شناسی خانه‌های سنتی بخش دستگردان طبس

محمدابراهیم زارعی^۱، سیدرسول موسوی حاجی^۲، خدیجه شریف کاظمی^۳ * (نویسنده مسئول)

^۱ دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا همدان

^۲ استاد گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران

^۳ دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۰۱

چکیده

بافت مناطق تاریخی دوره اسلامی نشان می‌دهد که عوامل مختلفی چون اقلیم و فرهنگ بر چگونگی ساختار و شکل‌گیری خانه‌های مسکونی تأثیرگذار بوده است. در بخش دستگردان طبس خانه‌های سنتی متعددی وجود دارد که تعلق تاریخی آنها به دوره‌های صفویه تا قاجار باز می‌گردد. این خانه‌ها با ساختار پیچیده و متفاوت خود، چهره دگرگونی در میان بافت سنتی منطقه، به وجود آورده‌اند. با توجه به قرار گرفتن ناحیه دستگردان در اقلیم گرم و خشک، بناهای این منطقه متناسب با شرایط آب و هوایی بیابانی شکل پذیرفته‌اند. خانه‌های تاریخی مورد مطالعه از عناصر کارکردی متمایزی نسبت به دیگر بناهای مسکونی برخوردارند و شاخصه‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد آنها ضرورت انجام پژوهش را فراهم ساخت.

این مقاله در نظر دارد ضمن معرفی خانه‌های تاریخی بخش دستگردان طبس، به شناخت عناصر سازنده و ویژگی‌های کالبدی فضایی خانه‌ها، با درک اصول و ارزش‌های فرهنگی حاکم بر معماری مسکونی، به تعیین هویت آنها بپردازد. علاوه بر این که با مطالعه چرایی و چگونگی ساختار معماری این بناها، می‌توان الگویی مناسب و پایدار برای معماری خانه‌های امروزی این منطقه طراحی نمود. پژوهش حاضر با رویکردی تاریخی و با روش توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته است. مستندسازی ویژگی‌های معماری مبتنی بر جمع‌آوری منابع کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی است. برای دستیابی به این هدف، تعدادی از خانه‌های سنتی دستگردان متعلق به دوره صفویه تا پهلوی، به لحاظ عناصر کالبدی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج حاصل از تحقیق حاکی از هماهنگی منطقی ترکیب فضایی خانه‌های تاریخی بخش دستگردان با نوع اقلیم منطقه است و تغییر در چهره برخی خانه‌ها ریشه در ساختار اجتماعی این جامعه دارد. به طور کلی تشابه کالبدی معماری خانه‌ها در حیاط مرکزی با عنوان نقش هماهنگ‌کننده و ارتباط‌دهنده میان سایر عناصر بنا، استفاده از حوض خانه و ایجاد باغ در پیوند با فضای خانه به عنوان الگوی قابل تأمل در دستگردان طبس است.

واژگان کلیدی: اقلیم، ساختار معماری، خانه‌های سنتی، گونه‌های فضایی، دستگردان طبس.

مقدمه

و منابع کتابخانه‌ای انجام پذیرفته است. برای پیشبرد این تحقیق خانه‌هایی را که به لحاظ تاریخی در بخش دستگردان اهمیت داشته، انتخاب و در جهت شناخت گونه‌های فضایی و عناصر کالبدی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در فرایند انجام مطالعات، بستر مکانی بخش دستگردان طبس و موقعیت زمانی دوران اسلامی متأخر (دوره صفویه تا پهلوی) در نظر گرفته شده است. با توجه به شناخت بستر تاریخی، می‌توان چگونگی تأثیر عوامل فرهنگی، محیطی را در شکل‌دهی این خانه‌های بومی دریافت.

ویژگی‌های خانه سنتی ایرانی

در معماری سنتی ایرانی، اقلیم عامل مؤثری در جهت‌گیری، سازمان‌دهی فضایی، شکل، نوع سازه، مصالح و عناصر و اجزای بناها بوده است (زینلیان و اخوت، ۱۳۹۶: ۱۷). در ساخت و احداث سکونت‌گاه‌های انسانی، عمدتاً شرایط آب و هوایی و سازگاری آن با نوع فعالیت‌های انسان مورد توجه واقع می‌شود. احساس انسان نسبت به محیط اطرافش را نمی‌توان تنها از طریق بررسی یکی از عناصر اقلیمی مانند درجه حرارت، رطوبت نسبی یا جریان هوا بیان کرد؛ زیرا ترکیب این عناصر بر انسان تأثیر می‌گذارد و با آسایش فیزیکی او ارتباط دارد (کسمائی، ۱۳۸۵: ۱۵). ساختار کالبدی خانه‌های سنتی، حکایت از طراحی هوشمندانه آنها در جهت منافع انسان و محیط زیست دارند و سازندگان این واحدهای بومی در هر زمان و مکان تلاش کرده‌اند تا از طریق ایجاد رابطه‌ای دوستانه میان محیط زیست، فرهنگ و فرم معماری، فضاهای زندگی را در جهت انسانی شدن سوق دهند (Basiago, 1999: 146). معماران و مهندسان ایرانی از قرن‌ها پیش با استفاده از جریان باد، اختلاف دمای هوا در شب و روز، توانستند شاهکارهایی خلق کنند که متناسب با شرایط جوی حاکم بر منطقه باشد.

خانه در بافت‌های شهری متراکم و درون‌گرا، فضایی خصوصی را برای زندگی خانوادگی فراهم می‌کرد که معمولاً اصل محرمیت در طراحی و احداث آن رعایت می‌شد. بیش‌تر خانه‌های شهرها، تک‌هسته‌ای بودند و تعداد اندکی از خانه‌های متعلق به اعیان و اشراف و رجال شهر دو هسته‌ای یعنی متشکل از دو واحد تقریباً متمایز اما پیوسته بودند (سلطان‌زاده، ۱۳۸۴: ۶۰). خانه‌های سنتی، خانه‌هایی درون‌گرا و حیاط‌محور بودند که اغلب در اطراف معابر فرعی یعنی کوی‌ها و کوچه‌ها و گذرها و بن‌بست‌ها قرار می‌گرفتند. به‌طور کلی چه خانه مردم عادی و چه خانه اشراف به سبک سنتی و مطابق با اصول بنیادین معماری ایرانی احداث می‌شدند. نمای این خانه‌ها معمولاً خشتی یا آجری بود و روی دیوارهای بلند و ساده آنها، هیچ روزن یا پنجره‌ای به چشم نمی‌آمد (قریب، ۱۳۷۴: ۲۰۶). در خانه با ایجاد مکث و عقب‌نشینی از معبر عمومی عنصری شاخص بود. هشتی‌ها و دالان‌ها و چرخش‌های به جای آن برای جلوگیری از دید مستقیم به داخل خانه،

آثار معماری مهم‌ترین نمایه فرهنگی هر جامعه به‌شمار می‌رود. خانه به‌عنوان یکی از این آثار، ملجأ زندگی آدمی، از مظاهر گویای پیوند معماری و فرهنگ است. خانه‌های تاریخی، نماد سازگاری انسان با محیط پیرامون و چگونگی بهره‌مندی بهینه از نیروهای طبیعی است. درک ساختار معماری بافت خانه‌ها، از طریق شناخت پیوند میان کالبد معماری، زندگی و فرهنگ جاری در آن ممکن می‌شود. فراموشی و بی‌توجهی به هویت و شیوه‌های معماری گذشته، کیفیت مسکن امروز را کاهش بخشیده است. مطالعه خانه‌های سنتی به‌عنوان بخشی از گنجینه عظیم و پربار تاریخ و فرهنگ معماری این سرزمین می‌تواند ما را در شناخت شرایط اقتصادی و اجتماعی گذشته آگاه سازد. از سویی دست‌یابی به دانش ساختاری الگوی معماری سنتی می‌تواند همانند دیگر مقوله‌های فرهنگی به نسل‌های آینده انتقال یابد و تأثیر بسزایی در چهره شهرهای امروزی به‌وجود آورد. در این باره باید در نظر داشت که فرهنگ اسلامی همواره تأثیر خود را در شکل‌گیری بافت و فضای معماری مسکونی، با در نظر گرفتن اصول مذهبی و اجتماعی نشان داده است.

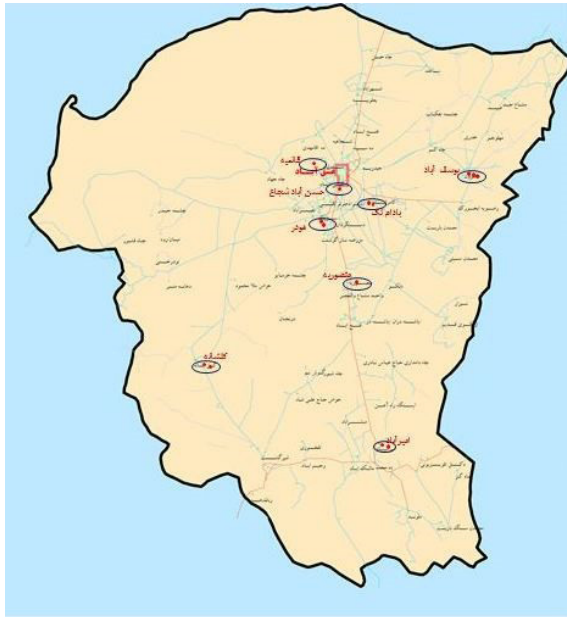
طی بررسی‌های میدانی بخش دستگردان طبس که در فروردین سال ۱۳۹۴ انجام گرفت، تعدادی از خانه‌های تاریخی مربوط به دوران اسلامی متأخر شناسایی شد (عنانی، ۱۳۹۴). خانه‌های تاریخی دستگردان بر اساس الگوهای مکانی و زمانی شکل گرفته‌اند. هرچند برخی ویژگی‌های کالبدی خانه‌های شناسایی شده، آنها را از سایر بناها متمایز ساخته است. این مقاله تلاش دارد بر اساس دو پرسش زیر ابعاد ساختاری این خانه‌ها را شناسایی کند.

۱- شرایط اقلیمی چگونه بر شکل‌گیری الگوی معماری منطقه دستگردان تأثیرگذار بوده است؟
۲- ساختار فضایی و الگوی کالبدی خانه‌های دستگردان در دوران اسلامی متأخر به چه نحوی بیان می‌شود؟
پژوهش‌های متعددی در ارتباط با معرفی و بررسی عوامل کاربردی و کالبدی خانه‌ها در شهرهای ایران، به‌ویژه شهرهای کویری انجام پذیرفته است. انجام این پژوهش با توجه به نبود مطالعه و شناخت منطقی اصول کاربردی در معماری خانه‌های بخش دستگردان طبس ضرورت می‌یابد. در فرایند انجام تحقیق پیش‌رو، ابتدا ضمن معرفی خانه‌های تاریخی منطقه و برشمردن ویژگی‌های آنها در ارتباط با اقلیم مناطق گرم و خشک، به تحلیل عناصر کاربردی این عمارت‌ها پرداخته می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به لحاظ ماهیت و هدف، کاربردی است و یافته‌های آن مبتنی بر شیوه توصیفی-تحلیلی است. انجام این پژوهش با دستاورد بررسی‌های میدانی و گستره مطالعاتی، با گردآوری اسناد

در هشت روستای بخش دستگردان حدود ۱۳ بنای معماری مسکونی با کارکرد خانه و کوشک شناسایی شدند که با توجه به موقعیت نامطلوب جغرافیایی این منطقه، مطالعه الگو و ساختار معماری چنین بناهایی، دارای اهمیت است (نقشه شماره ۲).



معاونت برنامه‌ریزی استراتژیک
دفتر آمار و اطلاعات
گروه نقشه و GIS

نقشه شماره ۲: موقعیت پراکنده‌گی خانه‌های سنتی در میان روستاهای دهستان دستگردان؛ مأخذ: نگارندگان

ویژگی بافت روستایی در بخش دستگردان طبس

فرم و ساختار هر شهر یا روستا، به رابطه انسان با محیط زیست اشاره دارد. بافت روستایی بخش دستگردان طبس در حد فاصل منطقه کوهستانی و مناطق پست قرار گرفته است. بافت روستایی کهن بخش دستگردان، ترکیبی از زمین‌های کشاورزی، باغ‌ها و منازل مسکونی است. در این بافت، فضاهای زیستی به صورت فشرده و متصل به یکدیگرند. معابر در این روستاها، باریک و دیوارهای مرتفع در مسیر یک خط شکسته امتداد دارند. هسته سکونت‌گاه اولیه روستایی در فاصله چند کیلومتری عشق‌آباد (مرکزیت دهستان دستگردان) قرار داشت. در دو قرن گذشته با مرکزیت عشق‌آباد، روستاهای امروزی به وجود آمدند و استقرارگاه‌هایی در سایر نقاط جمعیتی، در فواصل زمانی معینی شکل گرفتند. محور اصلی توسعه و شکل‌گیری آبادی‌های بخش دستگردان در کنار قنات‌های منطقه است و پس از بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی، نزدیکی به جاده اصلی عشق‌آباد-ده‌محمد، به عنوان اولویت بعدی بافت روستایی، این منطقه را به شکل الگوی خطی ممتد نزدیک کرده است.

روستا-شهرهایی که به تازگی توسعه خود را شروع کرده‌اند بیش‌تر براساس این الگو رشد پیدا می‌کنند، زیرا این گونه مراکز جمعیتی، در ابتدا به محوره‌های ارتباطی توجه ویژه‌ای دارند و گاهی اوقات منزلت

اختلاف سطح درون و بیرون، «گودی حیاط» برای دستیابی به آب قنات و تضمین خنکای بیش‌تر و استفاده از خاک حیاط در ساختمان از وجوه مشترک خانه سنتی ایرانی است. استقرار در جهات خاص و ایجاد بدنه‌های نمادین برای مقابله با عوامل جوی ضمن حفظ تعادل در نمای بنا و مقیاس انسانی، کیفیت زندگی خصوصی و عمومی از عوامل سازمان‌دهی شکل فضایی خانه ایرانی است (محمدمرادی و امیرکبیریان، ۱۳۸۱: ۱۴). تداوم و سلسله مراتب در خانواده، ساختار خانواده، حریم در خانواده، اهمیت مهمان، چگونگی زندگی جمعی، درون‌گرایی و خانه‌های درون‌گرا از دیگر مواردی است که در شکل‌گیری فضاهای خانه ایرانی اهمیت داشته‌اند (عبدالله‌زاده و ارجمند، ۱۳۹۱: ۱۱۳). شناخت عوامل تأثیرگذار بر معماری خانه‌های تاریخی دستگردان، به لحاظ عوامل ساختاری، کارکردی و تاریخی و ثبت اصول سازمان‌یافته در این خانه‌های سنتی، می‌تواند به عنوان پیشنهادی برای الگوی ساخت مسکن امروزی این منطقه قرار گیرد. در ادامه به سبک‌های خانه‌های دستگردان طی دوره زمانی صفوی تا قاجار با توجه به اقلیم گرم و خشک منطقه، پرداخته می‌شود.

معرفی محدوده و یافته‌های پژوهش

جغرافیای دستگردان طبس

دستگردان یکی از بخش‌های شهرستان طبس است که در فاصله ۱۰۵ کیلومتری شمال آن و ۳۸۰ کیلومتری غرب بیرجند، مرکز استان خراسان جنوبی قرار دارد. بخش دستگردان شامل دو دهستان دستگردان و کوه یخاب است. این بخش با وسعت ۱۲۰۰۰ کیلومتر مربع از وسیع‌ترین بخش‌های استان خراسان جنوبی و سرزمین ایران به‌شمار می‌رود و با تعمیم هر دو دهستان، دارای ۳۲۵ آبادی مسکونی و غیر مسکونی است (ولی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰) (تصویر شماره ۱).

این دهستان از زمینی هموار، مسطح و کویری برخوردار است و خاک آن رسی و شنی است. هرچند که خاک دستگردان نسبت به اطراف طبس از استعداد حاصلخیزی بیشتری برخوردار است، اما بنا به دلایل کمی میزان نزولات جوی و کاهش منابع آبی زیرزمینی، از نظر پوشش گیاهی منطقه‌ای فقیر و دارای واحه‌های کوچک و متعدد برای کشاورزی و دامداری است. رودخانه‌های این دهستان نیز، فصلی و کم‌آب هستند؛ به طوری که ۱۰۸ آبادی در دهستان دستگردان توسط ۶۰ رشته قنات تغذیه می‌شوند.



نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی بخش دستگردان طبس در استان خراسان جنوبی؛ مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۴: موقعیت خانه‌های بادام تک در روستای متروکه بادام تک؛ مأخذ: GoogleEarth

به طور کلی خانه‌های سنتی دستگردان در بافت پیوسته و مترکم و منظم شکل گرفته‌اند. هم‌چنین در ساختار و فرم برخی از این خانه‌ها، دو هسته‌ای بودن بنا، مشاهده می‌شود. ویژگی‌های بافت روستایی دستگردان در جدول شماره ۱ نمایش داده شده است.

جدول شماره ۱: سیمای بافت قدیمی روستایی دستگردان

شاخصه‌ها	عامل پیدایش	تأثیر گذاری
تراکم و به هم پیوستگی سازه‌ها	اقلیمی - اقتصادی	ایجاد سایه - کاهش حرارتی
معابر کم‌عرض و طاقدار	اقلیمی - اقتصادی	ایجاد سایه - کاهش حرارتی - افزایش جریان طبیعی هوا
نظم در فرم بناها	فرهنگی - هویتی	شخصیت بخشی به بافت - الگوی رفتاری اقلیم کویری - انعطاف پذیری در فضای مسکونی
برج	امنیتی	درک حضور بیگانه، افزایش قدرت
به کار بردن مصالح خشتی و پوشش‌های نیم‌گنبدی	اقلیمی	کاهش شدت تابش - کنترل فشارهای رانشی
خانه‌های بزرگ پیمون - خانه‌های کوچک پیمون	اقتصادی	عدم یکنواختی در بافت روستایی
حضور مزارع و باغ‌ها در کنار فضای مسکونی	اقتصادی	جذب رطوبت و خنک کردن منازل - حیات بخشی - تأمین مایحتاج زندگی

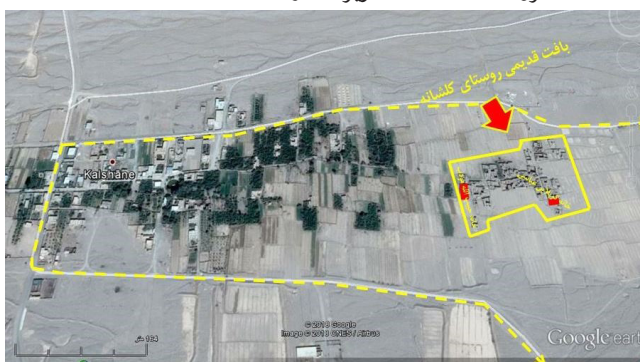
مأخذ: نگارندگان

با توجه به نتایج حاصل از این جدول، میزان تأثیر شرایط اقلیمی بر شکل‌گیری بافت روستایی بخش دستگردان، نسبت به دیگر عوامل، از اهمیت وافر برخوردار است.

تأثیر اقلیم و سنت‌های زیستی در پیدایش خانه‌های بخش دستگردان

معماری بومی هر منطقه در گرو شرایط محیطی و فرهنگی مردم آن سرزمین پدیدار می‌شود. «معمار سنتی با شناخت درست و علمی اقلیم، معماری پایداری را طراحی کرده که درعین حال کاملاً بومی است» (اکرمی و زارع، ۱۳۹۲: ۵۸). ساختمان‌های بخش دستگردان در

اجتماعی افراد بر اساس نزدیکی به محور ارتباطی اصلی مشخص می‌شود (شیعه، ۱۳۸۲: ۸۳). در حال حاضر، به دلیل پایین رفتن آب سفره‌های زیرزمینی و عدم رونق کشاورزی در بافت روستایی از یک سو و دوری از مراکز شهری از سویی دیگر، زمینه‌ای برای افزایش تراکم جمعیتی و رشد و توسعه عشق آباد بوده است. این در حالی است که بافت برخی روستاهای جدید در کنار بافت قدیمی شکل گرفته است (به بافت قدیم روستای کلشانه در تصویر شماره ۱ و روستای هودر در تصویر شماره ۵ نگاه کنید). در سه روستای حسن آباد شجاع، یوسف آباد و قائمیه، خانه‌های سنتی در بافت میانی روستا قرار دارند (تصاویر شماره ۲ و ۳). در کنار این بناها، شیوه‌های معماری جدید و ناهماهنگ با فرهنگ و اقلیم منطقه رو به گسترش است. از سویی بافت روستایی در آبادی‌های بادام تک کاملاً متروک شده است (تصویر شماره ۴).



تصویر شماره ۱: موقعیت دو خانه عباسی و مؤبد در بافت قدیم روستای کلشانه؛ مأخذ: GoogleEarth



تصویر شماره ۲: موقعیت خانه میرزا محمود در بافت میانی روستای قائمیه؛ مأخذ: GoogleEarth



تصویر شماره ۳: موقعیت خانه‌های نجفی در بافت میانی روستای یوسف آباد؛ مأخذ: GoogleEarth

صفوی تا دوره پهلوی است. «معماری دوره صفویه که با نام شیوه یا سبک اصفهانی معروف است» (پیرنیا، ۱۳۸۴: ۲۳)، در بسیاری از بناهای معماری این بخش مشاهده می‌شود. این سبک از اوایل دوره صفوی در معماری ایران رایج شد و در شهرهای بزرگ به‌ویژه تهران و اصفهان تا اواسط دوره قاجار ادامه پیدا کرد. الگوی رایج معماری به سبک اصفهانی بر دو گونه درون‌گرا (سازمان‌دهی فضایی با حیاط مرکزی) و برون‌گرا که برای کوشک‌های تابستانی عمومیت داشته استوار است. توسعه معماری خانه‌ها تا اواسط دوره قاجار، با ادامه سبک دوره صفوی همراه است.

دولت صفوی بنا به سنت‌های کهن، سازمان‌دهی، راه‌اندازی و ایجاد تأسیسات و تجهیزات زیرساختی را عمدتاً بر عهده می‌گیرد. بازسازی جاده‌های ابریشم، حفر شبکه‌های عظیم قنات و کاریز برای آب‌رسانی و آبیاری، ساختن کاروان‌سراها و آب‌انبارهای بین‌جاده‌ای، ایجاد نقاط و کانون‌های زیستی جدید همگی حکایت از این نقش دولت دارند. در مکتب اصفهان هر مجموعه زیستی (شهر یا روستا) دارای یک میدان یا مرکز ثقل است (حبیبی، ۱۳۹۵: ۹۱). با فروپاشی دولت، تأسیسات زیرساختی و شبکه‌های آب‌رسانی و جاده‌ها... دچار آسیب‌های جدی شدند و با انحطاط تجارت، سلطه دولت به حکومت «خان‌خانی» تغییر شکل داد. این شیوه با ترس از حکومت‌های قدرت‌مند نادری و سپس زند، در پی استفاده از لحظه‌ها و برش‌های فضایی-مکانی موجود برای اعتلا بخشیدن به مفهوم غارت-دفاع بر آمد و از استقرار در شهر می‌هراسید و سعی بر آن داشت که در مناطق دوردست و تحت سیطره نیروی نظامی ایل خود مستقر شود (پیشین، ۱۰۸). بدون کاوش‌های باستان‌شناختی، نمی‌توان با صراحت از تعلق تاریخی خانه‌های دستگردان به دوره صفوی صحبت کرد. اما با مقایسه ویژگی‌های معماری، عناصر سازنده و نام‌گذاری این بناها، حضور حکومت «خان‌خانی» در میان روستاهای دستگردان بدون تردید، قابل مشاهده است. در این زمینه می‌توان به خانه خان یوسفی و خانه فیاضی در روستای هودر اشاره کرد. وسعت تصرف مکانی این دو خانه در محدوده بافت هودر قابل ملاحظه است (تصویر شماره ۶). با این وجود می‌توان تاریخ بنای خانه‌های دستگردان را از اواسط دوره صفویه در نظر گرفت. از این رو بیش‌تر خانه‌های این منطقه با سبک اصفهانی شناخته شدند. معماری درون‌گرا یکی از شیوه‌های رایج معماری در بناهای دوره صفوی است، هرچند اقلیم در انتخاب اصل درون‌گرایی مؤثر بوده است. بخش دستگردان با در نظر گرفتن شرایط اقلیمی، از بافتی مترکم و فشرده برخوردار است، از این رو ویژگی درون‌گرایی آن جلوه‌گر است. «در مناطقی با اقلیم گرم و خشک، ساختمان‌های شهر و روستاها با طرح درون‌گرا ساخته می‌شوند و تا آنجایی که ممکن است در مقابل گرمای و سرمای شدید و طوفان‌های شنی محافظت شوند» (قبادیان، ۱۳۸۰: ۶). در واقع می‌توان گفت، درون‌گرایی مفهومی است که به صورت یک اصل در معماری ایران وجود داشته است و با حضوری آشکار به صورت‌های متنوع قابل درک و مشاهده است (پیرنیا،

گذشته به علت رعایت اصول و معیارهای اقلیمی در برابر شرایط نامساعد آب و هوایی عملکرد خوبی داشتند. در حقیقت میزان دما، بارندگی، رطوبت، پوشش گیاهی و دیگر عناصر اقلیمی حاکی از جای‌گیری ناحیه دستگردان، در حاشیه کویر با اقلیمی گرم و خشک است. از این رو، دارای شب‌های سرد و روزهای بسیار گرم است. در فصل زمستان نیز، دارای آب و هوای ملایم و شب‌های نسبتاً سرد است. موضوع و اهمیت جریان باد در طرح و ساخت محیط مسکونی از دیرباز مورد توجه معماران بوده است. «باد معمول در کویر طبس از طرف شمال‌غربی می‌وزد. جهت بادگیرها در خانه‌های طبس، مؤید این مطلب است» (امینی، ۱۳۸۵: ۷۹). از نظر گستره اقلیمی، دستگردان یکی از مناطق بادخیز کشور است و در اغلب روزهای سال، بادهای منطقه‌ای از سمت مشرق به مغرب در حال وزیدن است. این بادهای تابستان با گرد و خاک همراه می‌شود. بادهای گرم کویری در تابستان و بادهای سرد زمستانی با سوز و سرما از مشخصه‌های این منطقه است (اطلاعرسانی هواشناسی طبس، ۱۳۹۰)؛ به طوری که ورزش بادهای محلی این بخش موجب شده تا معماران بومی از بادهای مطلوب با کمک بادگیر برای تنظیم خنکای خانه‌های سنتی بهره‌گیری کنند. کمبود منابع آبی ناشی از عوامل متعددی چون کمبود نزولات آسمانی و شدت تبخیر در بخش دستگردان به راه کارهای متفاوتی برای تأمین و دست‌یابی به این عنصر حیاتی انجامیده است. برای تأمین آب حوض خانه و آبیاری باغ‌ها در این بخش، از آب‌های سطحی، چشمه‌ها و قنات‌ها استفاده می‌شده است. در دشت دستگردان حدود ۶۲ رشته قنات وجود داشته که بسیاری از آبادی‌های آن را آبیاری می‌کرده است. انتقال آب از قنات به فضای حوض خانه و سپس باغ در کنار ساختمان یکی از شیوه‌های تنظیم رطوبت و خنک‌سازی بناها در گذشته دستگردان بوده است. مهم‌ترین ویژگی‌های فرم و شکل همساز با اقلیم، مانند «استفاده از مصالح با ظرفیت حرارتی بالا (ساختار خشت و گل به عنوان مصالح بومی)، تراکم بافت، بام طاقی و گنبدی شکل، طرح حیاط مرکزی (تابستان و زمستان‌نشین)، دیوارهای بلند جهت ایجاد سایه و تعدیل نور آفتاب» (معماران، ۱۳۸۰: ۲۵۳) بیش‌ترین تأثیر را بر کارایی معماری مسکونی مناطق کویری داشته است هم‌چنین با طراحی اقلیمی، جهت تابش نور خورشید و جهت باد و سفره‌های زیر زمینی در کاهش هزینه‌های انرژی (واتسون و لبرز، ۱۳۸۸: ۴) نقش مثبتی را ایفا کرده‌اند. در واقع شرایط اقلیمی بر طرح بنا و جهت‌گیری ساختمان، عملکرد گوناگون فضاهای خانه تأثیر گذاشته و این موضوع در خانه‌های دوره صفوی تا پهلوی بخش دستگردان قابل مشاهده است.

گونه‌شناسی خانه‌های دستگردان

گونه، آگاهانه یا ناآگاهانه، با تاریخی که به بناها و شهرهای درون فرهنگ خود خوانایی می‌بخشد، رابطه دارد و ساختار درونی فرم است (اکبری و همکاران، ۱۳۹۶: ۷). بر اساس بررسی‌های میدانی صورت گرفته در دستگردان، بیش‌تر خانه‌های برجای مانده مربوط به دوره

ویژگی ساختاری خانه‌های دستگردان

شکل‌گیری فرم، پلان و جهت‌گیری در خانه‌های بومی و سنتی، تحت تأثیر عوامل طبیعی بوده است. در حقیقت توجه به زمینه‌های کالبدی، اقلیمی جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی- فرهنگی ساختگاه و درک محیط پیرامون از اصول مهم در معماری پایدار است (احمدی، ۱۳۹۱: ۳۵). با بررسی طرح خانه‌های سنتی و نظم هندسی آشکار در بافت روستایی دستگردان در می‌یابیم که عوامل اقلیمی در شکل‌گیری این خانه‌ها، بیش از عوامل فرهنگی- اجتماعی باز نمود می‌یابد. علاوه بر شکل بنا، جهت‌گیری در بناهای قدیمی و بومی، یکی از اصول معماری در بناهای سنتی است. این اصل به عوامل مختلفی بستگی دارد؛ شامل: الف- تغییر جهت تابش نور خورشید، ب- جهت وزش بادهای موسمی، ج- وضعیت زمین و دسترسی‌های بنا. در اکثر خانه‌های سنتی، محور شمالی- جنوبی، محور اصلی بنا در نظر گرفته شده و فضاهای اصلی در دو سوی شمال و جنوب، حیاط و فضاهای فرعی در دو سوی شرق و غرب تعبیه می‌شدند (قائم، ۱۳۷۵: ۲۶). معماران بومی با توجه به اقلیم‌های گوناگون، سه روتن بنیادی، راسته، اصفهانی و کرمانی را در جهت‌گیری ساختمان به کار می‌گرفتند (پیرنیا، ۱۳۹۰: ۱۵۵). خانه‌های بخش دستگردان از دو روتن اصفهان و راسته در ساخت بناهای سنتی خود بهره برده‌اند. هم‌چنین جهت‌گیری چند بنا در جهت شمالی- جنوبی است. «مناسب‌ترین موقعیت جای‌گیری ساختمان در مقابل آفتاب، جهت شرقی- غربی است. در این صورت عرض ساختمان در محور شمالی- جنوبی قرار دارد. دیوار سمت جنوبی در زمستان بیش‌ترین انرژی را کسب می‌کند و در تابستان توسط سایه‌بان محافظت می‌شود. دیوارهای سمت غربی و شرقی که در تابستان مقدار زیادی انرژی کسب می‌کنند، تا حد امکان، سطح کم‌تری برای جذب گرما دارند» (قبادیان، ۱۳۸۷: ۷). جهت‌گیری دو خانه تاریخی در کلشانه، خانه شجاع و خانه‌های نجفی، خانه خان یوسفی و بادام تک ۲ در هماهنگی با بافت روستا قرار دارد. در حالیکه خانه فیاضی و خانه بادام تک ۱ با جهت‌گیری متفاوت (رون اصفهان) و ناهماهنگی با دیگر منازل مسکونی بافت روستایی قدیم دیده می‌شوند. طرح و پلان خانه‌های دستگردان به شکل مستطیل طراحی شده است. جهت‌گیری این ساختمان‌ها نیز به دلیل دریافت باد مطلوب و کاهش حرارت هوای گرم است. الگوی این خانه‌های سنتی در سه گروه یک ایوانی، دو ایوانی و چهار صفا قرار می‌گیرد. در خانه‌های یک ایوانی و دو ایوانی که با رون اصفهان و راسته ساخته شده‌اند، ایوان اصلی در جبهه جنوبی بنا قرار گرفته است. خانه‌هایی با پلان دو ایوانی، از ارتفاع بیش‌تری برخوردار هستند. برخی خانه‌های سنتی دستگردان با پلان چهارصفا ساخته شده که نسبت به دو پلان دیگر از پیچیدگی کمتر برخوردار است. «صفا یا چفته به معنی خمیده یا طاقدار بوده و در خراسان فضای سرپوشیده را می‌گفتند. خانه‌های چهار صفا

۱۳۸۴: ۲۳۴). ساختار فضایی خانه‌های دستگردان به دو شیوه درون‌گرا و برون‌گرا قابل مشاهده است. در معماری ایرانی، فرهنگ درون‌گرایی با قرارگیری فضاها در پیرامون حیاط مرکزی جلوه کرده است. به دلیل موقعیت جغرافیایی دستگردان و دور بودن از مراکز شهری، بافت شهری- روستایی این منطقه در دوره قاجار، تفاوت چندانی با اصول شهرسازی دوره صفوی نشان نمی‌دهد. بنابراین یک پیوستگی کالبدی معماری در تاریخ بناهای سنتی این روستا وجود دارد. در این دوره افزون بر معماری درون‌گرا، معماری برون‌گرا نیز شکل می‌گیرد. «همگام با تحولات مدرن در مغرب زمین و دگرگونی فرهنگی، که از اواخر دوران قاجار در ایران آغاز شد، فرهنگ معماری برون‌نگر کوشکی به تدریج جایگزین معماری درون‌گرای حیاط مرکزی شد، اما با وجود تجربیات مکرر در طول سده گذشته، هیچ‌گاه گزینه مناسبی، که بتواند واجد اغلب برتری‌های شیوه سازمان‌دهی فضا محور باشد، پدید نیامد» (احمدی، ۱۳۸۴: ۹۹). خانه‌های برون‌گرا در دستگردان به شکل چهار صفا و کوشک و با عناصری چون حوض خانه در مرکز بنا، نمود یافته است. کوشک باغ‌غیائی متعلق به دوره پهلوی، نمونه‌ای بر جایگزینی معماری درون‌گرا در بافت روستایی دستگردان است. این بنا خارج از بافت روستای قیصریه و نزدیک به مزارع کشاورزی قرار دارد (تصویر شماره ۷).



تصویر شماره ۶: موقعیت خانه‌های خان یوسفی و فیاضی در میان بافت قدیم روستای هودر؛ مأخذ: GoogleEarth



تصویر شماره ۷: کوشک باغ‌غیائی در خارج از بافت قدیمی روستای قیصریه؛ مأخذ: GoogleEarth

جدول شماره ۲: ویژگی‌های ساختاری خانه‌های بخش دستگردان

ویژگی خانه‌ها	خانه بادام تک ۱	خانه بادام تک ۲	خانه فیاضی	خانه سردار مکرم	خانه خان یوسفی
نقشه					
	مأخذ: رفیعی، ۱۳۸۴	مأخذ: رفیعی، ۱۳۸۴	مأخذ: رفیعی، ۱۳۸۵	مأخذ: رفیعی، ۱۳۸۵	مأخذ: GoogleEarth
دوره	صفوی	افشاریه- زندیه	صفوی	قاجاری	صفوی
گونه‌شناسی	اصفهانی	اصفهانی	اصفهانی	اصفهانی	اصفهانی
هندسه بنا	مستطیل	مربع	مستطیل	مستطیل؟	مربع- مستطیل
ساختار بنا	یک ایوانی	یک ایوانی	یک ایوانی	یک ایوانی	دو ایوانی
رون	رون اصفهان	رون راسته	رون اصفهان	رون راسته	رون راسته
طبقات	یک	دو	دو	یک	یک
ویژگی خانه‌ها	خانه شجاع سنگجولی	خانه محمود نجفی	خانه کر بلائی عباسی	خانه حبیب الله مؤدب	خانه جمشید نجفی
نقشه					
	مأخذ: رفیعی، ۱۳۸۴	مأخذ: رفیعی، ۱۳۸۵	مأخذ: رفیعی، ۱۳۸۵	مأخذ: رفیعی، ۱۳۸۵	---
دوره	اواخر افشاریه- اوایل قاجار	اوایل قاجار	اواخر صفوی	اواخر صفوی	قاجار
گونه‌شناسی	اصفهانی	اصفهانی	اصفهانی	اصفهانی	اصفهانی
هندسه بنا	مستطیل	مختلف الاضلاع	مستطیل	مستطیل	مستطیل
ساختار بنا	دو ایوانی	دو ایوانی	چهار صفه	چهار صفه	یک ایوانی
رون	رون اصفهان	شمالی- جنوبی	شمالی- جنوبی	شمالی- جنوبی	شمالی- جنوبی
طبقات	یک	یک	یک	دو	دو

مأخذ: نگارندگان

الف- فضاهای باز

در معماری مسکن بومی با توجه به پیروی نقشه، نما، و فضاهای خانه از یک الگوی عام شکل‌گیری و نظام ساخت فضاهای تثبیت شده، تطبیق زندگی روزانه و فصلی با تنظیم روابط افقی و عمودی خانه و استفاده از فضاهای مختلف در ساعات مختلف روز و در فصول مختلف میسر شده است. فضاهایی چون تابستان‌نشین، زمستان‌نشین، زیرزمین، بالاخانه و پشت‌بام امکان تطبیق خانه با شرایط مختلف زندگی را فراهم می‌آورد. سازمان‌دهنده انعطاف‌پذیری در این مقیاس عنصر مرکزی خانه یعنی حیاط است (عینی فر، ۱۳۸۲: ۷۰).

در خانه‌های درون‌گرا، فضاها در پیرامون حیاط شکل می‌گیرند. لذا بین محیط بیرون و حیاط مرکزی، فاصله‌ای از جرم و فضا وجود دارد که ارتباط حیاط با فضای بیرونی خانه را با فضاهای واسطی مانند دالان و هشتی برقرار می‌کند. این فضای میانی، به محرمیت درون خانه کمک می‌کند که خود، ناشی از وضعیت اقلیمی است (اکرمی و زارع، ۱۳۹۲: ۵۹). در خانه‌های بافت قدیم دستگردان

بیش‌تر در نقاط مرکزی ایران ساخته می‌شد. چهارصفه به صورت صلیبی در مرکز و در چهارگوشه آن اتاق‌ها قرار می‌گیرند (پیرنیا، ۱۳۹۰: ۱۶۵). در این پلان حیاط به حوض‌خانه‌ای در وسط بنا و چهار ایوان یا صفه در جوانب آن ساخته شده است. ایوان اصلی که در جنوب بنا قرار دارد، از عمق بیش‌تری برخوردار است. هم‌چنین با دو اتاق در طرفین خود مرتبط است.

ساختار فضایی و عناصر سازنده بنا

در معماری بومی عناصر کالبدی به صورت یکپارچه و هماهنگ با ساختار معماری بنا طراحی می‌شدند. در واقع به‌نحوی، تمامیت اجزا و عناصر بنا در وحدتی منطقی نمایان می‌شد. «شکل‌گیری بنا در معماری ایران چه به‌صورت منفرد و چه به صورت مجتمع هم‌زمان و هم‌مکان بر اساس ترکیب سه‌الگوی فضای باز، بسته و نیمه‌باز صورت گرفته است» (حائری، ۱۳۸۸: ۱۱۷). با تعریف سه گونه‌های فضایی در خانه‌های تاریخی مورد مطالعه، فضای رها شده در پلان خانه دیده نمی‌شود.

جدول شماره ۳: تقسیم‌بندی فضاهای باز در خانه‌های دستگردان

کالبد بنا	نوع فضا	کاربری	اجزاء	جزئیات
فضای باز	حیات	تهویه فضاهای بسته تقسیم فضای تابستان‌نشین و زمستان‌نشین انعکاس طبیعت در محیط خانه ایجاد سایه در زمان‌های مختلف روز رفتارهای فرهنگی و اجتماعی کاهش تأثیر باد و اتلاف حرارتی	دیوارهای بلند فضای سرپوشیده ایوان - ایوان‌ها پلکان باغچه درختان انار و خرما حوض ارتباط با قنات	طرح: مستطیل - مربع - مختلف الاضلاع مصالح: گل، خشت
	بام	اجرای پوشش نیم‌گنبدی بر روی بام سبب کاهش گرما در روز و سرما در شب می‌شود	پوشش نیم‌گنبدی کانال بادگیر کلاه‌فرنگی	مصالح: خشت، گل، آجر
	پلکان	ارتباط با اشکوب دوم بنا کنترل نیروی رانشی	ارتفاع و کف پله	مصالح: خشت، آجر

مأخذ: نگارندگان

جدول شماره ۴: حیات در خانه‌های دستگردان در زمان‌های متفاوت از روز



حیات خانه باغ فیاضی، ضلع جنوب شرقی، صبح‌گاه

حیات خانه بادام‌تک ۲، ضلع غربی، صبح‌گاه

حیات خانه بادام‌تک ۱، ضلع شمالی، صبح‌گاه

حیات خانه جمشید نجفی، ضلع شمالی، عصرگاه

حیات در خانه محمود نجفی، ضلع شمالی، صبح‌گاه

حیات خانه شجاع سنگجولی، ضلع شمال غربی، عصرگاه

مأخذ تصاویر: خدیجه شریف کاظمی

کل بنا بیان می‌کند حیات خانه بادام‌تک ۱ نسبت به کل بنا، مساحت بیش تری را به خود اختصاص داده است. در فضای داخل حیاط‌ها آثار درختان انار و نخل قابل مشاهده است.



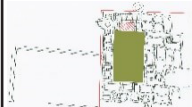

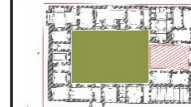
ب- فضاهای نیمه‌باز

فضاهای نیمه‌باز در خانه‌های مورد مطالعه شامل عناصری مانند؛ ورودی، هشتی، دالان ورودی، ایوان و تالار حوض خانه است (جدول شماره ۵). «یکی از اهداف مهم در طراحی فضای ورودی خانه‌ها نه تسهیل حرکت، بلکه کنترل آن و طولانی نمودن مسیر حرکت از بیرون به درون بوده است» (سلطان‌زاده، ۱۳۸۴: ۶۰).

درگاه ورودی تنها راه ارتباط ساختمان با محیط خارج است. ورود به خانه به عنوان حریم خصوصی همواره با طرح سلسله مراتب، فضای امنی را ایجاد کرده است. فضای ورودی پایین‌تر از سطح معبر قرار

حیات نقش اساسی را در میان دیگر عناصر سازنده بناهای سنتی ایفا می‌کند. طرح هندسی، درون‌گرایی، محوریت، هسته مرکزی و محصوریت توسط یک یا چند ایوان و اتاق‌ها، از ویژگی‌های حیات در این منطقه است. برای دست‌یابی به فضای حیات، باید از هشتی و دالان ورودی با اختلاف سطح چند پله، گذر کرد. این اختلاف سطح ناشی از گود بودن حیات و دسترسی نزدیک‌تر به منبع آبی قنات است. حوض در میان حیات مرکزی نقش تأمین‌کننده رطوبت فضای خانه را ایفا می‌کند. بهره‌برداری از عنصر بوم‌آورد در مصالح حیات با استفاده از حفر گودال باغچه دیده می‌شود. در خانه‌ها با محوریت حیات مرکزی، ایوان جنوبی، بخش سایه‌گیر و بخش شمالی، آفتاب‌گیر در نظر گرفته می‌شود. ضلع شرقی بنا در نیمه اول روز (صبح) و ضلع غربی در نیمه دوم روز (عصر) سایه‌گیر است. با توجه به جدول شماره ۴ که مساحت حیات را نسبت به مساحت

جدول شماره ۵: نسبت مساحت فضای حیاط به مجموع کل بنای هر خانه

					موقعیت حیاط در خانه‌های دستگردان
شجاع سنگچولی مأخذ: رفیعی، ۱۳۸۴	محمد نجفی مأخذ: رفیعی، ۱۳۸۵	فیاضی مأخذ: رفیعی، ۱۳۸۴	بادام تک ۲ مأخذ: رفیعی، ۱۳۸۴	بادام تک ۱ مأخذ: رفیعی، ۱۳۸۴	
٪۲۰	٪۲۰	٪۱۰	٪۱۰	٪۶۸	مساحت تصرف شده

مأخذ: تغییر در نقشه و محاسبات توسط نگارندگان

جدول شماره ۶: فضاهای نیمه باز خانه‌های دستگردان


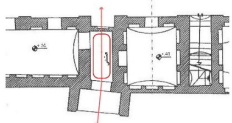
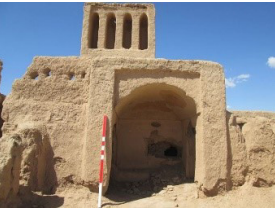
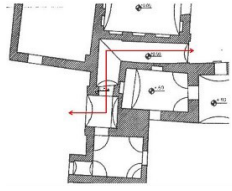
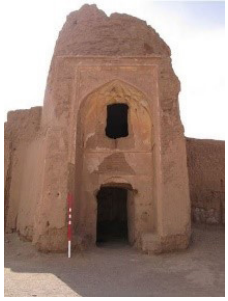
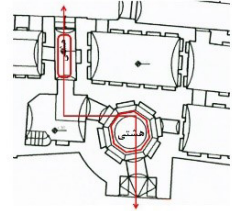

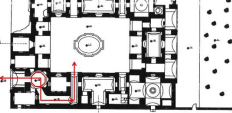


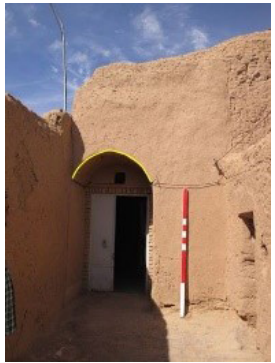
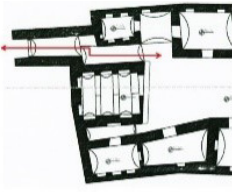
کالبد بنا	نوع فضا	کاربری	اجزاء	جزئیات
فضاهای نیمه‌باز	ورودی	عنصر رابط فضای بیرونی و درونی هویت معماری وضعیت اجتماعی صاحبان بنا کنترل حریم خصوصی تشخص و خوانایی سلسله مراتب فضایی	ایوان	طاق دار مصالح خشت، آجر
			سردر	ایجاد سایه تزیین با کاربندی، گچ یک نمونه دارای روزن
			در	دو لنگه جنس چوبی
			سکو	در دوسوی و متقارن مصالح خشت و گل، آجر
فضاهای نیمه‌باز	هشتی	تقسیم کننده فضا محل نشستن و گفتگوی مراجعین تصفیه نور جابه جایی هوا	سقف دیوار سکو	با طرح‌های مربع - مستطیل و هشت ضلعی دارای طاق نما ورودی پشت بام مصالح آجر خشت گچ گل
	دالان	ایجاد فضای غیرمستقیم با میان‌سرا	سقف دیوار	دسترسی به سرویس بهداشتی
	ایوان یا صفه	ارتباط دهنده حیاط به تالار یا اتاق‌ها نقش عظمت بخشی به بنا جهت گیری معین برای اقامت فصلی تعديل هوای اتاق‌های پشتی	سقف دیوار طاق کف	دارای طاقچه‌ها و رف‌های متعدد، تزیینی کاربردی دارای دو ورودی به اتاق‌های طرفین
حوض خانه	کاهش حرارت خورشید و خنک کننده اتصال طبیعت و معماری کاربری تابستانی	بادگیر کلاه فرنگی حوضچه صفه	دارای تزیینات کاربندی مصالح گچ و گل	

مأخذ: نگارندگان

در فرایند ورود به این خانه‌ها عناصر پیش طاق، درآبگه، هشتی، دالان باریک و غیر مستقیم دیده می‌شود. افزون بر این، خانه‌های بادام تک ۱ و ۲، فیاضی، خان یوسفی و سنچولی در بخش دالان ورودی، دارای اتاق خدمه و در فضای ورودی دو خانه خان یوسفی و فیاضی، اصطبل قرار گرفته است. با توجه به مطالعات صورت گرفته، عملکرد ورودی خانه‌ها در ارتباط با فضای میان‌سرا و محیط خانه به طور غیرمستقیم انجام می‌گرفته و در راسته محور اصلی ساختمان قرار نگرفته است؛ در واقع اهمیت و توجه به حریمت در عمارت‌های بخش دستگردان درک شده است. فضای هشتی در خانه فیاضی به شکل برجی دو طبقه تعبیه شده و افزون بر تقسیم فضایی، کارکرد امنیتی نیز داشته است. در اغلب خانه‌های سنتی سر در ورودی به شکل ایوانی طاقدار است که موقعیت اجتماعی ممتاز صاحبان این خانه‌ها را نسبت به دیگر ساکنان روستا بیان می‌کند.

گرفته و با ایجاد سایه و عمق، تابستانی خنک و زمستانی گرم را برای ساکنان فراهم می‌کند. به کارگیری ایوان طاق دار در این فضا، در کنترل نیروهای رانشی زلزله مؤثر می‌افتد. همچنین ورودی توسط یک هشتی و یک دهلیز طویل که با حرکتی چرخشی (میان‌در)، به حیاط مرتبط می‌شود از گزند هوای محیط بیرون محافظت شده است. به طور معمول، نحوه ورود به حیاط در خانه‌های سنتی به دلیل حفظ حریم خصوصی از چشمه فرعی و در گوشه حیاط صورت می‌گرفته است. اغلب خانه‌های بزرگ در قسمت ورودی، دارای ایوان و سردر بوده‌اند. از مهم‌ترین مشخصه ورودی در خانه‌های دستگردان، برقراری ارتباط با حیاط مرکزی، از طریق فضای هشتی است. سردرهای خانه‌های دستگردان در دو نوع ساده و تزیینی قابل تقسیم‌بندی است. نمونه سردرهای تزیینی را می‌توان در خانه‌های فیاضی و خان یوسفی، خانه مؤدب و سردار مکرم با تزیین طاق تویزه، و کاربندی و گچ‌بری مشاهده نمود.

جدول شماره ۷: نحوه جهت‌دهی ورودی و طرح هشتی خانه‌های دستگردان

تصاویر	ابعاد درگاه	راهرو- دالان	طرح هشتی	سکو	جهت دهی	تعداد ورودی	فضای ورودی خانه
	ارتفاع: ۲/۲ متر عرض: ۱/۸ متر	دارد	مستطیلی	ندارد	جبهه غرب	۱	 بادام تک ۱ مأخذ: رفیعی، ۱۳۸۴
	ارتفاع: ۱/۸ متر عرض: ۱/۱ متر	دارد	ندارد	دارد- متصل به ایوان	جبهه شمال شرق	۲	 بادام تک ۲ مأخذ: رفیعی، ۱۳۸۴
	ارتفاع: ۲ متر عرض: ۱/۳ متر	دارد	هشت ضلعی	دارد مقارن	جبهه شمال غرب	۱	 فیاضی مأخذ: رفیعی، ۱۳۸۴
	ارتفاع: ۱/۸ متر عرض: ۱/۲ متر	دارد	هشت ضلعی	دارد مقارن	جبهه جنوب شرق	۱	 خانه شجاع سنگجولی مأخذ: رفیعی، ۱۳۸۴
	ارتفاع: ۱/۷ متر عرض: ۱/۲ متر	دارد	ندارد	ندارد	اصلی: جبهه شرق فرعی: طبقه دوم	۲	 خانه حبیب‌الله مؤدب مأخذ: رفیعی، ۱۳۸۵
	ارتفاع: ۲ متر عرض: ۱/۱ متر	دارد	ندارد	ندارد	جبهه جنوب	۱	 خانه محمود نجفی مأخذ: رفیعی، ۱۳۸۵


تصاویر	ابعاد درگاه	راهرو- دالان	طرح هشتی	سکو	جهت دهی	تعداد ورودی	فضای ورودی خانه
	ارتفاع: ۱/۶ متر عرض: ۰,۹ متر	دارد	چهار ضلعی	ندارد	جبهه جنوب	۱	 خانه سردار مکرّم مأخذ: رفیعی، ۱۳۸۵
	ارتفاع: ۱/۶ متر عرض: ۱ متر	ندارد	ندارد	ندارد	جبهه جنوب	۱	 خانه کربلایی عباسی مأخذ: رفیعی، ۱۳۸۵
	ارتفاع: ۲ متر عرض: ۱/۱ متر	دارد	هشت ضلعی	دارد- نامتقارن	جبهه جنوب	۱	خانه جمشید نجفی -
	ارتفاع: ۲/۳ متر عرض: ۱ متر	دارد	مستطیل	دارد- مقارن	جبهه شمال شرقی	۱	خانه خان یوسفی -

مأخذ تصاویر: خدیجه شریف کاظمی

خانه مؤدب و کربلایی عباسی روستای کلشانه، با کاربرد برون گرا حفظ شده‌اند. فضای بین صفاها با سقف گنبدی پوشش داده شده است. عنصر حوض خانه از اجزای مشترک میان صفا در خانه‌های برون گرا و درون گرا به‌شمار می‌رود. ارتفاع صفاها و عنصر کلاه‌فرنگی بر بالای گنبد، با تنظیم جریان هوا، عبور بادهای گرم را با حوضچه‌ای که دقیقاً در مرکز آن قرار دارد به‌خنک‌سازی بنا در تابستان کمک می‌کند. هم‌چنین تنظیم نور در این قسمت با کلاه‌فرنگی تأمین می‌شود. از سویی این روزنه‌ها در سرما زمستان، ساکنان آن را اذیت نمی‌کرده و به نحوی این فضای مرکزی، عملکرد حیاط (پیرنیا، ۱۳۹۰: ۱۶۵) را در تعدیل دمای این خانه‌ها داشته است.

ایوان از مهم‌ترین فضاهای معماری ایرانی است و در بیش‌تر خانه‌های سنتی با تنوع فرم و ابعاد قابل مشاهده است. کاربری ایوان در چند جبهه از مشخصه‌های خانه‌های صفوی تا دوره قاجار است که این موضوع در خانه‌های دستگردان با تأکید بر حفظ معماری پایداری جلوه یافته است. ایوان با تنوع فضایی، پیوستگی فضای بیرون و درون خانه را فراهم می‌سازد. این بخش از خانه، در فصول گرم موجب تعدیل هوای اتاق‌های پسین خود می‌شود. ایوان مرکز عظمت و نقطه اتصال تالار شاه‌نشین و حیاط است که عامل فرهنگی و اجتماعی را در این بناها تقویت کرده است. صفاها از دیگر عناصر فضای نیمه باز به‌شمار می‌رود که در دو

جدول شماره ۸: انواع بادگیرها در خانه‌های دستگردان

خانه	تصاویر	نوع بادگیر	تعداد چشمه	جهت گیری
		یک سویه	۵	تالار حوض خانه رو به جنوب شرقی
بادام تک ۱		یک سویه	۳	چهار صفا رو به شمال غرب
بادام تک ۲		یک سویه	۴	اتاق در کنار ورودی رو به شمال شرق
خان یوسفی		سه وجهی	۷	تالار حوض خانه در گستره خود رو به شمال شرق وجوه دیگر: شمال و شرق
سردار مکرم		یک سویه	۵	تالار حوض خانهرو به شمال شرق
شجاع سنگچولی		یک سویه	۲	حوض خانه رو به شمال شرق
باغ فیاضی		یک سویه	۵	تالار حوض خانه رو به شمال شرق

حوض خانه در خانه‌های درون‌گرا، مشرف به حیاط بوده و شرط اصلی پیدایی حوض خانه در این بناها، نزدیکی به قنات است. آب قنات از یک مسیر وارد حوض و در صورت وجود باغ در اطراف خانه، از مسیری دیگر وارد باغ می‌شود.

چنین فضایی به عنوان اقامتگاه تابستانی در باغ یا خانه احداث می‌شد و در فصل گرما مورد استفاده قرار می‌گرفت. از سویی تالار حوض خانه با در نظر گرفتن کاربرد آن در هنگام مهمانی‌های تابستانی، کانون تزیینات خانه‌های تاریخی به‌شمار می‌رفته است. دو خانه بادام تک ۱ و خانه فیاضی شواهدی بر این امر هستند. این فضا نیاز به نوعی پیوند معماری و طبیعت را با عنصر آب برقرار می‌کرد. معمولاً یک سمت حوض خانه به طرف حیاط یا صحن باغ و سقف آن بلندتر از فضاهای مجاور، برای رعایت سلسله مراتب فضایی بوده است (فاتحی و فضل‌الهی، ۱۳۸۵: ۸). دو منبع نور در حوض خانه وجود دارد: یکی حجمی از نور که از تالار اصلی بر دیواره جنوب‌غربی می‌تابد و ایوان بزرگ این جبهه مانع از سرازیر شدن آن به جبهه جنوب‌غربی می‌شود. دوم، نوری که از شبکه‌های کلاه فرنگی بر فضای حوض خانه می‌تابند و پیچ و تاب‌های شبکه‌ها را با خود دارد و با گردش آفتاب به گردش در می‌آید. با استفاده از بادگیر، جریان باد به داخل حوض خانه، انجام می‌گیرد. باد خنک بر اثر فشار مثبت از طریق دهانه‌های بادگیر وارد شده، به فضای حوض خانه دمیده و با عبور از آب بر اثر برودت تبخیری آب خنک می‌شود. شب هنگام و یا مواقعی که باد در جریان نیست، بادگیر همانند یک دودکش خورشیدی عمل و هوای خنک را باغ به سمت حوض خانه هدایت می‌کند (پوراحمدی، ۱۳۹۱: ۶۰).

یکی از اجزای بناهای بومی ایران در اقلیم گرم بادگیر است. استفاده از بادگیر بخش عمده‌ای از ساختمان را در گرمای طاقت فرسای تابستان خنک و شرایط زیستی را فراهم کرده است. بادگیر خانه‌های دستگردان، در قسمت تابستان‌نشین بنا (ایوان جنوبی) به کار رفته است. با توجه به تقسیم‌بندی بادگیرها (اردکانی، کرمانی و یزدی)، بادگیر اردکانی که عموماً یک‌طرفه و نسبت به سایر بادگیرها تا حدی ساده و از لحاظ اقتصادی باصرفه‌تر است (افشار، ۱۳۷۱: ۳۶۵)، بیش‌ترین کاربرد را در میان بافت روستایی و منازل دستگردان بر عهده داشته است. «ساختمان بادگیرها از چهار بخش، ساقه، دهانه- قفسه، تیغه و سقف آن تشکیل شده است» (بهادری‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۲۶). تعداد چشمه‌های هر بادگیر با بزرگی بادگیر، شدت باد و در مجموع با وضعیت آب و هوای هر منطقه، ارتباط مستقیم دارد (پورجوهری و وفامهر، ۱۳۸۸: ۳۰). در منطقه دستگردان بادگیرها بیش‌تر از نوع یک‌طرفه و تنها در یک مورد، بادگیر سه‌وجهی (خانه خان‌یوسفی) به کار رفته است. چشمه‌های بادگیر با استفاده از تیغه‌های گچی ساخته شده است. انواع بادگیرها، جهت‌دهی و تعدد چشمه‌های هر یک، در جدول شماره ۷ آمده است.

عموماً بادگیرها در بافت روستایی دستگردان با ارتفاع و جهت باد مطلوب طراحی و ساخته شده‌اند. مکان انتخابی بادگیرهای بزرگ و برجسته خانه‌های سنتی دستگردان، در فضای حوض خانه و تنها یک مورد در یک اتاق است و بادگیرهای یک‌وجهی بیش‌ترین کاربرد را دارد. جهت‌گیری بادگیر در این خانه‌ها رو به شمال‌شرق یعنی در مقابل باد مطلوب است. این موضوع تنها در خانه بادام تک ۱ صورت نگرفته است. هم‌چنین در برخی اتاق‌های خانه‌ها یک روزن با کاربرد بادگیر به کار گرفته شده است.

ج- فضاهای بسته

انواع فضای بسته در خانه‌های دستگردان شامل اتاق و برج است. فضاهای سکونتی در دو سوی حیاط قرار دارند و استفاده از اتاق‌های متعدد بزرگ، سقف بلند و بادگیر به کاهش فشار و دمای گرم این بخش، کمک فراوانی کرده‌اند. از سویی در کالبد معماری برخی خانه‌ها می‌توان برج را به عنوان فضایی بسته مورد تحلیل قرار داد.

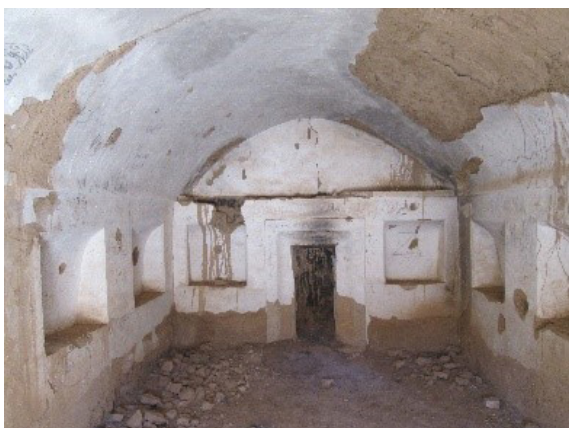
اتاق‌ها در بخش دستگردان با کارکرد فصلی طراحی شده‌اند. اتاق‌های تابستان‌نشین با ابعاد بزرگ، سقفی بلند، گاه دارای یک روزنه و یا یک بادگیر کوچک به جهت تهویه هوا تعبیه شده‌اند. ارتباط میان اتاق‌های تابستان‌نشین از طریق راهرو انجام می‌گیرد. اتاق‌های زمستان‌نشین از ارتفاع کم‌تری برخوردار هستند. این اتاق‌ها با یک درگاه به حیاط ارتباط دارند و در داخل آنها شومینه‌ای برای تأمین گرمایشی تعبیه شده است. به‌طور کلی پوشش اتاق‌ها به شکل طاق آهنگ ۱ طاق و تویزه و برخی با طاق خنچه‌پوش دورعدسی دار^۲ است (تصاویر شماره ۱۱، ۱۰ و ۹). طاق‌زنی راهروها از نوع خنچه‌پوش تخت است. فضاهای خدماتی شامل انبار و آشپزخانه در گوشه جنوب شرقی بناها و در نزدیکی یکدیگر قرار دارند. در برخی خانه‌ها اتاق انباری دیده نشد که این موضوع می‌تواند تحت تأثیر تغییر کاربری برخی اتاق‌ها در فصول سال باشد. در برخی خانه‌ها، معمولاً ایوان جنوبی که رو به آفتاب قرار هستند به صورت دو طبقه ساخته شده‌اند. در خانه‌های بادام تک ۲، جمشید و محمود نجفی، ایوان جنوبی به صورت دو اشکوبه ساخته شده است. در اشکوب دوم دو اتاق با یک پنجره در طرفین ایوان تعبیه شده که به نظر می‌رسد کارکرد بهار خواب داشته‌اند.

در خانه‌های اقلیم کویر، اتاق‌های متعدد تابستان‌نشین در سوی ایوان جنوبی قرار می‌گرفتند. در این خانه‌ها، اتاق سه‌دری، اتاق خواب است. برای طراحی آن از نصف تناسب طلایی کمک می‌گرفتند. در این اتاق هیچ‌وقت از فضای آزاد وارد آنها نمی‌شدند، زیرا برای ورود، در کنار هر کدام راهرویی در نظر گرفته می‌شد. از اتاق پنج‌دری به عنوان اتاق مهمانی استفاده می‌کردند. پنج‌دری‌هایی که از سمت طولی نور می‌گرفتند، دارای تناسب کل طلایی هستند. در دو طرف پنج‌دری نیز دو راهرو قرار دارد. در داخل بعضی از پنج‌دری‌ها، تورفتگی، کمی بالاتر از سطح زمین به نام شاه‌نشین دیده

جدول شماره ۹: فضاهای بسته در خانه‌های دستگردان

جزئیات	اجزاء	کاربری		نوع فضا	اجزای بنا
		سه دری	زمرستان‌نشین		
کاربری فصلی سه دری: خصوصی، اتاق خواب پنج‌دری: مهمانی اتاق‌ها در ارتباط با راهرو و سپس حیاط قرار دارند. برخی مستقیماً در ارتباط با حیاط قرار دارند زمرستان‌نشین با بخاری تابستان‌نشین با روزنه برخی از اتاق‌ها دارای تزئین گچبری اندود دیوارها با گچ	در پنجره عمودی طاق بندی طاقچه سقف طاق‌دار	سه دری	زمرستان‌نشین	انواع اتاق	فضاهای بسته
		پنج دری	تابستان‌نشین		
		تهیه غذا	مطبخ		
قرارگیری مطبخ و انباری در یکی از گوشه‌های جنوبی بنا اتاق نگهبانی ضلع شمالی بنا با شومینه	در تور اجاق خمیره ذخیره پنجره طاقچه	ذخیره غلات	انبار	انواع اتاق	فضاهای بسته
		امنیت	نگهبانی		
		امنیت دیده بانی اواخر قاجار برای ذخیره غلات استفاده می‌شده یک نمونه با کاربری هشتی	برج		
سطح مقطع دایره و در یک نمونه مربع معمولاً در دو یا سه طبقه ساخته می‌شود مصالح آجر، خشت، ملاط گل	ابتدای ورودی روزن تیرکش				

مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۱۰: شومینه در اتاق زمرستان‌نشین خانه بادام تک ۲؛
مأخذ: خدیجه شریف کاظمی



تصویر شماره ۱۱: اتاق پنج‌دری، خانه باغ فیاضی؛
مأخذ: خدیجه شریف کاظمی

می‌شود که در آن مهمان‌های بزرگ می‌نشستند (پیرنیا، ۱۳۹۰: ۱۶۳).
تنها در خانه فیاضی دو اتاق پنج‌دری به‌طور متقارن در دو ضلع شرقی
و غربی بنا قرار دارد. در اتاق پنج‌دری، فضای شاه‌نشین یا همان اتاق
شکم‌دریده با انعطاف‌پذیری معماری در قسمت سایه‌گیر بنا به کار
گرفته شده است. این فضای شاه‌نشین نیز در خانه شجاع سنجولی
در ضلع شرقی و غربی به‌طور متقارن مشاهده می‌شود. استفاده از
اتاق سه‌دری در خانه فیاضی منحصراً نزدیک هشتی و در اختیار
خدمه بود. کاربرد طاقچه و رف در اضلاع اتاق‌ها، برای نگهداری
ظروف و تزئین نما به کار رفته است.

یکی از ویژگی‌های معماری خانه‌های این منطقه، به‌کارگیری برج
در قسمت ورودی بنا است که بیانگر تأثیرات عدم امنیت منطقه
است. هرچند ساخت این برج‌ها را با توجه به مصالح و شیوه ساخت
و با توجه به شرایط نامن منطقه، می‌توان به زمانی پیش از دوره قاجار
نسبت داد. کاربری این برج‌ها نگهبانی، دیده‌بانی و انبار غلات بود.



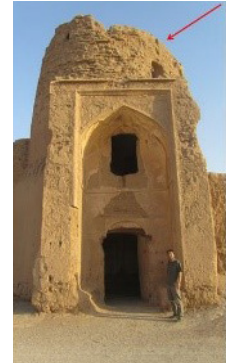
تصویر شماره ۹: سقف اتاق تابستان‌نشین، خانه باغ فیاضی؛
مأخذ: مآخذ آرشیو تصاویر میراث فرهنگی خراسان جنوبی، ۱۳۸۴



تصویر شماره ۱۴: برج در نزدیکی ورودی خانه میرزاه محمودی؛ مأخذ: خدیجه شریف کاظمی



تصویر شماره ۱۳: برج متصل به فضای ورودی خانه جمشیدنجفی؛ مأخذ: خدیجه شریف کاظمی



تصویر شماره ۱۲: برج ورودی خانه فیاضی؛ مأخذ: خدیجه شریف کاظمی

جدول شماره ۱۰: فضای باغ در خانه‌های بخش دستگردان



الف- محدوده باغ خانه بادام تک ۲



ب- محدوده باغ فیاضی در ضلع شرقی خانه فیاضی



ج- ورودی باغ، خانه شجاع سنچولی



د- باغ خانه سردار مکرم



تصویر شماره ۱۵: برج متصل به بادگیر در خانه خان یوسفی؛ مأخذ: خدیجه شریف کاظمی

باغ

وجود باغ‌ها در نزدیکی این خانه‌ها، نشان‌دهنده انطباق شرایط اقلیم و محیط با توجه به کمبود آب در منطقه و استفاده مطلوب از آب قنات است. در واقع «استفاده از باغچه و آب، انواع درختان و گل‌ها، نورگیرها، ارسی‌ها و بادگیر، همه راهکارهایی جهت بهره‌مندی از طبیعت است» (بیستی، ۱۳۸۹: ۶۰). برخی محققان باشکوه‌ترین عصر باغ‌سازی در ایران را دوره صفوی می‌دانند. در این دوران باغ‌ها در گستره شهرها به عنوان عنصر شکل‌دهنده ساختار فیزیکی شهر بودند و هم‌چون منظومه‌ای سبز تمامی ساختار شهر را تحت تأثیر قرار می‌دادند. از این زمان به بعد در اکثر شهرهای ایران باغ‌سازی در ابعاد وسیع و هماهنگ با بافت و شبکه‌های شهری اهمیت فراوانی یافت. سیر تحول طراحی باغ در دوره زندیه نیز همانند زنجیره‌ای به دوره صفوی مرتبط بود و در دوران قاجار به علت ارتباطات فرهنگی گسترده میان ایران و اروپا، نشانه‌هایی از الگوهای باغ‌سازی اروپایی در باغ‌های ایران نفوذ کرد. در دوره قاجار با توجه و علاقه حاکمان وقت به مقوله باغ‌سازی، باغ‌های در خور توجهی برجای مانده است (اویسی، ۱۳۹۴: ۶۳-۶۲). هسته دوم خانه‌های سنتی دستگردان را باغ‌هایی به صورت مستقل اما متصل به طرح اصلی خانه تشکیل داده است.

مأخذ تصاویر: خدیجه شریف کاظمی

مصالح

مصالح به کار رفته در خانه‌های سنتی، با اقلیم مناطق حاشیة کویری هماهنگ است. در ساخت خانه‌های این منطقه از مصالح؛ خشت، گل، آجر، گچ و به صورت محدود از حصیر نیز بهره برده‌اند. این مصالح میزان حرارت بالا را کاهش بخشیده و گاه بدین منظور از دیوارهای قطور نیز در دیوارهای خانه بهره می‌بردند.

نتیجه گیری

بافت مسکونی منطقه دستگردان همانند سایر بناهای با اقلیم بیابانی تحت شرایط محیطی شکل گرفته است. تحولات اقتصادی و سیاسی قرون اخیر هماهنگ با این مهم تأثیر وافر بر ساختار معماری به‌ویژه بافت مسکونی منطقه داشته است. این فرایند سبب به‌وجود آمدن پیچیدگی سلسله مراتب اجتماعی در منطقه شده است. ایجاد خانه‌های پرهزینه از جمله خانه‌های خان‌یوسفی، بادام تک ۱ و فیاضی بر ایند این مهم هستند. بیش تر آثار معماری منطقه، در دوره زمانی صفویه تا قاجار شکل گرفته است. خانه‌های سنتی این منطقه اگرچه در دوره قاجار به لحاظ کمیت نسبت به گذشته رشد قابل توجهی داشته، اما به دلیل دوری از مراکز قدرت و اهمیت تاریخی کمتر نسبت به شهرهای بزرگ، معماری ساده و بی‌آرایه‌ای دارد. با توجه به شرایط اقلیمی گرم و خشک و باوجود کوشک‌های برون‌گرا، اغلب خانه‌ها، ساختاری درون‌گرا دارند و از دو رون راسته و اصفهان در ساخت این بناها به کار گرفته شده است. معماری خانه‌ها دارای دو بخش اندرونی و بیرونی هستند. ساختار بناهای مسکونی به صورت یک و دو ایوانی با محوریت مرکزی حیاط و چهار صفا با حوض خانه است که فضاهای خصوصی و خدماتی پیرامون آن قرار دارد. قرارگیری ایوان در محوریت مرکزی و حفظ سلسله مراتب در نظام فضایی معماری این خانه‌ها حاکی از وحدت و هماهنگی در میان عناصر سازنده بنا است. ویژگی‌های معماری این خانه‌ها بر اساس معیارهای اصلی در جدول شماره ۸ به‌طور خلاصه آمده است.

نظم هندسی این خانه‌ها بر مبنای اقلیم و فرهنگ، افزون بر حس تعلق، به ساختار معماری بافت منطقه هویت و شخصیت بخشیده است. در حال حاضر بیش تر خانه‌ها در بافت روستایی قدیم از ایوان ورودی و حیاط مرکزی و بادگیر برخوردارند. از این رو ضرورت به کارگیری از روش‌های بومی معماری و عناصر کالبدی این خانه‌ها را می‌توان با توجه به اقلیم این منطقه در بافت روستایی امروز، مورد توجه قرار داد.

جدول شماره ۸: عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری خانه‌های سنتی روستای دستگردان

معیار اصلی	زیر معیارها	ویژگی معماری
ویژگی‌های اقلیمی	شدت تابش خورشید گرمای شدید عدم رطوبت نبود بارش باران	مرتفع نمودن دیوارهای بنا برای ایجاد سایه ایجاد معابر با باطوق‌های طویل رومی پیوسته به کارگیری حیاط مرکزی حوض در وسط حیاط عمیق تر کردن ایوان جنوبی تالار حوض خانه و بادگیر برای تهویه هوا جهت‌گیری مناسب بادگیر و جذب حداکثر باد مطلوب به کارگیری روزنه‌های کوچک در جهت کوران هوا به داخل اتاق استفاده از مصالح سنتی و بوم‌آورد منطقه با ظرفیت حرارتی بالا
محرمت و اجتماعات	محرمت	تأکید بر درون‌گرایی در پلان کاربرد هشتی و دالان رعایت سلسله مراتب برای دسترسی به فضاهای گوناگون خانه حیاط مرکزی نداشتن پنجره در طبقات همکف دو طبقه ساختن بنا
	شیوه زندگی	انعطاف‌پذیری و عملکرد چندگانه اتاق‌ها اتاق‌های کوچک برای خلوت‌گزینی طراحی پنج‌دری و سه‌دری و اتاق شکم دریده، تالار حوض خانه در هنگام پذیرایی از مهمانان
کشاورزی	کشاورزی باغداری دامداری	نزدیکی به مزارع افزودن هسته باغ در مجاورت بنا
حمله یاغیان و غارتگران	حمله یاغیان و غارتگران تدابیر دفاعی در نزاع میان روستایی	وجود برج در نزدیکی ورودی یا متصل به آن مرتفع نمودن بناها

مأخذ: نگارندگان

سپاسگزاری

از جناب آقای بهرام عنانی برای در اختیار نهادن اطلاعات بررسی محدوده بخش دستگردان طبس، قدردانی می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

- این تاق به شکل نیم‌استوانه تو خالی است و از حرکت یک قوس در امتداد یک خط به‌وجود می‌آید (معماربان، ۱۳۹۴: ۶۳). برای ساخت تاق آهنگ باید در آغاز دو دیوار موازی و عمود بر سطح زمین پدید آورد و سپس شابلون گچی را در آغاز آن نصب کرد. اگر به شکل فرضی در راستای پاکار دو دیوار شابلون کشیده شود، شکلی تقریباً نیم‌استوانه پدید می‌آید که به آن «کوره‌پوش» یا «تاق آهنگ» می‌گویند. این کار در معماری با شیوه‌های گوناگون ساخت و چیدمان آجر، سنگ و ... پدید می‌آید (ولی‌بیگ و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۰).
- چنجه‌پوش دوردار عدسی: برای کاهش نیروی فشار وارد بر قوس تخت، خیزی مناسب به پوشش وسط داده می‌شود. چنین قوسی را قوس عدسی می‌نامند. در دوره صفوی و بعد از آن از این قوس به وفور استفاده گردید (زمرشیدی، ۱۳۸۷: ۸۸).

فهرست منابع و مراجع

۱. احمدی، زهرا (۱۳۹۱)، «بازخوانی نقش گمشده حیاط مرکزی در دست‌یابی به معماری پایدار»، **نشریه شهر و معماری بومی**، شماره ۲، صص ۲۵-۴۰.
۲. احمدی، فرهاد (۱۳۸۴)، «شهر- خانه حیاط مرکزی(شهر- خانه پایدار، شهر- خانه آئینی)»، **مجله صفا**، شماره ۴۱، صص ۹۰-۱۱۳.
۳. افشار، ایرج (۱۳۷۱)، **بزدنامه**، انتشارات فرهنگ ایران زمین، تهران.
۴. اکبری، علی‌اکبر و بذرافکن، کاوه و تهرانی، فرهاد و سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۶) «بازشناسی نگرش به زمینه در بناهای ساخته شده میدان مشق تهران در دوره پهلوی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال ۸، شماره ۳۰، صص ۱۴-۵.
۵. اکرمی، غلامرضا و زارع، فائزه (۱۳۹۲)، «طراحی خانه در بافت سنتی شهری، مطالعه موردی: طراحی در بافت سنتی قم»، **نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱۸، شماره ۲**، صص ۶۸-۵۵.
۶. اویسی، سامان (۱۳۹۴)، «بیاغ ایرانی در گذر زمان»، **مجله راه و ساختمان**، شماره ۱۰۸، صص ۶۴-۵۴.
۷. بهادری‌نژاد، مهدی (۱۳۸۷)، **بادگیر شاهکار مهندسی ایران**، یزدا.
۸. بیتی، حامد (۱۳۸۹)، **بررسی نقش حیاط در سازمان‌دهی خانه‌های تاریخی: مطالعه موردی خانه‌های دوره قاجار تبریز**، کتاب ماه هنر، ۱۴۹، صص ۶۴-۵۸.
۹. پرونده ثبتی اسناد میراث فرهنگی (۱۳۸۴)، **گزارش بررسی باستان‌شناسی شهرستان شهر طبرس**، منتشر نشده، میراث فرهنگی خراسان جنوبی، حوزه پژوهشی، بیرجند.
۱۰. پوراحمدی، محبوبه (۱۳۹۱)، «بررسی الگوهای پایدار در معماری خانه‌های سنتی مهریز»، **نشریه شهر و معماری بومی**، شماره ۳، صص ۶۵-۵۵.
۱۱. پورجوهری، آتوسا و وفامهر، محسن (۱۳۸۸)، «بادگیر دستاوردی از معماری سنتی ایران»، **مجله راه و ساختمان**، شماره ۶۴، صص ۳۵-۲۳.
۱۲. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۸۴)، **سبک‌شناسی معماری ایرانی**، سروش دانش، تهران.
۱۳. پیرنیا، محمد کریم (۱۳۹۰)، **آشنایی با معماری اسلامی ایران**، دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۱۴. حائری، محمدرضا (۱۳۸۸)، **خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تاریخ و معاصر به منظور تدوین فرایند و معیارهای طراحی خانه**، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۱۵. حبیبی، سید محسن (۱۳۹۵) **از شار تا شهر، تحلیل تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر**، چاپ پانزدهم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۶. رفیعی، ناصر (۱۳۸۴)، **گزارش پیشنهاد ثبت در فهرست آثار ملی کشور**، میراث فرهنگی خراسان جنوبی، حوزه پژوهشی، بیرجند.
۱۷. رفیعی، ناصر (۱۳۸۵)، **گزارش پیشنهاد ثبت در فهرست آثار ملی کشور**، میراث فرهنگی خراسان جنوبی، حوزه پژوهشی، بیرجند.
۱۸. زمرشیدی، حسین (۱۳۸۷)، **طاق و قوس در معماری ایران**، شرکت عمران و بهسازی شهر، تهران.
۱۹. زینلیان، نفیسه و اخوت، هانیه (۱۳۹۶) «ساختار شناسی حیاط در خانه‌های قجری اقلیم گرم و خشک و گرم و مرطوب با تمرکز بر گونه «حیاط مرکزی» مطالعه موردی: خانه‌های یزد و دزفول»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال ۸، شماره ۳۰، صص ۲۹-۱۵.
۲۰. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۸۴)، **فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران**، چاپ دوم، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی، تهران.
۲۱. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۲) **مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی شهری**، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۲۲. عبدالله‌زاده، سیده‌مهسا و ارژمند، محمود (۱۳۹۱) «در جست‌وجوی ویژگی‌های خانه ایرانی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شماره ۱۰، صص ۱۲۲-۱۰۹.
۲۳. عنانی، بهرام (۱۳۹۴)، **گزارش مقدماتی بررسی باستان‌شناسی بخش دستگردان شهرستان شهر طبرس**، منتشر نشده، میراث فرهنگی خراسان جنوبی، حوزه پژوهشی.
۲۴. عینی‌فر، علیرضا (۱۳۸۲)، «الگوی برای تحلیل انعطاف‌پذیری در مسکن سنتی ایران»، **مجله هنرهای معماری و شهرسازی**، شماره ۱۳، صص ۶۴-۷۷.
۲۵. فاتحی، محمدعلی و فضل‌اللهی، علی (۱۳۸۵)، «آب در معماری کویر (حوض‌خانه‌های شهر کاشان)»، **همایش علمی منطقه‌ای معماری کویر**، دانشگاه آزاد اردستان.
۲۶. قائم، گیسو (۱۳۷۵)، «زبان مشترک ساخت مسکن در معماری گذشته ایران»، **مجله صفا**، سال ۶، شماره ۲۲-۲۱، صص ۲۷-۲۲.
۲۷. قبادیان، وحید (۱۳۸۰)، **ساختار و مصالح ابنیه سنتی ایران**، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.
۲۸. قبادیان، وحید (۱۳۸۷) **بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران**، چاپ پنجم، دانشگاه تهران، تهران.
۲۹. قرب، فریدون (۱۳۷۴)، «معیار تهران در دوره قاجاریه»، **مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران**، جلد دوم، تهران.
۳۰. کسمائی، مرتضی (۱۳۸۵)، **اقلیم و معماری**، نشر خاک، اصفهان.
۳۱. محمدمرادی، اصغر و امیرکبیریان، آس‌سا (۱۳۸۱)، **معرفی تعدادی ابنیه سنتی معماری ایران و تحلیل بر ویژگی‌های فضایی آن‌ها**، چاپ اول، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
۳۲. معماریان، غلامحسین (۱۳۸۰)، **آشنایی با معماری مسکونی ایران**، دانشگاه علم و صنعت، تهران.
۳۳. معماریان، غلامحسین (۱۳۹۴) **معماری ایرانی (نیارش)**، تدوین هادی صفایی‌پور، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات نغمه دانش، تهران.
۳۴. واتسون، دونالد و لیز، کنت (۱۳۸۸) **طراحی اقلیمی**، ترجمه وحید قبادیان، محمد فیض مهدی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۳۵. ولی‌بیگ، نیما و مهدی‌زاده سراج، فاطمه و تهرانی، فرهاد (۱۳۹۱)، «ویژگی‌های هندسی و ریاضی در ساختار چفد پنج او هفت تند در پوشش تاق‌آهنگ ایرانی»، **نشریه مرمت آثار و بافت‌های تاریخی**، شماره ۳، صص ۵۱-۳۹.
۳۶. ولی‌زاده، رضا و سلمان روغنی، مسعود و خضری، مجتبی (۱۳۹۰) **فرهنگ آبادی‌های استان یزد، فرهنگ آبادی‌های شهرستان طبرس**، مرکز آمار ایران، یزد.
37. Basiago, A. (1999). "Economic social and environmental sustainability in development theory and urban planning practice". *The Environmentalist*, 2, pp: 145-161.
38. www.irandeserts.ir/k(2016/12/06)10:15 Am.
39. www.googleEarth.com (access date: 08/10/2016)

بازشناسی چارچوب نظری رویکرد حفاظتی منظر شهری تاریخی*

پوپک پورهادر^۱، سمیه فدائی نژاد بهرامجردی^۲ (نویسنده مسئول)

^۱ کارشناس ارشد مرمت شهری، دانشکده معماری، دانشگاه تهران
^۲ استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۰۴

چکیده

سرعت توسعه در شهرهای تاریخی و افزایش پیچیدگی کارکردهای شهری در دهه‌های اخیر سبب ایجاد تغییرات بسیار در محدوده تاریخی شهرها و رویارویی جریان‌های حفاظت و توسعه شده است. رویکرد «منظر شهری تاریخی» به منای رویکردی متأخر در حوزه حفاظت شهری با هدف تحقق حفاظت و توسعه یکپارچه و توانمند و ارتقای سطح کیفی بهره‌وری فضاهای شهری مطرح شده است. این رویکرد ارزش‌محور هم‌چون نثری است که از درون آن به شهر کنونی تکریم می‌شود و بر نقش انسان و جامعه در پدید آوردن کالبد شهر تأکید دارد. مفهوم منظر شهری تاریخی بیش‌تر رویکردی برای طراحی شهری و مدیریت آن بر اساس درک بافت طبیعی، فیزیکی و اجتماعی شهر است. هدف مقاله، بازشناسی چارچوب نظری منعطف در جهت حفاظت شهری بر مبنای رویکرد منظر شهری تاریخی است. برای این منظور از یک سو، اسناد، کنوانسیون‌ها و بیانیه‌های بین‌المللی مرتبط و از سوی دیگر، نظریه‌های صاحب‌نظران و متون مرتبط مورد باخوانی و واکاوی قرار گرفته‌اند و با بهره‌گیری از روش تحقیق کیفی و راهبرد استدلال منطقی و تکنیک تحلیل محتوا به بازشناخت مفاهیم پایه‌ای رویکرد حفاظتی منظر شهری تاریخی شامل اهمیت معنایی یا به عبارتی ارزش‌های ملموس و ناملموس، اصالت، یکپارچگی و مؤلفه‌های تعیین‌کننده آن‌ها پرداخته شده است. در رهیافت منظر شهری تاریخی گام نخست به دست آوردن شناختی جامع از ابعاد مختلف شهر و ارزش‌های ملموس و ناملموسی است که در طول زمان آن را شکل داده‌اند. این رهیافت با حفاظت از ارزش‌ها و اصالت و یکپارچگی شهر در کالبد کنونی آن، از توسعه بی‌رویه جلوگیری کرده و با تأکید بر نقش جامعه در زندگی شهری پیوندی نویی بین گذشته و حال شهر ایجاد می‌کند. حفاظت شهری بر پایه رویکرد منظر شهری تاریخی، پاسخ‌گوی تداوم و پویایی شهر به صورت توانمند است. این امر با در نظر گرفتن لایه‌های تبیین‌کننده اهمیت معنایی شهر تاریخی و احترام و توجه به زمینه شهری، حفاظت را به محرکه‌ای برای توسعه مؤثرتر تبدیل می‌کند که موجب تغییرات پایدار در شهر می‌شود. با توجه به مشکلات کنونی در مدیریت شهرهای تاریخی ایران از جمله تقابل حفاظت و توسعه در سطوح مختلف کلان تا خرد توجه به این رویکرد در حفاظت و مدیریت شهرهای تاریخی ایران اهمیت به‌سزایی دارد.

واژگان کلیدی: منظر شهری تاریخی، حفاظت و توسعه یکپارچه، اهمیت معنایی، اصالت، یکپارچگی.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد پوپک پورهادر با عنوان «بازشناسی چارچوب حفاظت از منظر شهری تاریخی: نمونه موردی شهر لنگرود» است که در دانشکده معماری دانشگاه تهران به انجام رسیده است.

* E-Mail: sarafadaei@ut.ac.ir

تحولات شهری امروز به آن توجه کافی نمی‌شود. ارائه چارچوبی برای هدایت ذات پویای شهر در مسیری که به حفظ و تداوم منظر شهری تاریخی کمک کند، هدف این پژوهش است.

روش پژوهش

با توجه به ماهیت و هدف مقاله که بازنشاسی چارچوب نظری رویکرد حفاظتی منظر شهری تاریخی است، پژوهش، از نوع بنیادی- کاربردی و رویکرد آن کیفی است. راهبرد مورد استفاده در این پژوهش «استدلال منطقی» به منظور تدوین چارچوب نظری است که در تحلیل داده‌ها از آن استفاده شده است. راهبرد استدلال منطقی فراگیرتر از سایر راهبردهای تحقیق می‌باشد، زیرا هر چارچوب مفهومی نیازمند یکپارچگی منطقی است. هم‌چنین راهبرد استدلال منطقی قادر به تدوین ادبیات نظری گسترده در قالب یک سامانه یا چارچوب مفهومی می‌باشد (گروت و وانگ، ۱۳۸۶: ۳۳۴). به منظور پاسخ‌گویی به سؤال پژوهش که چگونه می‌توان چارچوب نظری منعطف برای حفاظت شهری بر مبنای رویکرد منظر شهری تاریخی ارائه کرد، اسناد، نظریه‌ها و متون مرتبط با موضوع مورد بازخوانی و واکاوی قرار گرفت. در جمع‌آوری اطلاعات اولیه از روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسنادی استفاده شده و پس از دسته‌بندی اطلاعات به تحلیل محتوا پرداخته شده است. در تحلیل محتوی، ابزار پژوهش شامل اسناد نوشتاری، گفتاری یا تصویری است که بعد از گردآوری، تبدیل به زیر سند و سپس به صورت جداگانه تحلیل می‌شوند (حیدری، ۱۳۹۳: ۲۴۰). تحلیل اسناد در پژوهش حاضر با توجه به ماهیت داده‌ها به صورت کیفی است.

پیشینه پژوهش: منظر شهری تاریخی رویکردی متاخر در راستای حفاظت و توسعه یکپارچه

شهر ذاتی پویا دارد و به طور مداوم تحول می‌یابد. توسعه و تغییرات امروزه شهرها کمتر نگاهی به گذشته و ارزش آن دارد. این تحولات با از بین بردن خاطره‌های جمعی، آسیب‌پذیری برای هویت شهر به شمار می‌آیند. این وضعیت موجب توجه بیش‌تر به موضوع منظر شهری تاریخی در سال‌های اخیر شده است؛ از آن جمله می‌توان به یادداشت وین^۳ در سال ۲۰۰۵ میلادی و توصیه‌نامه یونسکو در مورد منظر شهری تاریخی^۴ در سال ۲۰۱۱ میلادی اشاره کرد.

منظر شهری تاریخی از دیدگاه اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی

سازمان میراث جهانی یونسکو در سال ۲۰۰۵ م. «یادداشت وین» را با موضوع مدیریت منظر شهری تاریخی به منظور سازگاری و یکپارچه‌سازی توسعه‌های جدید و حفاظت از ارزش‌های میراث شهری به تصویب رساند (تقوایی و مطهری‌راد، ۱۳۹۳: ۱۴). بر

مفاهیم حفاظتی در گذر زمان از نگهداری صرف تک‌بناهای تاریخی به مفهوم حفاظت از مجموعه‌ها، بافت‌ها، شهرهای تاریخی، منظر شهری تاریخی^۱ و منظر فرهنگی تکامل یافته است. در سال‌های اخیر، رویکرد متأخر حفاظت در قالب منظر شهری تاریخی و مدیریت تغییر، و توجه به مفاهیم اصالت، یکپارچگی، ارزش‌های ناملموس و اهمیت معنایی^۲، در ادامه سیر تکامل مفاهیم حفاظت شهری مورد توجه قرار گرفته است. رویکرد «منظر شهری تاریخی» در پی ضرورت شکل‌گیری چارچوبی برای حفاظت و مدیریت شهرهای تاریخی و در جهت به حداقل رساندن تقابل میان رویکردهای حفاظت و توسعه مطرح شده است.

«منظر» یادگار زنده از نسل‌های گذشته و بیانگر هویت و تنوع فرهنگی جوامع است که به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از میراث فرهنگی می‌تواند ارتباط ملموس و ناملموس با نسل‌های آینده برقرار سازد. این مفهوم در رویکردی جامعه‌محور، تبدیل به الگویی جدید برای توسعه هماهنگ شده است و روشی را ارائه می‌دهد که می‌تواند فرایندهای اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی را یکپارچه سازد (ICOMOS, 2014). «منظر» مفهومی در حال تغییر است که اقوام مختلف می‌توانند بر حسب شرایط فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و اقلیمی متفاوت مداخلات متنوعی در آن داشته باشند (خاک‌زند و تیموری گرده، ۱۳۹۴: ۵۸). «منظر شهری تاریخی»، منطقه‌ای شهری است که از لایه‌های تاریخی متشکل از ارزش‌های فرهنگی و طبیعی ساخته شده است. این مفهوم فراتر از مفهوم مرکز تاریخی یا مجموعه است و بستر گسترده‌تر شهری و محیط جغرافیایی پیرامون آن را دربر می‌گیرد. این بستر گسترده، توپوگرافی، ژئومورفولوژی، هیدرولوژی، زیرساخت‌ها، الگوهای استفاده از زمین و سازمان فضایی، ادراک و ارتباطات بصری، ویژگی‌ها و عناصر طبیعی و مصنوعی، چه تاریخی و چه معاصر، و هم‌چنین اقدام‌ها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و ابعاد ناملموس میراث را شامل می‌شود (Unesco, 2011).

«منظر شهری تاریخی» رویکردی جامع و یکپارچه برای شناسایی، ارزیابی، حفاظت و مدیریت منظرهای شهری تاریخی در چارچوب کلی توسعه پایدار است (Unesco, 2011, Art.10). هدف این رویکرد تقویت جوامع برای بالا بردن ظرفیت‌های توسعه از طریق استفاده هوشمندانه از منابع میراثی در دسترس است به گونه‌ای که سود آن عاید نسل‌های آینده شود (Van Oers and Haraguchi, 2013: 6-17). تقابل رویکردهای حفاظت و توسعه و تلاش به منظور دست‌یابی به تعادل میان آن‌ها اهمیت رویکرد منظر شهری تاریخی در مدیریت شهرهای تاریخی را آشکار می‌سازد. در کشور ما با وجود تعداد زیاد شهرهایی با بافت تاریخی با ارزش، کمتر به این موضوع پرداخته شده است و منظر شهری تاریخی موضوعی است که در مدیریت شهرهای ما به‌خصوص در

اساس این سند، برای داشتن شهری متعادل و سرزنده از یک سو پاسخ به پویایی توسعه به منظور رشد اجتماعی- اقتصادی شهر و از طرف دیگر به طور همزمان احترام به منظر شهری و زمینه و بستر آن و حفاظت از گذشته شهر ضروری است (Unesco, 2005). توجه به بُعد ملموس و ناملموس شهر و اهمیت حفظ اصالت و یکپارچگی آن از منشور واشنگتن در سال ۱۹۸۷ میلادی تا امروز همواره مورد توجه بوده است. در توصیه نامه منظر شهری تاریخی (۲۰۱۱ م.) حفظ میراث شهری و حفاظت از منابع، راهبردی برای رسیدن به تعادل میان توسعه شهری و کیفیت زندگی پایدار معرفی شده است. در این سند «میراث شهری» شامل مؤلفه های

ملموس و ناملموس به مثابه منبعی اصلی در ارتقای سرزندگی مناطق شهری و ترویج توسعه اقتصادی و انسجام اجتماعی در محیط جهانی در حال تغییر به شمار می آید» (Unesco, 2011, Art.3). هم چنان که در بیانیه فلورانس در سال ۲۰۱۴ میلادی به اهمیت بُعد ملموس و ناملموس منظر در ایجاد توسعه پایدار پرداخته شده و اهمیت منظر در ایجاد یکپارچگی میان فرایندهای اجتماعی اقتصادی و محیط زیستی مورد توجه قرار گرفته است. در جدول شماره ۱ نکات مرتبط با منظر شهری تاریخی و مؤلفه های تشکیل دهنده آن در اسناد و کنوانسیون های بین المللی به ترتیب سال انتشار آورده شده است.

جدول شماره ۱: بررسی اسناد و کنوانسیون های بین المللی پیرامون مؤلفه های مرتبط با منظر شهری تاریخی؛ ماخذ: نگارندگان مبتنی بر بازخوانی و واکاوی اسناد و کنوانسیون های بین المللی

عنوان سند (نهاد مسئول)	سال	نکات اصلی اسناد بین المللی پیرامون مؤلفه های مرتبط با منظر شهری تاریخی
ممنوعه تاریخی و یکپارچگی (ایکوموس)	۱۹۸۷	ارتباط کیفیت شهر و مناطق شهری با عناصر مادی و معنوی بیان کننده ی ویژگی تاریخی آن. تحت تاثیر قرار گرفتن اصالت و یکپارچگی شهر با هر گونه تهدید کیفیت و ویژگی های مناطق شهری.
سند نارا (ایکوموس)	۱۹۹۴	اهمیت اصالت به عنوان عامل مهم کنترل و تعیین صلاحیت ارزش ها. اهمیت درک ارزش ها و معنای آن ها، به عنوان شرط لازم برای ارزیابی اصالت مکان. مفهوم نسبی اصالت با توجه به تفاوت داوری و ماهیت ویژه ارزش ها درون هر فرهنگ، درستی و اعتبار منابع اطلاعاتی، زمینه-ی فرهنگی و تکامل آن در طول زمان.
بیانیه سن آنتونیو (ایکوموس)	۱۹۹۶	اهمیت خصوصیات و عناصر ناملموس در کنار عناصر و خصوصیات ملموس در مفهوم اصالت شهرها. ضرورت حفاظت از عناصر ناملموس به جهت معنا بخشیدن به عناصر ملموس و کامل کردن شناخت اهمیت معنایی مکان.
بیانیه سن آنتونیو (ایکوموس)	۱۹۹۶	در نظر گرفتن تکامل به عنوان بخش ذاتی میراث جوامع و سازگاری دائم با نیازهای بشر و حفظ موثر زنجیره میان زندگی گذشته، حال و آینده در منظرها و شهرهای تاریخی به جهت تداوم استفاده فعال و پویایی فرهنگی آن ها.
ممنوعه نورا (ایکوموس)	۱۹۹۹	در نظر گرفتن حفاظت از یک مکان به معنای حفاظت از تمام وجوه اهمیت معنایی فرهنگی و طبیعی آن است. اهمیت معنایی فرهنگی و همچنین درک آن می تواند در نتیجه ی اطلاعات جدید تعبیر یابد. تعیین حد قابل قبول تغییر تا جایی که به اهمیت معنایی فرهنگی لطمه وارد نشود و تمامیت آن محفوظ بماند ضروری است.
بیانیه شان (ایکوموس)	۲۰۰۵	شکل گرفتن اهمیت معنایی منظرهای شهری از ارزش های شناخته شده ی اجتماعی و معنوی، تاریخی، هنری، زیبایی شناختی، طبیعی، علمی و فرهنگی شهر. تاکید بر مدیریت تغییرات با هدف حفظ اهمیت معنایی و ویژگی متمایز مکان. تعریف شاخص های کمی و کیفی برای ارزیابی و پایش تغییرات به گونه ای که جنبه های ملموس و ناملموس را پوشش دهند.
اهمیت بستر در منظر شهری تاریخی	۲۰۰۵	شکل گیری بستر در تعامل با محیط طبیعی و اهمیت نقش آن در ایجاد خصوصیت متمایز مکان. بدست آمدن اهمیت و مشخصه ی مناطق تاریخی از روابط پرمعنا با زمینه و بستر فرهنگی، کالبدی، بصری و معنوی خود. نقش بستر در ایجاد و شکل دهی میراث فرهنگی ناملموس و همچنین زمینه ی فعلی و پویای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهر.
اهمیت اصالت و یکپارچگی در رویکرد منظر شهری تاریخی	۲۰۰۵	اهمیت سیاست برنامه ریزی و مدیریت شهری برای شهرهای تاریخی با توجه به فرآیند اصالت و یکپارچگی شهر.
حفاظت از اهمیت معنایی منظر شهری تاریخی	۲۰۰۵	شکل گیری اهمیت معنایی منظر شهری تاریخی با تکامل تدریجی در طول زمان.
اهمیت مدیریت تغییر در رویکرد منظر شهری تاریخی	۲۰۰۵	ضرورت مدیریت تغییر و پایش مداوم با توجه به توسعه و تغییرات شهر. به رسمیت شناختن مدیریت تغییر از طریق روش های علمی، قوانین و مقررات و ابزارها در یک برنامه مدیریتی. مدیریت تغییرات منظر شهری تاریخی با در نظر گرفتن دانش دقیق و جامع در مورد سرزمین و عناصر با اهمیت معنایی میراثی.

عنوان سند (نهاد مسئول)	سال	نکات اصلی اسناد بین‌المللی پیرامون مولفه‌های مرتبط با منظر شهری تاریخی
اصول حفاظت (میراث انگلیس)	۷۰۰۸	اهمیت حفظ ارزش‌ها
		تعریف ارزش به عنوان نمودی از ارزشمندی و اهمیت که توسط مردم به کیفیت مکان مرتبط شده است.
		حفظ اهمیت معنایی مکان
		تعریف اهمیت معنایی مکان به عنوان مجموعه‌ای از ارزش‌های میراث فرهنگی و طبیعی وابسته به مکان. تاکید بر در نظر گرفتن اهمیت معنایی مکان تاریخی به عنوان یکی از اصول ضروری حفاظت.
توضیح نامه منظر شهری تاریخی* (یونسکو)	۱۱۰۱	اصالت مکان عامل بازتاب‌دهنده ارزش‌های مکان
		در نظر گرفتن اصالت به عنوان ویژگی‌هایی که به طور راستین بازتاب‌دهنده و متضمن ارزش‌های میراث فرهنگی یک مکان هستند.
		اهمیت مدیریت تغییر
		تعریف حفاظت به عنوان فرآیند مدیریت تغییر، در بستر یک مکان دارای اهمیت معنایی به گونه‌ای که بهترین حفاظت از ارزش‌های میراثی مکان همراه با شناخت فرصت‌ها برای آشکار کردن و تقویت این ارزش‌ها برای نسل‌های حال و آینده ارائه دهد.
اصول واتا (اینگوس)	۱۱۰۲	مدیریت تغییر و ایجاد توسعه پایدار از طریق رویکرد منظر شهری تاریخی
		اهمیت منظر شهری تاریخی به عنوان رویکردی جامع و یکپارچه برای شناسایی، ارزیابی، حفاظت و مدیریت منظرهای شهری تاریخی در چارچوب کلی توسعه پایدار و در راستای ایجاد تعادل میان توسعه شهری و کیفیت زندگی پایدار.
		اهمیت رویکرد منظر شهری تاریخی در مدیریت و کاهش تقابل میان حفاظت و توسعه از طریق مدیریت تغییر.
		اهمیت منظر شهری تاریخی به عنوان رویکردی جامع و یکپارچه برای شناسایی، ارزیابی، حفاظت و مدیریت منظرهای شهری تاریخی در چارچوب کلی توسعه پایدار و در راستای ایجاد تعادل میان توسعه شهری و کیفیت زندگی پایدار.
اصول واتا (اینگوس)	۱۱۰۱	اهمیت بستر در منظر شهری تاریخی
		توجه به بستر گسترده تر شهری و محیط جغرافیایی پیرامون آن در مفهوم منظر شهری تاریخی.
		اهمیت بعد ملموس و ناملموس در منظر شهری تاریخی
		تاکید بر مؤلفه‌های ملموس و ناملموس میراث شهری به عنوان منبعی کلیدی در ارتقاء سرزندگی مناطق شهری و ترویج توسعه اقتصادی و انسجام اجتماعی در یک محیط جهانی در حال تغییر.
اصول واتا (اینگوس)	۱۱۰۲	اهمیت توجه به بعد ملموس و ناملموس شهر برای ایجاد توسعه پایدار
		احترام به ارزش‌های فرهنگی ملموس و ناملموس شهرها و توجه به کیفیت زندگی مردم محلی و بهبود کیفیت محیط زیست در مداخلات صورت گرفته در شهرها و مناطق شهری تاریخی.
		توجه به بعد اقتصادی و اجتماعی در حفاظت از شهر تاریخی
		اهمیت تداوم فعالیت‌های سنتی و حفاظت از جمعیت بومی در راستای حفاظت از شهرهای تاریخی.
بنابراین قانون (اینگوس)	۱۱۰۴	اهمیت بستر شهر
		تعریف بستر به عنوان زمینه طبیعی یا مصنوعی دربرگیرنده میراث شهری تاریخی که جنبه‌های فیزیکی و بصری و هرچه که ارتباط مستقیم اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با این مناطق داشته باشد را شامل می‌شود. ارتباط بستر شهر با ایستا یا پویا بودن درک، تجربه و لذت از مناطق میراث شهری تاریخی.
		تاکید بر پویایی شهر و اهمیت مدیریت تغییر
		بازشناخت ماهیت تغییرات و مدیریت مناسب آن‌ها با توجه به تغییرات مداوم شهر. تاکید بر مدیریت تغییر به منظور حفظ هویت و ویژگی‌های شهر و حفظ اصالت و ارزش‌های میراثی. ضرورت پایش مداوم تغییرات و توجه به اثر آن بر یکپارچگی ارزش‌های شهر تاریخی. اهمیت مدیریت تغییر در فراهم آوردن فرصتی مناسب برای بهبود کیفیت شهرها و مناطق شهری تاریخی.
اهمیت بعد ملموس و ناملموس در ایجاد توسعه پایدار	۱۱۰۴	حفاظت شهرهای تاریخی با مدیریت تغییرات و ایجاد پایش منظم
		تعریف حفاظت شهرهای تاریخی در حفظ تعادل فضایی، محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی. تاکید بر ارائه طرح حفاظت، مرمت و برنامه‌های مدیریتی بر اساس طرح شهری برای کل شهر و همراه با پایش‌های منظم که شامل تجزیه و تحلیل ارزش‌های شهر باشد.

* اسنادی که به طور مستقیم به موضوع منظر شهری تاریخی پرداخته‌اند با علامت ستاره مشخص شده است.

منظر شهری تاریخی از دیدگاه صاحب نظران

چهره‌ای نا آشنا از شهر مواجه سازد. «اصطلاح منظر شهری تاریخی می‌تواند به عنوان تشخیص کیفیت‌های خاص در قلمروهای شهر تاریخی یا محوطه‌ها، در جایی که تغییرات در بازه ایستا تا پویا رخ می‌دهد، شناخته شود» (Ibid: 16). با این تعریف حفاظت شهری هدفی پویا است که بیانگر ناکافی یا حتی مخرب بودن رویکرد حفاظت ایستایی است که از قرن گذشته به ارث رسیده است (Van

«منظر شهری قلمروی انسان‌ساختی است که توسط فرایندهای در جریان، هویت می‌یابد» (Jokilehto, 2010: 61). «منظر شهری تاریخی» را می‌توان به مثابه گردآورنده خاطره‌های جمعی هر جامعه در طول تاریخ در نظر گرفت که تغییراتی گسترده در آن، می‌تواند تداوم بین نسل‌ها را مخدوش ساخته و ساکنان را روز به روز با

(Oers and Haraguchi, 2013). بر اساس نظر پاتریشیا ادونل^۵ میراث شهری در هر شبکه پیچیده و پویا به صورت مجموعه‌ای یکپارچه و وابسته به ارزش‌ها، که شامل بیان‌های ملموس مردم و مکان، و ارزش‌های ناملموس استقرار یافته در آن مکان‌ها است رشد و نمو می‌یابد (O'Donnell and Turner, 2012).

بنابراین شهرهای تاریخی به یک سیاست برنامه‌ریزی و مدیریت شهری نیاز دارند که بر اساس آن حفاظت و توسعه به صورت یکپارچه و توأمان در نظر گرفته شوند. برای این منظور رویکرد منظر شهری تاریخی در جهت ایجاد تعادل میان حفاظت و توسعه از طریق حفظ ارزش‌های ملموس و ناملموس شهر عمل می‌کند. یوکا یوکیهتسو معتقد است که ارزش می‌تواند به عنوان تداومی اجتماعی کیفیت هر چیزی درک شود (طالبیان و فلاحت، ۱۳۸۸: ۱۳ و ۱۴). ارزش‌های شهر را می‌توان در دو دسته جای داد، ارزش‌های ملموس و ارزش‌های ناملموس. این ارزش‌ها در طول زمان دچار استحاله و دگرگونی گشته و به نوعی قابل تغییر هستند. ارزش‌ها تا زمانی پایدار هستند که جامعه به عنوان ناظر، آن میراث را به نسل‌های بعدی خود انتقال دهد

(O'Donnell and Turner, 2012:5). محمد منصور فلامکی به این موضوع اشاره کرده و بیان داشته است که دگرگونی مداوم انسان و محیط، نیاز به فهم زمان دارد. زمان متعلق به آدمیان است و آن‌ها ارزش‌ها را تعیین می‌کنند. بنابراین، ارزش‌ها تا زمانی که اعتقاد به آنها وجود داشته باشد زنده خواهند بود و اگر اعتقاد نباشد ارزش‌ها هم وجود ندارند (طالبیان و فلاحت، ۱۳۸۸: ۳۸-۳۷).

رویکرد منظر شهری تاریخی موجب تقویت و سامان‌دهی ارزش‌های سنتی میراث تاریخی و ایجاد و به‌کارگیری چارچوبی گسترده‌تر به منظور حفظ ارزش‌های میراث شهری دوران معاصر و آینده می‌شود. این موضوع ویژگی و روح شهرهای میراثی را به گونه‌ای که تکامل می‌یابند تجسّم می‌بخشد (O'Donnell and Turner, 2012: 3,4). بنابراین رویکرد منظر شهری تاریخی، به‌واسطه حفظ و صیانت از ارزش‌های ملموس و ناملموس میراث شهری که تبیین‌کننده اهمیت معنایی مکان میراثی هستند درصدد متعادل‌سازی رویکردهای حفاظت و توسعه است. در جدول شماره ۲ نکات مهم نظریه‌های مرتبط با منظر شهری تاریخی و مؤلفه‌های مؤثر در آن آمده که در ادامه بیش‌تر به آن‌ها پرداخته شده است.

جدول شماره ۲: بررسی دیدگاه‌های صاحب نظران پیرامون مؤلفه‌های مرتبط با منظر شهری تاریخی؛ ماخذ: نگارندگان مبتنی بر بازخوانی و واکاوی نظریه‌های صاحب نظران مرتبط

نام نظریه پرداز	سال	نکات اصلی نظریه‌ها پیرامون مؤلفه‌های مرتبط با منظر شهری تاریخی
اندروز و باگی	۷۰۰۶	اهمیت حفظ تداوم در منظر فرهنگی
		تأکید بر حفاظت از ذات حقیقی مکان با توجه به حفظ تداوم منظرهای فرهنگی.
		درک تداوم در مردم، اجتماعات و منظرهای فرهنگی که اصالت آن‌ها تغییر را تصدیق می‌کند.
مکمل	۷۰۰۶	اهمیت جامعه و فرهنگ در سنجش اصالت
		مرتبط بودن اصالت به مردم و فرهنگ و سنت‌های آن‌ها بیش از ارتباط آن به مکان. توجه به بستر فرهنگی، عقاید و مفاهیم مرتبط با آن در تشخیص و سنجش اصالت.
		اهمیت سنجش اصالت به عنوان عامل تعیین‌کننده‌ی اصلی در ارزیابی محیط‌های انسان‌ساخت. تعریف حفاظت از میراث پویا در بازشناسی اصالت فرآیندهایی که به حفظ تداوم ویژگی‌های منظر و ارزش‌های ناملموس مرتبط با آن منجر شود. توجه به رویکردهای نوآورانه در حفاظت از میراثی پویا که به حفظ روابط مردم با مکان، در حال و آینده می‌انجامد.
راسل	۷۰۰۶	اهمیت تداوم به عنوان نمودی از اصالت. اهمیت دستیابی به تعادلی ظریف، بین تداوم و تغییر در حفاظت از اصالت و یکپارچگی منظر فرهنگی.
		تأکید بر اهمیت معنایی
		اهمیت معنایی به عنوان سنگ محک برای شناسایی ویژگی‌های کلیدی منظر است که باید در گذر زمان به واسطه استراتژی‌های مدیریتی حفظ و پایا گردد.
مدیریت و حفاظت از میراث پویا	۷۰۰۶	اهمیت پایش در طول زمان با توجه به ذات پویای شهرها و منظرها. تأکید بر نقش مهم آموزش اجتماع مینا و برنامه‌های ایجاد تعهد در مراقبت از میراث شهر و مدیریت پایدار آن. ایجاد تعهد در نسل بعد و حس تعلق و آگاهی به منظور نظارت بر حفظ و تداوم میراث در یک سیستم پویا.
		اهمیت مفهوم اصالت در قلمرو منظر فرهنگی با تأکید بر نقش توأمان مؤلفه‌های اصالت و یکپارچگی. توجه به معیار یکپارچگی بصری، عملکردی و ساختاری در کنار معیار اصالت به منظور حفاظت و ارزیابی میراث کلان‌مقیاس به ویژه منظرهای فرهنگی.

نام نظریه پرداز	سال	تکات اصلی نظریه‌ها پیرامون مولفه‌های مرتبط با منظر شهری تاریخی
دیگران زنجبی	۲۰۰۴	در نظر گرفتن شهرها به‌عنوان شواهدی از اقدامات خلاق در طول زمان. و تاکید بر تغییر و تحول آن‌ها در طول زمان. اهمیت تداوم فرهنگ‌ها و سنت‌های زنده در گذر زمان و تغییر آن‌ها در عین تداوم.
		شکل یافتن شهرها از لایه‌های ملموس و لایه‌های خاطره‌ای و ناملموس. اصالت شهر دارای دو بعد مادی و غیرمادی است.
بیکلپیو	۲۰۱۰	منظر شهری توسط فرآیندهایی طولانی و در جریان در پاسخ به تغییرات در طول زمان ایجاد شده است. تشخیص کیفیت‌های خاص در قلمرو شهر تاریخی در جایی که تغییرات در بازه‌ی ایستا تا پویا رخ می‌دهد، منظر شهری تاریخی را شکل می‌دهد.
		اهمیت بستر در منظر شهری تاریخی تاکید بر تاثیر بستر بر معانی، مفاهیم و ارزش‌های شهر و ارتباط عملکردی و بصری ناحیه‌ی شهری با بستر خود.
		یکپارچگی در منظر شهری تاریخی مرتبط دانستن یکپارچگی با کیفیت‌هایی که در یک دارایی خاص، ارزش شده‌اند. دسته‌بندی یکپارچگی در سه مورد یکپارچگی عملکردی- اجتماعی، یکپارچگی ساختاری- تاریخی و یکپارچگی بصری - زیبایی شناختی.
		اهمیت اصالت و یکپارچگی در مدیریت منظر شهری تاریخی تاکید بر ایجاد سیستمی مدیریتی بر مبنای حفظ ارزش‌ها با توجه به میزان اصالت و یکپارچگی.
ادول و تونز	۲۰۰۸	اهمیت ارزش‌های ملموس و ناملموس در منظر شهری تاریخی میراث شهری مجموعه‌ای یکپارچه و وابسته به ارزش‌ها است، که شامل بیان‌های ملموس مردم و مکان، و ارزش‌های ناملموس استقرار یافته در آن مکان‌ها است. اهمیت حفظ منظر شهری تاریخی در تجسم ویژگی و روح شهرهای میراثی به گونه‌ای که تکامل می‌یابند، است.
		اهمیت تغییر و تداوم در منظر شهری تاریخی و حفظ یکپارچگی آن یکپارچگی منظر شهری به‌عنوان جایگاهی است که طبق آن تعاملات تاریخی انسان و طبیعت که منظر فرهنگی را به وجود آورده امروز باقی مانده است. میراث شهری در یک شبکه‌ی پیچیده و پویا رشد و نمو می‌یابد بنابراین ارزش‌ها در طول زمان تغییر می‌یابند. این تغییر باید در هماهنگی با گذشته و نه در تضاد با آن باشد. هدف اصلی رویکرد منظر شهری تاریخی در مدیریت تغییر و حفظ تداوم شهری به‌منظور صیانت از ارزش‌های ملموس و ناملموس شهر است.
		نقش جامعه در حفظ ارزش‌ها ارزش‌ها تا زمانی پایدار هستند که جامعه به‌عنوان یک ناظر، آن میراث را به نسل‌های بعدی خود انتقال دهد. ضرورت پذیرش پویایی شهر و همچنین اعمال یک سیستم نظارتی مبتنی بر ارزش‌ها برای متعادل ساختن تغییرات شهر و حفاظت از گذشته‌ی آن. اهمیت رویکرد منظر شهری تاریخی به جهت تقویت و ساماندهی ارزش‌های سنتی میراث تاریخی و ایجاد و به‌کارگیری چارچوبی گسترده‌تر به‌منظور حفظ ارزش‌های میراث شهری دوران معاصر و آینده.
ون اوئرز	۲۰۰۸	اهمیت تغییر و تداوم و نفی جهانی‌سازی با تاکید بر حفظ یکپارچگی منظر شهری تاریخی تعریف حفاظت شهری به‌عنوان هدفی پویا و تاکید بر خطر جهانی‌سازی برای یکپارچگی شهر با ایجاد تفاوت‌های یکسان در همه‌جا.
		جامعه محوری رویکرد منظر شهری تاریخی تعریف هدف رویکرد منظر شهری تاریخی در تقویت جوامع برای بالابردن ظرفیت‌های توسعه از طریق استفاده هوشمند از منابع به گونه‌ای که سود آن عاید نسل آینده شود.
هنگات	۲۰۰۸	تغییر و تداوم در منظر شهری تاریخی تاکید بر تغییر و جابه‌جایی شهر به‌طور دائم و ترکیب و منطبق شدن دوباره آن.
رودرز	۲۰۱۰	تغییر و تداوم در منظر شهری تاریخی تاکید بر تغییر و پویایی شهر با توجه به نقش طبیعت و بشر در این فرآیند تبدیل پیوسته. تعریف حفاظت به‌عنوان فرمی از تبدیل با هدف حفظ اهمیت معنایی فرهنگی.

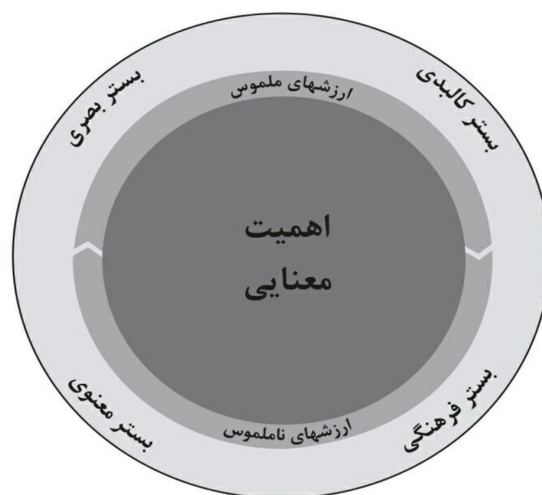
با توجه به بررسی اسناد و کنوانسیون‌ها و نظریه‌های معاصر در زمینه منظر شهری تاریخی، حفظ اهمیت معنایی و ارزش‌های ملموس و ناملموس شهر و همچنین حفظ تداوم اصالت و یکپارچگی آن از طریق مدیریت تغییرات شهر به عنوان مفاهیم پایه در رویکرد منظر شهری تاریخی مورد توجه قرار گرفته است.

مفاهیم بنیادین در حفاظت منظر شهری تاریخی

اهمیت معنایی مکان^۲

«میراث شهری برای بشریت یک دارایی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی محسوب می‌شود که به واسطه لایه‌بندی‌های تاریخی از ارزش‌ها تعریف شده است. ارزش‌هایی که توسط فرهنگ‌های متوالی و موجود، و انباشت سنت‌ها و تجارب تولید شده‌اند و تنوعشان به رسمیت شناخته شده است» (Unesco, 2011, An-nex). بر اساس تعریف ارائه شده توسط میراث انگلستان^۸ «ارزش نمودی از ارزش مندی و اهمیت است که توسط مردم به کیفیت مکان‌ها مرتبط شده است» (English Heritage, 2008:72). ارزش مفهومی نسبی است که می‌تواند بر حسب زمان، مکان و در بسترهای فرهنگی متفاوت به صورت متنوع تبیین و تفسیر گردد (حناچی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۸). درک و شناخت ارزش‌ها مسیری را می‌گستراند که در طی آن اهمیت معنایی میراث تعریف می‌شود (Ibid, 2008). ساختارها، محوطه‌ها و مناطق میراثی در مقیاس‌های گوناگون، از تک بنا تا منظرهای شهری و طبیعی، اهمیت معنایی و ویژگی متمایز خود را از ارزش‌های شناخته‌شده اجتماعی و معنوی، تاریخی، هنری، زیبایی‌شناختی، طبیعی، علمی یا دیگر ارزش‌های فرهنگی خود کسب می‌کنند (ICOMOS, 2005). به بیان دیگر، اهمیت معنایی مکان، مجموعه‌ای از ارزش‌های میراث فرهنگی و طبیعی وابسته به مکان است (English Heritage, 2008: 40). به علاوه، در تعریفی دیگر از یونسکو، اهمیت معنایی فرهنگی در خود مکان، بافت، بستر، کاربری، پیوندهای تداعی‌گر، معنایی، مدارک، اماکن و اشیای مرتبط متجلی است (Unesco, 2009: 7). چگونگی این ارتباط، ویژگی خاص آن مکان را نشان می‌دهد. درک اهمیت معنایی مکان تاریخی، حیاتی و ضروری است و به عنوان یکی از اصول حفاظت شناخته می‌شود (English Heritage, 2008). منشور بورا^۹ حفاظت از مکان را در حفاظت از تمام وجوه اهمیت معنایی فرهنگی و طبیعی، بدون تأکید غیر قابل توجه بر هر یک از ارزش‌ها به بهای دیگر ارزش‌ها دانسته است (ICOMOS, 1999, Art.5). در سند اصول حفاظت^{۱۰} منتشر شده از سوی میراث انگلستان نیز «حفاظت به عنوان فرایند مدیریت تغییر، در بستر مکان دارای اهمیت معنایی، شناخته می‌شود. به گونه‌ای که بهترین حفاظت از ارزش‌های میراثی مکان را همراه با شناخت فرصت‌ها برای آشکار کردن و تقویت این ارزش‌ها برای نسل‌های حال و آینده ارائه دهد» (English Heritage, 2008: 22).

مفهوم «اهمیت معنایی» در شهر تاریخی که بر اساس ارزش‌های ملموس و ناملموس آن شکل می‌گیرد، در بستر و زمینه خاص آن شهر معنا می‌یابد (تصویر شماره ۱). بستر به معنای محیط بی‌واسطه و گسترش یافته (ICOMOS, 2005)، زمینه طبیعی یا مصنوعی دربرگیرنده میراث شهری تاریخی (ICOMOS, 2011) و محدوده اطراف مکان است که شامل حوزه بصری، وجوه طبیعی، مصنوعی و فعالیت‌های مرتبط با آن می‌شود (Unesco, 2009). بستر بخشی از مشخصه خاص و خصوصیت متمایز مکان را شکل می‌دهد (ICOMOS, 2005). بستر علاوه بر جنبه‌های فیزیکی و بصری هرچه را که ارتباط مستقیم اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با این مناطق داشته باشد، شامل می‌شود و ایستا یا پویا بودن درک، تجربه و لذت را از مناطق میراث شهری تاریخی تعیین می‌کند (ICOMOS, 2011). بر اساس تعریف یوکیلهتو ناحیه شهری ارتباط عملکردی و بصری با بستر خود دارد که روی معانی، مفاهیم و ارزش‌های آن تأثیر می‌گذارد (Jokilehto, 2010). مناطق تاریخی اهمیت و مشخصه خود را از روابط پرمعنا با زمینه و بستر فرهنگی، کالبدی، بصری و معنوی خود می‌گیرند. در حقیقت این تعامل با محیط طبیعی است که بستر را شکل می‌دهد. از جمله اعمال اجتماعی یا معنوی گذشته یا حال، رسوم، دانش سنتی، کاربری، فعالیت‌ها و دیگر اشکال جنبه‌های میراث فرهنگی ناملموس است که فضا و زمینه فعلی و پویای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را ایجاد می‌کند و شکل می‌دهد (ICOMOS, 2005). بنابراین بستر می‌تواند شامل ابعاد کالبدی، بصری، فرهنگی-اجتماعی و معنوی باشد (تصویر شماره ۱). انسان تغییر می‌کند و بر این اساس همواره معانی از یک فرهنگ یا دوره به فرهنگ و دوره‌ای دیگر تغییر خواهد یافت (Hall, 1997). توجه به ذات پویای ارزش‌ها، اهمیت نقش مردم را در رابطه با بستر قرارگیری‌شان مطرح می‌کند. تغییر تدریجی بستر شهرها در گذر زمان می‌تواند منجر به تغییر اهمیت معنایی مکان شود. تغییرات باید با هدف حفظ اهمیت معنایی مکان و ویژگی متمایز آن، مدیریت شود. بنابراین برای ارزیابی و پایش تغییرات، باید شاخص‌های کمی و کیفی تعریف شود. این شاخص‌های نظارت و کنترل باید جنبه‌های ملموس و ناملموس را پوشش دهند (ICOMOS, 2005). آنچه تغییر را مورد سنجش و ارزش‌ها و اهمیت معنایی شهر را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، میزان اصالت و یکپارچگی شهر است. چنانچه شهر، اصیل و یکپارچه باشد اهمیت معنایی آن نیز با وجود تغییر محفوظ خواهد ماند.



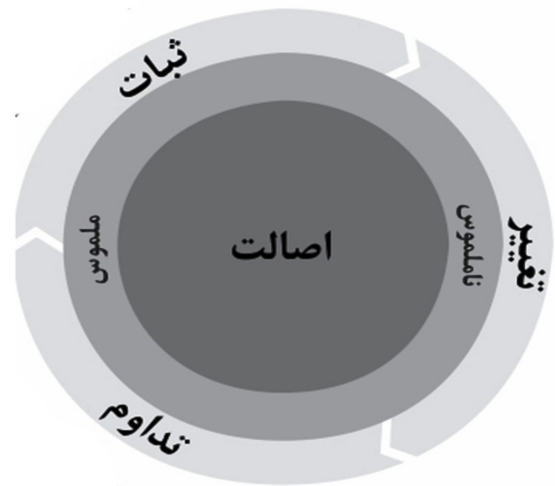
تصویر شماره ۱: چارچوب نظری اهمیت معنایی در منظر شهری تاریخی؛ ترسیم: نگارندگان

اصالت^{۱۱}

سنجش اصالت به عنوان عامل تعیین کننده اصلی در ارزیابی محیط‌های انسان‌ساخت به شمار می‌آید (Mitchell, 2008). اصالت، حصول اطمینان از طی روندی اصیل در خلق اثر است؛ به گونه‌ای که نماینده حقیقی فرهنگ در زمانه خود باشد (طالبیان و فلاح، ۱۳۸۸: ۲۰). اصالت «ویژگی‌هایی است که به طور راستین بازتاب‌دهنده و متضمن ارزش‌های میراث فرهنگی هر مکان هستند» (English Heritage, 2008: 71). اصالت به مثابه عامل مهم کنترل و تعیین صلاحیت در ارتباط با ارزش‌ها ظاهر می‌شود. حفاظت از میراث فرهنگی در تمام اشکال و دوره‌های تاریخی، ریشه در ارزش‌های مرتبط با آن دارد. شرط لازم برای ارزیابی تمام وجوه اصالت، درک ارزش‌ها و معنای آن‌ها است. این امر تنها با کسب آگاهی از مسیر فهم منابع اطلاعاتی موجود در باب ارزش‌ها و صحت آن‌ها قابل دست‌یابی است (ICOMOS, 1994). شهرها در طی دوره‌ای طولانی شکل گرفته‌اند و شواهدی از اقدامات خلاقانه‌ای هستند که در طول زمان تغییر و تحول یافته‌اند. شهرها متشکل از لایه‌های ملموس و لایه‌های خاطره‌ای و ناملموس هستند (Zancheti et al., 2009). بسط تعریف میراث فرهنگی به شهرها و منظرهای تاریخی، تعریف وسیع‌تری از اصالت را مطرح می‌سازد که بُعد تغییر را که لازمه ذات پویایی شهری است در کنار تداوم وضعیت ثابت مد نظر قرار می‌دهد (فدائی‌نژاد و عشرتی، ۱۳۹۳). تداوم را باید در مردم، اجتماع‌ها و منظرهای فرهنگی یافت که اصالت آن‌ها تغییر را تصدیق می‌کند و به معنای حفاظت از ذات حقیقی مکان است (Andrews and Buggiey, 2008). بنابراین فرهنگ‌ها و سنت‌های زنده در گذر زمان تداوم می‌یابند و تغییر آن‌ها در عین تداوم شکل می‌گیرد (Zancheti et al., 2009). اصالت بیش از مکان، به مردم و فرهنگ و سنت‌های آن‌ها مرتبط است، تشخیص و سنجش اصالت

نیازمند توجه به بستر فرهنگی، عقاید و مفاهیم مرتبط با آن است (Andrews and Buggiey, 2008). اصالت مفهومی نسبی دارد. با توجه به تفاوت داوری درباره ارزش‌ها از فرهنگی به فرهنگ دیگر و حتی در درون هر فرهنگ، داوری ارزش‌ها و اصالت بر مبنای معیارهای ثابت امکان‌پذیر نیست. از این رو حائز اهمیت است که درون هر فرهنگی، بر اساس ماهیت ویژه ارزش‌ها، درستی و اعتبار منابع اطلاعاتی، زمینه فرهنگی و تکامل آن در طول زمان، بازشناخت صورت گیرد (ICOMOS, 1994).

اصالت کلیت شهر به لحاظ مادی وابسته به اصالت اجزای تشکیل‌دهنده آن است (Zancheti et al., 2009). لیکن باید توجه داشت که در منظر شهری تاریخی، اصالت مفهومی وسیع‌تر از یکپارچگی مصالح است. عناصر مادی میراث فرهنگی دربرگیرنده اطلاعاتی مهم در مورد گذشته و هویت جامعه هستند. اطلاعاتی در مورد اصل ایجاد مکان و لایه‌های آن که در نتیجه اثر متقابل منابع و شرایط فرهنگی به وجود آمده‌اند. در منظرهای فرهنگی شهری، خصوصیت و عناصر متمایز غیرمادی در کنار بافت مادی دارای اهمیت است و حفاظت از ویژگی کلی و سنت‌ها، مانند الگوها، فرم‌ها و ارزش‌های معنوی مهم‌تر از حفاظت از ویژگی‌های فیزیکی مکان است. عناصر ناملموس به عناصر ملموس معنا می‌بخشد و برای کامل شدن شناخت اهمیت معنایی مکان، در کنار بافت فیزیکی ضرورت دارند (ICOMOS, 1996). عناصر ناملموس بیان‌کننده هویت، شخصیت و روح مکان هستند و باید همانند محیط انسان‌ساخت، مورد حفاظت قرار گیرند (ICOMOS, 2011: 7). حفاظت از شهرهای تاریخی نیازمند تداوم فعالیت‌های سنتی و حفاظت از جمعیت بومی است. از دست دادن یا جایگزینی کاربری و عملکردهای سنتی مانند شیوه خاص زندگی مردم محلی، می‌تواند بر شهرها و مناطق شهری تاریخی تأثیرات منفی چشمگیری بگذارد. عدم بازشناخت ماهیت این تغییرات به جابه‌جایی جوامع و از بین رفتن اعمال فرهنگی و به دنبال آن از دست دادن هویت و ویژگی شهرها منجر می‌شود. نتیجه این روند به از دست رفتن اصالت و ارزش‌های میراثی خود منتهی خواهد شد (ICOMOS, 2011). حفاظت هر میراث پویا، نیازمند بازشناسی اصالت فرایندهایی است که در خدمت حفظ تداوم ویژگی‌های منظر و ارزش‌های ناملموس مرتبط با آن هستند. هم‌چنین نیازمند رویکردهای نوآورانه‌ای است که به حفظ روابط مردم با مکان، در حال و آینده می‌انجامد (Mitchell, 2008). بنابراین اصالت دارای دو جنبه ملموس و ناملموس است. با بسط مقیاس نگاه به میراث، جنبه ناملموس آن اهمیت بیش‌تری می‌یابد. در نتیجه، تغییر و پویایی در کنار تداوم یک وضعیت ثابت مورد توجه قرار می‌گیرد (تصویر شماره ۲).



تصویر شماره ۲: چارچوب نظری اصالت در منظر شهری تاریخی؛ ترسیم: نگارندگان

یکپارچگی^{۱۲}

مفهوم اصالت در قلمرو منظر فرهنگی با تأکید بر نقش توأمان مؤلفه‌های اصالت و یکپارچگی تبیین می‌شود (Rossler, 2008). بنابراین توجه به معیار یکپارچگی در کنار معیار اصالت به منظور حفاظت و ارزیابی میراث حائز اهمیت است. یکپارچگی به معنای سلامت و تمامیت منبع میراثی است. منبع میراثی هنگامی می‌تواند خود را دارای یکپارچگی بداند که ارزش‌هایی که برای آن تعیین شده دچار اختلال و یا در معرض خطر نباشند (Unesco, 2009). «یکپارچگی منظر شهری می‌تواند به عنوان جایگاهی تعریف شود که طبق آن تعاملات تاریخی انسان و طبیعت که منظر فرهنگی را به وجود آورده هم‌چنان باقی مانده است» (O'Donnell and Turner, 2012:6). جهانی‌سازی با ایجاد تفاوت‌های یکسان در همه جا خطری برای یکپارچگی شهر به حساب می‌آید (Van Oers and Haraguchi, 2013). باید توجه داشت ارزش‌های جهانی در جهانی‌سازی فرم‌های ساختمانی و تکنیک‌ها نیست، بلکه در عبارت‌ها و بیان‌های فرهنگی متنوعی است که در مناطق تاریخی قدیمی حفظ شده‌اند و به غنای میراث فرهنگی جهان می‌افزایند (Unesco, 1976).

همانند مؤلفه اصالت، در یکپارچگی شهر نیز باید به جنبه ملموس و ناملموس توجه شود. «یکپارچگی با کیفیت‌هایی مرتبط است که در یک دارایی خاص، ارزش قلمداد شده‌اند» (Jokileh, 2010: 60). کیفیت شهر و مناطق شهری، در برگزیده ویژگی تاریخی و عناصر مادی و معنوی بیان‌کننده آن ویژگی است. هرگونه تهدید این کیفیت‌ها می‌تواند اصالت و یکپارچگی شهرها یا مناطق شهری تاریخی را تحت تأثیر قرار دهد (ICOMOS, 1987). یکپارچگی از نظر عملکردی-اجتماعی، ساختاری-تاریخی و بصری-زیبایی‌شناختی در شهر تاریخی اهمیت می‌یابد (تصویر شماره ۳). یکپارچگی عملکردی-اجتماعی هر مکان، شناسایی

عملکردها و فرایندهایی است که در طول زمان، تکامل شهر بر آن‌ها پایه‌گذاری شده است. هویت فضایی عناصری که چنین عملکردها و فرایندهایی دارند به تعیین یکپارچگی ساختاری-تاریخی آن مکان کمک می‌کنند و به آنچه که از تکامل در گذر زمان باقی مانده است اشاره دارند. هم‌چنین این عناصر به محیط، روح بخشیده و با ایجاد یکپارچگی بصری-زیبایی‌شناختی به تبیین جنبه‌های زیبایی‌شناسانه محیط کمک می‌کند (Jokileh, 2010).

حفظ اصالت و یکپارچگی منظر شهری تاریخی نیازمند دستیابی به تعادلی ظریف، بین تداوم و تغییر است. به بیان دیگر تداوم، خود نمودی از اصالت است (Mitchell, 2008). سرعت زیاد تغییرات، بر یکپارچگی ارزش‌های شهر تاریخی تأثیری منفی می‌گذارد. بنابراین در حفاظت از شهرها و مناطق شهری تاریخی، پایش مداوم تغییرات امری ضروری است (ICOMOS, 2011). بدین منظور ایجاد هر سیستم مدیریتی بر مبنای حفظ ارزش‌ها با توجه به میزان اصالت و یکپارچگی می‌تواند کمک‌کننده باشد (Jokileh, 2010). در هر سیستم پویا، ایجاد تعهد در نسل بعد به منظور نظارت بر حفظ و تداوم میراث حائز اهمیت است (Mitchell, 2008). بنابراین توسعه و تغییرات شهر، ضرورت مدیریت تغییر و پایش مداوم را ایجاد می‌سازد. این موضوع در یادداشت وین (۲۰۰۵ م.) مورد تأکید قرار گرفته و بیان شده است که شهرهای تاریخی به سیاست برنامه‌ریزی و مدیریت شهری نیاز دارند تا حفاظت را به‌عنوان یک نکته کلیدی در نظر گیرند؛ به طوری که این فرایند اصالت و یکپارچگی شهر تاریخی نباید به خطر بیفتد (Unesco, 2005, Art.14).



تصویر شماره ۳: چارچوب نظری یکپارچگی در منظر شهری تاریخی؛ ترسیم: نگارندگان

مدیریت تغییر

شهرها و مناطق شهری تاریخی به صورت موجود زنده‌ای هستند که با تغییرات مداوم مواجه هستند. این تغییرات بر تمامی عناصر شهر از جمله طبیعی، انسانی، ملموس و ناملموس تأثیر می‌گذارد. مدیریت مناسب این تغییرات می‌تواند فرصت مناسب برای بهبود کیفیت شهرها و مناطق شهری تاریخی فراهم آورد (ICOMOS, 2011:4). شکل‌گیری مناطق شهری نتیجه فرایندهایی طولانی است که در پاسخ به تغییرات آن در طول زمان ایجاد شده است (Jokilehto, 2010:58). تداوم استفاده فعال در مکان‌هایی با پویایی فرهنگی، مانند منظرها و شهرهای تاریخی، به دخالت افراد بسیار در طی زمانی طولانی منجر شده که تا کنون ادامه یافته است. این سازگاری دائم با نیازهای بشر به حفظ مؤثر زنجیره میان زندگی گذشته، حال و آینده جوامع کمک می‌کند. بدین وسیله سنت‌های جامعه به گونه‌ای که در پاسخ به نیازهای جامعه تکامل یافته‌اند، حفظ می‌شوند. این تکامل بخش ذاتی میراث جوامع را تشکیل می‌دهد (ICOMOS, 1996).

پویایی مشخصه منظر شهری است و ذات پویای منظرها، اهمیت پایش را در طول زمان مشخص می‌کند (Mitchell, 2008). منظر شهری تاریخی با تکامل تدریجی در طول زمان، اهمیت معنایی ویژه خود را به دست آورده است (Unesco, 2005, Art.12). اهمیت معنایی فرهنگی و درک آن، می‌تواند در نتیجه اطلاعات جدید تغییر یابد. تغییر تا جایی که به اهمیت معنایی فرهنگی لطمه وارد نشود و تمامیت آن محفوظ بماند، قابل قبول است (ICOMOS, 1999). حفاظت نیز فرمی از تبدیل با هدف حفظ اهمیت معنایی فرهنگی است (Rodgers, 2013). تغییر باید به‌طور ایده‌آل در هماهنگی با گذشته و نه در تضاد با آن، تکوین یابد. برای متعادل ساختن تغییرات شهر و حفاظت از گذشته آن، پذیرش پویایی و هم‌چنین اعمال سیستم نظارتی مبتنی بر ارزش‌ها ضروری است (O'Donnell and Turner, 2012).

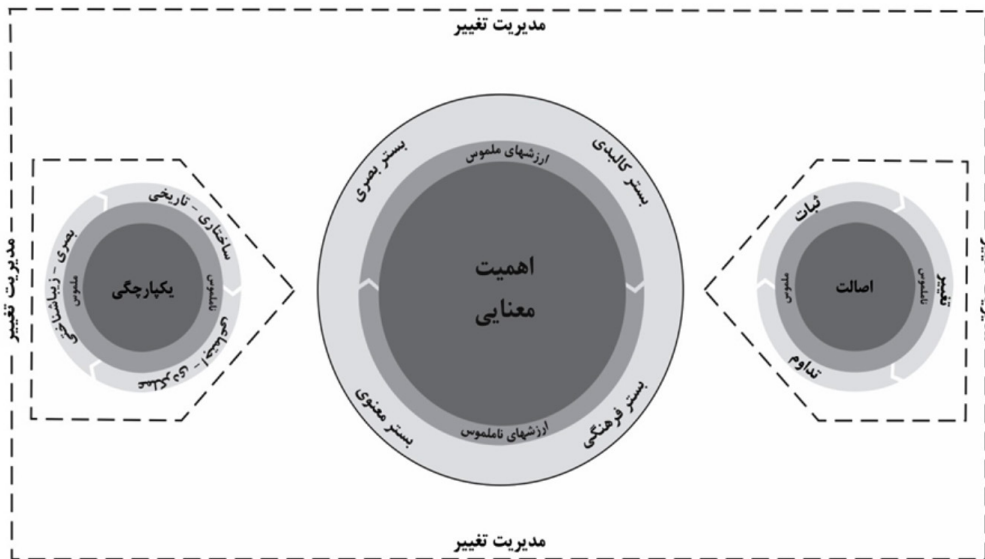
هدف اصلی رویکرد یکپارچه و چندوجهی منظر شهری تاریخی مدیریت تغییر و حفظ تداوم شهری به‌منظور صیانت از ارزش‌های ملموس و ناملموس است (Ibid: 15). تغییرات و تمام مداخلات در شهرها و مناطق شهری تاریخی باید به ارزش‌های فرهنگی ملموس و ناملموس آن‌ها احترام گذارند و کیفیت زندگی مردم محلی و کیفیت محیط زیست را بهبود بخشند (ICOMOS, 2011: 7). حفاظت از شهرها و مناطق شهری تاریخی باید بخشی جدایی‌ناپذیر از درک کلی ساختار شهر و اطراف آن باشد. به‌گونه‌ای که شهرها و هم‌چنین بستر آن‌ها در کلیت خود در نظر گرفته شوند. این موضوع نیازمند سیاست‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی منسجمی است که تمامی سطوح برنامه‌ریزی را با احترام به بافت اجتماعی و تنوع فرهنگی آن‌ها مد نظر قرار دهد. حفاظت شهرهای تاریخی باید شامل حفظ تعادل فضایی،

محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شود (ICOMOS, 2011). مدیریت تغییرات و تحولات پویای منظر شهری تاریخی، دربرگیرنده دانش دقیق و جامع در مورد سرزمین و عناصر با اهمیت معنایی میراثی آن است که از طریق روش‌های علمی، قوانین و مقررات و ابزارها در برنامه‌های مدیریتی به رسمیت شناخته می‌شود (Unesco, 2005). طرح حفاظت، مرمت و برنامه‌های مدیریتی باید بر اساس طرح شهری برای کل شهر شامل تجزیه و تحلیل ارزش‌های تاریخی، باستان‌شناختی، معماری، فنی، اجتماعی و اقتصادی باشد و باید در ترکیب با پلان مدیریتی و با پایش‌های منظم همراه باشد (ICOMOS, 2011:16). ایجاد حس تعلق و آگاهی در نسل بعد با بنیاد نهادن طیفی از آموزش اجتماع مبنا و برنامه‌های ایجاد تعهد، نقش مهمی در مراقبت از میراث شهر و در مدیریت پایدار ایفا می‌کند (Mitchell, 2008). بنابراین مدیریت تغییر با وضع قوانین، پایش مداوم، آموزش و آگاهی‌رسانی به ایجاد تعادل میان حفاظت و توسعه کمک می‌کند و موجب می‌شود ارزش‌های شهر و اهمیت معنایی آن در کنار پویایی و سرزندگی شهر حفظ شود. این موضوع نیازمند یک پلان مدیریتی کارآمد است که بر پایه شناخت از ویژگی‌ها و ارزش‌های ملموس و ناملموس شهر و زمینه طبیعی و فرهنگی-اجتماعی آن طراحی شود.

جمع‌بندی: چارچوب نظری رویکرد حفاظتی منظر شهری تاریخی

چنان‌که فرایندهای جهانی تأثیر عمیقی بر ارزش‌های نسبت داده شده توسط جوامع به مناطق شهری و محیط‌شان و هم بر ادراک ساکنان و کاربران آن‌ها دارند، تقابل میان حفاظت و توسعه در حفاظت از ارزش‌ها و اهمیت معنایی مکان نیز خود را نشان می‌دهد. از یک سو شهرنشینی فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را فراهم می‌آورد که می‌توانند کیفیت زندگی و ویژگی سنتی مناطق شهری را ارتقا بخشند، و از سوی دیگر، تغییرات مدیریت نشده تراکم و رشد شهری می‌تواند حس مکان، یکپارچگی بافت شهری و هویت جوامع را تضعیف کنند. رویکرد منظر شهری تاریخی می‌تواند با مدیریت تغییر در مدیریت و کاهش چنین تأثیراتی یاری رساند (Unesco, 2011).

طبق بررسی و مطالعه اسناد و نظریه‌های مرتبط، رویکرد منظر شهری تاریخی با تأکید بر ارزش‌های شهر تعریف می‌شود. ارزش‌ها را می‌توان در دو دسته ملموس و ناملموس جای داد. این ارزش‌ها اهمیت معنایی شهر را شکل می‌دهند که در بستر کالبدی، بصری، فرهنگی و معنوی شهر معنا می‌یابد. همان‌گونه که در چارچوب نظری پیشنهادی این مطالعه، مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های مؤثر در حفاظت با رویکرد منظر شهری تاریخی و روابط بین آن‌ها بیان شده است (تصویر شماره ۴). آنچه در حفاظت از شهر تاریخی نقش اصلی دارد، همانا حفاظت از اهمیت معنایی شهر



تصویر شماره ۴: چارچوب نظری منظر شهری تاریخی؛ ترسیم: نگارندگان

است. پویایی و تغییر از مشخصه‌های شهر زنده به حساب می‌آیند. بنابراین با تغییر شهر، ارزش‌ها و به تبع آن اهمیت معنایی شهر نیز تغییر می‌یابد. آنچه این تغییر را مورد سنجش قرار می‌دهد و حدود قابل قبول آن را تعیین می‌کند میزان اصالت و یکپارچگی در بُعد ملموس و ناملموس شهر است. یکپارچگی در شهر از نظر اجتماعی، ساختاری و زیبایی‌شناختی ارزیابی می‌شود. در تعریف اصالت در منظر شهری تاریخی توجه به تغییر و پویایی به عنوان بخشی از ماهیت شهر در کنار تداوم یک وضعیت ثابت، اهمیت دارد. ایجاد تعامل میان ثبات و دگرگونی تنها با مدیریت تغییر امکان‌پذیر است. رویکرد منظر شهری تاریخی با مدیریت تغییر و پایش منظم به ایجاد تعادل میان تداوم و تغییر و حفظ اصالت و یکپارچگی شهر اقدام می‌کند (نمودار شماره ۴).

نتیجه‌گیری

یکی از پیش‌شرط‌های لازم برای توسعه پایدار، توجه به مدیریت پایدار میراث شهری است که این مهم از طریق حفاظت و توسعه یکپارچه امکان‌پذیر است. حفاظت شهری بر مبنای رویکرد منظر شهری تاریخی، حفاظت و توسعه توأمان را مدنظر قرار می‌دهد. مفهوم جدید توسعه با محدود کردن تعاملات اجتماعی شهر حس یکپارچگی آن را از میان برداشته و رشد قارچ‌گونه شهرها ابعاد انسانی شهر و حس مکان را که از مشخصه‌های شهر تاریخی است مخدوش کرده است. بازخوانی اسناد، نظریه‌ها و بویژه تجارب عملی در دهه‌های اخیر نشانگر آن است که «منظر شهری تاریخی» به مثابه رویکردی منعطف، جامع و یکپارچه‌نگر می‌تواند با در نظر گرفتن «مدیریت تغییر» سرعت تغییرات و توسعه‌های شهری را هماهنگ و همه‌جانبه مد نظر قرار دهد. در صورتی که کاربست رویکرد منظر شهری تاریخی تنها محدود به بخش تاریخی شهر شود قادر به ایجاد تغییرات پایدار نخواهد بود. هدف از این رویکرد ایجاد هم‌پیوندی و یکپارچگی بین

شهر تاریخی و شهر جدید است. این رهیافت مبتنی بر چارچوب معرفی شده در این مقاله، با شناسایی ارزش‌های ملموس و ناملموس شهر، تغییرات شهری را مدیریت می‌کند و با سنجش مداوم اصالت و یکپارچگی به عنوان دو مؤلفه اصلی در حفاظت از شهر، تداوم آن را در طی زمان امکان‌پذیر می‌سازد. تأکید این روش بر حفظ بافت فیزیکی تاریخی شهر به طور همزمان با حفظ ارزش‌های اجتماعی و میراث ناملموس فرهنگی و ارتباط بین مردم و مکان است. این فرایند از بازشناخت و واکاوی شهر آغاز شده و به تصمیمی آگاه به هدف ایجاد حفاظت و مدیریت پایدار شهری می‌انجامد. رویکرد منظر شهری تاریخی شناسایی و حفظ ارزش‌ها و تداوم آن‌ها در کنار توجه به پویایی توسعه شهر را مدنظر قرار می‌دهد. این رویکرد از یک سو، با حفظ منابع موجود و از سوی دیگر با ایجاد مدیریتی یکپارچه در لایه‌های مختلف شهر و پایش مداوم آن، به حفظ ارزش‌ها و اهمیت معنایی شهر و بستر آن منجر می‌شود. رویکرد منظر شهری تاریخی رهیافتی مدیریتی است که با تأکید بر لایه‌های ملموس و ناملموس شهر سعی در بازشناخت و حفظ اهمیت معنایی و مدیریت تغییر آن با توجه به ذات پویا و در حال تغییر شهر دارد و با مد نظر قرار دادن لایه‌های مختلف شهر اعم از کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، معنوی به شناخت دقیق ابعاد مختلف شهر می‌پردازد و از طریق شناسایی ارزش‌های موجود، اهمیت معنایی شهر را در بستر خاص آن تعریف می‌کند. توجه به لایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در کنار لایه‌های کالبدی به حفظ هویت شهری یاری می‌رساند و منجر به ارتقای سطح بهره‌وری فضاهای شهری و ارتقای کیفیت محیط انسان ساخت می‌شود. شناخت ارزش‌ها و اهمیت معنایی شهر، حدود تغییر قابل قبول را تعیین و مشخص می‌کند به گونه‌ای که پاسخ‌گوی تداوم و پویایی شهر باشد. بنابراین رویکرد منظر شهری تاریخی با ایجاد تعادلی پایا میان تداوم و تغییر به ایجاد تعادل میان توسعه و حفاظت دست می‌یابد.

پی‌نوشت‌ها

1. Urban Historic Landscape approach
2. Significance
3. Vienna Memorandum
4. Recommendation on the Historic Urban Landscape
5. Patricia M. O'Donnell
6. Jukka Jokilehto
7. Significance of the Place
8. English Heritage
9. Burra Charter
10. Conservation Principles: Policies and Guidance for the Sustainable Management of the Historic Environment
11. Authenticity
12. Integrity

فهرست منابع و مراجع

1. تقوایی، سید حسن و مطهری راد، مه‌ری (۱۳۹۳)، «تحلیل منظر شهری تاریخی سلطانیه بر اساس توصیه نامه ۲۰۱۱ یونسکو (مطالعه موردی: محور حد فاصل گنبد سلطانیه تا مقبره ملاحسن کاشی)»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، زمستان ۱۳۹۳، شماره ۱۸، سال ۵، صفحات ۱۳-۲۴.
2. حناچی، پیروز؛ آذری، عباس و کلایه، سعید محمود (۱۳۹۲)، «مدیریت ارزش‌گذاری در بافت‌های تاریخی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی؛ نمونه موردی: مطالعه در محور تاریخی خیابان لاله‌زار»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، تابستان ۱۳۹۲، شماره ۱۲، سال ۳، صفحات ۳۷-۴۴.
3. حیدری، شاهین (۱۳۹۳)، **درآمدی بر روش تحقیق در معماری: با نگرشی بر پایان نامه نویسی در معماری**، کتاب فکر نو، تهران.
4. خاک‌زنسد، مهدی و تیموری کرده، سعیده (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیر آیین‌های عاشورایی بر منظر شهری و خاطرات جمعی از دیدگاه شهروندان»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، بهار ۱۳۹۴، شماره ۱۹، سال ۵، صص ۶۴-۵۵.
5. طالبیان، محمد حسن و فلاح، محمد صادق (۱۳۸۸) **منظرهای فرهنگی، مجموعه مباحث کارگاه کارشناسی ارتقاء مدیریت و برنامه‌ریزی منظرهای فرهنگی میراث جهانی**، تخت جمشید، خرداد ماه ۱۳۸۵، بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد، تهران.
6. فدائی‌نژاد، سمیه و عشرتی، پرستو (۱۳۹۳)، «واکاوی مؤلفه‌های بازشناخت اصالت در حفاظت میراث فرهنگی»، **نشریه هنرهای زیبا**، دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۹۳، دوره ۱۹ شماره ۴، صفحات ۷۷-۸۶.
7. گروت، لیندا و وانگ، دیوید (۱۳۸۶)، **روش‌های تحقیق در معماری**، ترجمه علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
8. Andrews, T.D. & Bugghey, S. (2008), "Authenticity in Aboriginal Cultural Landscape", In Waite, D. (Ed.), **APT Bulletin**, Vol. XXXIX, No.2-3, Published by Association for Preservation Technology International, pp. 63-70.
9. English Heritage (2008), **Conservation Principles: Policies and Guidance for the Sustainable Management of the Historic Environment**, English Heritage, London
10. Hall, S. (1997), **Representation: Cultural Representations and Signifying Practices**, Sage, London.
11. ICOMOS (1987), **Charter for the Conservation of Historic Towns and Urban Areas**, (Washington Charter), <http://www.icomos.org/index.php/en/charters-and-texts> (Accessed on: May 2015).
12. ICOMOS (1994), **Nara Document on Authenticity**, <http://www.icomos.org/index.php/en/charters-and-texts> (Accessed on: May 2015).
13. ICOMOS (1996), **Declaration of San Antonio, Authenticity in the Conservation and Management of the Cultural Heritage**, <http://www.icomos.org/index.php/en/charters-and-texts> (Accessed on: May 2015).
14. ICOMOS (1999), **Burra Charter**, Australia ICOMOS, <http://www.icomos.org/index.php/en/charters-and-texts> (Accessed on: May 2015).
15. ICOMOS (2005), **Xi'an Declaration on the Conservation of the Setting of Heritage Structures, Sites and Areas**, <http://www.icomos.org/index.php/en/charters-and-texts> (Accessed on: May 2015).
16. ICOMOS(2011), **The Valletta Principles for the Safeguarding and Management of Historic Cities, Towns and Urban Areas**, <http://www.icomos.org/index.php/en/charters-and-texts> (Accessed on: May 2015).
17. ICOMOS (2014), **The Florence Declaration on Heritage and Landscape as Human Values**, <http://www.icomos.org/index.php/en/charters-and-texts> (Accessed on: May 2015).
18. Jokilehto, J. (2010), "Reflection on historic urban landscapes as a tool for conservation", **World Heritage papers (NO. 27): Managing Historic Cities**, World Heritage Centre UNESCO, pp. 53- 57.
19. Mitchell, N. (2008), "Considering the Authenticity of Cultural Landscape", In: Waite, D. (Ed.), **APT Bulletin**, XXXIX(2-3), Published by Association for Preservation Technology International, pp. 25-32.
20. O'Donnell, P.; Turner, M. (2012), **The Historic Urban Landscape Recommendation: A New UNESCO Tool for a Sustainable Future**, IFLA Cape Town.
21. Pereira Roders, A. (2013), "Lessons from Island of Mozambique on limits of acceptable change", In Van Oers, R. (ed.), **Swahili Historic Urban Landscapes**, Unesco, pp. 40-49.
22. Rössler, M. (2008), "Applying Authenticity to Cultural Landscapes", In Waite, D. (Ed.), **APT Bulletin**, XXXIX(2-3), Published by Association for Preservation Technology International, pp. 47- 54.
23. UNESCO (1976), **Recommendation Concerning the Safeguarding and Contemporary Role of Historic Areas**, <http://www.icomos.org/publications/93towns7o.pdf>
24. UNESCO (2005), **Vienna Memorandum on World Heritage and Contemporary Architecture—Managing the Historic Urban Landscape**, UNESCO World Heritage Centre, <http://whc.unesco.org/archive/2005/whc0515ga-inf7e.doc>.
25. UNESCO (2009), **Hoi An Protocols for Best Conservation Practice in Asia: Professional Guidelines for Assuring and Preserving the Authenticity of Heritage Sites in the Context of the Cultures of Asia**, UNESCO Bangkok: Bangkok.
26. UNESCO (2011), **Recommendation on the Historic Urban Landscape**, adopted by the General Conference at its 36th session, 10 November 2011, UNESCO World Heritage Centre: Paris.
27. Van Oers, R.; Haraguchi, S. (2013), **Swahili Historic Urban Landscapes**, Report on the Historic Urban Landscape Workshops and Field Activities on the Swahili Coast in East Africa 2011-2012, UNESCO: Paris.
28. Zancheti, S.M.; Flaviana, L. and Rosane, P. (2009), "Judging the authenticity of the city", In Stanley-Price, N.; King, J. (Eds.), **conserving the authentic: essays in honour of Jukka Jokilehto**, ICCROM, pp. 163-168.

تبیین نقش مدیریت محله‌ای بر پایداری اجتماعی شهر تهران از طریق سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده شهری

احمد پورا احمد^{۱*} (نویسنده مسئول)، حمیدرضا بابایی^۲، ابوالفضل رفیع^۳

^۱ استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

^۲ عضو هیأت علمی پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاددانشگاهی

^۳ دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی شهری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۲

چکیده

برنامه‌ریزان شهری در سال‌های اخیر با رویکردی مبتنی بر مدیریت محله‌ای و به‌کارگیری سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده، سعی در حل مسائل شهری و ارتقا پایداری اجتماعی در شهر کرده‌اند. هدف مقاله حاضر ادراک مدلی مناسب مدیریت محله‌ای به منظور پایداری اجتماعی شهر تهران، با تأکید بر سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده است. این مقاله بر پایه مطالعات توصیفی-تحلیلی پس از گردآوری داده‌ها و اطلاعات با استفاده از ابزار پرسشنامه استاندارد و محقق ساخته به صورت پیمایشی انجام گرفته است. جمعیت آماری شامل تمامی شهروندان مناطق ۱، ۵، ۸، ۱۱ و ۱۷ شهر تهران است که از آن ۳۸۴ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای انتخاب شدند. آلفای کربناخ محاسبه شده برابر با ۰/۹۴۵ به دست آمد که نشان می‌دهد همبستگی کافی بین گویه‌های پرسشنامه با متغیرشان وجود دارد. نتایج به دست آمده بیانگر تأثیر معنادار مدیریت محله‌ای بر سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده می‌باشد. این تأثیر به میزان ۰/۴۰۲ است. همچنین حضور متغیر میانجی، مدیریت محله‌ای با سرمایه اجتماعی و رابطه سرمایه اجتماعی با متغیر پایداری اجتماعی شهر تهران با ۹۵٪ اطمینان معنادار بوده است. در مجموع نتایج به دست آمده، نشان می‌دهد که اگر مسئولان برنامه‌ریز محلی شهر تهران بتوانند با افزایش میزان اعتماد از طریق مطلوبیت عملکرد، تعهد به وظایف و در نهایت کسب پذیرش مردمی به کشف شبکه‌های غیررسمی سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده نائل شوند، این نوع از سرمایه‌ها، به گسترش روابط عمودی بین مدیریت محله‌ای و سطوح بالاتر تبدیل شده و پیوندهای درونی در محله، حس تعلق و مشارکت افزایش خواهد یافت. این نوع از سرمایه‌ها از طریق ارتقا، سطح آگاهی، اعتماد و پیوندهای درونی تقویت شده و به ایجاد انجمن‌های توسعه محلی که یکی از عوامل اصلی و بنیادی تحقق پایداری اجتماعی شهر است، می‌انجامد.

واژگان کلیدی: مدیریت محله‌ای، سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده، پایداری اجتماعی، شهر تهران.

کرده و تعلق محله‌ای شهروندان را افزایش می‌دهد. این سرمایه‌ها با تشکیل شبکه‌های ارتباطی بسیار نیرومند، کارساز بودن برنامه‌ها یا شکست آنها را رقم می‌زنند و در نهایت سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده، به ایجاد مایه‌های مدیریت شهری (اشتغال، آموزش، امنیت، مشارکت، برابر فرصت‌ها و...)، کمک شایانی خواهد کرد (رفعیان و شالی، ۱۳۹۱). بنابراین مدیریت محلی برای بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده و اتخاذ بینش کاربردی مشارکت‌محور، باید بر این فرایند صحه بگذارد، در غیر این صورت به دلیل فقدان مشروعیت، هرگونه کارآیی و مطلوبیت لازم را نخواهد داشت و به مدیریت شهری منتهی نخواهد شد.

با عنایت به مطالب بالا، در شهر تهران، به دلیل ضعف سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده و مشارکت‌جو وجود نداشته یا دچار ضعف بوده، مدیریت شهری شکل نگرفته است (توکلی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۱) این وضعیت، نشان می‌دهند که در شهر تهران فعالیت‌های انجام شده تاکنون فاقد بینش کاربردی مشارکت‌محور و پیونددهنده بوده است و از سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده بهره‌مند نشده است (Babaei, 2012؛ مشکینی و دیگران، ۱۳۹۲). براین اساس و با توجه به پژوهش‌های انجام گرفته (Das, 2014؛ Villa, 2001)، عامل اصلی این است که تاکنون مدیریت محلی در کلان‌شهر تهران با موفقیت همراه نبوده و نتوانسته از سرمایه‌های اجتماعی به‌خوبی استفاده نماید (مشکینی و دیگران، ۱۳۹۲). ناکارآمدی‌ها و چالش‌های مدیریتی شهری به‌دلیل غفلت از سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده و عدم تمایل به مشارکت نزد شهروندان تهرانی، به‌وضوح قابل مشاهده است (توکلی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۱). بنابراین عدم بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده و مشارکت‌جو با عدم پایداری اجتماعی قرین خواهد بود. مدیریت محلی در شهر تهران از سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده و مشارکت‌جو، تاکنون نتوانسته است بهره‌بردار در واقع در فرایند اجرای مدیریت محلی در شهر تهران، مشارکت‌های سرمایه‌های اجتماعی دچار ضعف اساسی بوده است. در نتیجه جامعه شهری با آسیب‌ها و چالش‌هایی روبه‌رو بوده و در نهایت، روند پایداری اجتماعی با خدشه و اختلال مواجه شده است. از دیگر عوامل ناکارآمدی سیستم مدیریت محلی و محله‌ای در شهر تهران می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: ناکارآمدی در احیای بافت فرسوده و ناتوانی در جذب مشارکت شهروندان در شهر تهران (محمدی و دیگران، ۱۳۹۲)، ناکارآیی و اثربخشی مدیریت محله در ارتباط با اجتماعات محلی در منطقه ۱۰ تهران، نبود بستر مناسب برای بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده، مطالعه در محله امام‌زاده حسن (رفعیان و دیگران، ۱۳۹۲)، وجود نگرش بخشی و دید از بالا به پایین و بدون بازخورد نقش مردم در فرایند برنامه‌ریزی در منطقه ۹ شهرداری (محمدی و دیگران، ۱۳۹۲). براین اساس سؤال اصلی تحقیق این است که: مدیریت محلی با تأکید

رشد فزاینده ابعاد شهرنشینی موجب شده است که شهرها با چالش‌های نوینی روبه‌رو شوند. از مهم‌ترین این چالش‌ها، ضعف در جلب مشارکت شهروندان و چگونگی دست‌یابی به «پایداری اجتماعی شهرها» است (پورااحمد و دیگران، ۱۳۹۳). به گفته داس، این یک حقیقت است که شکل‌گیری پایداری اجتماعی، مهم‌ترین مشکل مدیران شهری محسوب می‌شود و با وضعیت کنونی، تحقق کامل آن را باید جزو آرمان‌ها تلقی کرد (Das, 2014). از سوی دیگر؛ نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تحقق مدیریت شهری با مفاهیمی نظیر «میزان مشارکت شهروندان»، «سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده»، «نحوه مدیریت محلی» و... در ارتباط تنگاتنگ است (مشکینی و دیگران، ۱۳۹۲؛ توکلی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۱)؛ با این شرط که برای حل این مشکل از مدیریت در سطحی خردتر و عینی‌تر بهره‌گرفته شود (خاک‌پور و دیگران، ۱۳۸۸؛ Friedman, 1993). براین اساس؛ برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران شهری در سال‌های اخیر با رویکردی مبتنی بر مدیریت محلی و به‌کارگیری سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده، سعی در حل این مشکل و ارتقا و بهبود مدیریت شهری داشته‌اند (بدری، ۱۳۸۷). براساس نتایج پژوهش لمن و کاکس، اتخاذ بینش مبتنی بر مشارکت سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده همراه با افزایش توانمندی‌های اقتصادی، اجتماعی، فناوری و فرهنگی لزوماً باید به مدیریت شهری بیانجامد (اسلامی، ۱۳۸۱). در واقع با بهره‌گیری از سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده، ظرفیت جامعه برای استفاده و تغییر شکل سیستم بهره‌وری شهری، توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات (عدالت شهری)، واکنش به انواع فشارها و مشکلات محله‌ای (انعطاف‌پذیری)، افزایش مشارکت اجتماعی و ادامه استفاده و تداوم برنامه‌های شهری (ثبات)، افزایش خواهد یافت (مولدان و بیلهاوزر، ۱۳۸۱). هال^۱ و ایگر^۲، در پژوهش‌های جداگانه‌ای اذعان می‌دارند که سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده شهری در صورت وجود مدیریت محلی کارآمد، می‌توانند کارآ باشند و به مدیریت شهری بیانجامد (Hall, 2005; Egger, 2005). موس^۳ در تبیین این رابطه می‌گوید، اگر بتوانیم به سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده و مشارکت‌جو بها بدهیم، مدیریت محلی قوی‌تر و توانمندتری خواهیم داشت، مدیریت محلی قوی‌تر و توانمندتر لزوماً دسترسی بیش‌تری به منابع قدرت دارد و در نتیجه پایداری اجتماعی اتفاق می‌افتد (Moss and et al., 2006; Woolcock, 2001).

از سوی دیگر، با توجه به نظر کرسول^۴ و با تأکید بر نظریه ولکووک، سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده و مشارکت‌جو، جنبه انباشتی داشته و به تسهیل روند مدیریت محلی کارآمد، منجر خواهند شد که در نهایت به مدیریت شهری می‌انجامد. هم‌چنین، سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده، میزان اعتماد به برنامه‌ها و ساختارهای دولتی و نهادهای تصمیم‌گیر حوزه شهری را مشخص

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، منابع در دسترس هستند که دارای‌های شخصی محسوب نمی‌شوند و هیچ فردی نمی‌تواند آنها را به مالکیت خود درآورد. این سرمایه‌ها، دارای‌های بالارزشی هستند (فیلد، ۱۳۸۵: ۲۱) و توانایی این را دارند که به افراد، مشارکت بخشند (Putnam, 2000: 19; Woolcock, 1998). سرمایه اجتماعی شهری، سرمایه و موهبتی نامحسوس شناخته می‌شود که بیش از آن که به فرد تعلق داشته باشد، متعلق به جامعه است و نداشتن توانایی یک فرد یا حتی گروهی از جامعه را می‌تواند جبران کنند (Jen-kins, 1992; Robbins, 2000). مفهوم سرمایه اجتماعی شهری در این پژوهش به دارای نامحسوس اجتماعی هر محله اطلاق می‌شود که زمینه‌ساز مشارکت شهروندان در نظام مدیریت نوین محله‌ای خواهد بود. برای سنجش سرمایه اجتماعی شهری از سه سازه استفاده خواهد شد که عبارتند از: ۱. اعتماد اجتماعی، ۲. انسجام اجتماعی، ۳. مشارکت اجتماعی (معصومی، ۱۳۹۰، و ملکان و ملکان، ۱۳۹۰).

تعریف عملی: در پژوهش حاضر، متغیر سرمایه اجتماعی^۱ با استفاده از دو پرسشنامه P. Bullen & J. Onyx, 2011 و Measuring social capital, 2004 و محقق ساخته و با ۵۳ گویه با حداکثر امتیاز ۲۶۵ و حداقل امتیاز ۵۳ سنجیده شده است.

توسعه پایدار اجتماعی

شکلی از توسعه امروزی که توان توسعه مداوم شهرها و جوامع شهری نسل‌های آینده را تضمین کند (هال، ۱۹۹۳). از نظر کالبدی، توسعه پایدار یعنی، تغییراتی که در کاربری زمین و سطوح تراکم برای رفع نیازهای ساکنان شهر در زمینه مسکن، حمل و نقل، اوقات فراغت و غذا به عمل می‌آید تا در طول زمان شهر را از نظر زیست قابل سکونت و زندگی، از نظر اقتصادی با دوام و از نظر اجتماعی همبسته نگه دارد (موکومو، ۱۹۹۶).
تعریف عملی: در این پژوهش متغیر توسعه پایدار اجتماعی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته اندازه‌گیری و با ۵۶ گویه با حداکثر امتیاز ۲۸۰ و حداقل امتیاز ۵۶ سنجیده شده است.

مبانی نظری پژوهش

ولکوک نوع دیگری از سرمایه‌های اجتماعی را با عنوان سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده به دو نوع سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی اضافه کرد. با این بینش که هر فرد یا جامعه‌ای که سرمایه ارتباط‌دهنده را داشته باشد، توانمند است. در واقع، او دو نوع سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و ارتباط‌دهنده را از یکدیگر تفکیک کرده است (Woolcock, 2001). سرمایه اجتماعی درون‌گروهی یا انحصاری حول خانواده و دوستان صمیمی و سایر خویشاوندان نزدیک بنا شده و درون‌گرایانه است و به گروه‌های همگون گرایش دارد. سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده یا جامع افراد

بر سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده چگونه می‌تواند بر پایداری اجتماعی شهر تهران مؤثر واقع شود؟

روش پژوهش

این پژوهش به جهت استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد و محقق ساخته، میدانی (پیمایشی)^۲ محسوب می‌شود. جمعیت آماری پژوهش را شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تهران تشکیل داده و تعداد افراد نمونه (براساس فرمول محاسبه n برای روش نمونه‌گیری خوشه‌ای) برابر با ۳۸۴ نفر است که در پنج منطقه ۱، ۵، ۸، ۱۱ و ۱۷ شهر تهران با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای انتخاب شدند. فرمول شماره یک جهت برآورد واریانس:

$$s_c^2 = \frac{1}{n-1} \sum_{i=1}^n (y_i - \bar{y}m_i)^2$$

فرمول شماره دو جهت تعیین حجم نمونه:

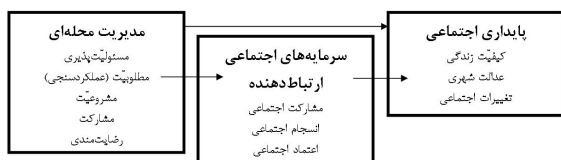
$$n = \frac{N\sigma_c^2}{ND + \sigma_c^2}$$

ابزار گردآوری داده‌ها، دارای روایی صوری است و آلفای کرونباخ محاسبه شده برای پرسشنامه، برابر با ۰/۸۹۶ به دست آمده است. این پژوهش دارای متغیر مستقل (مدیریت محله‌ای)، متغیر میانجی (سرمایه اجتماعی) و متغیر وابسته (پایداری اجتماعی) است که تعاریف نظری و عملی آنها به شرح زیر است:

مدیریت محله‌ای

مدیریت محله‌ای، مدیریت منابع و مسائل جاری محله از طریق عمل جمعی اختیاری و مردمی است (واید، ۱۹۸۷؛ پومروی، ۱۹۹۴؛ ماهونی، ۲۰۰۷). مدیریت محله در آیین نامه سامان‌دهی مشارکت‌های اجتماعی در محله‌های شهر تهران (۱۳۹۳) چنین تعریف شده است: «مدیریت محله‌ای»، نهادی مردمی، غیرانتفاعی و خودگردان از لحاظ مالی است که به دنبال جلب، سامان‌دهی و ترویج مشارکت‌های مردمی، توسعه و ارتقای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در مقیاس محله‌ای و اداره بهینه مراکز و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی شهرداری در مقیاس محله‌ای، با تعامل و استفاده از ظرفیت‌های شهرداری تهران و در چارچوب سیاست‌ها و برنامه‌های کلان مدیریت شهری در سطح محله‌های شهر تهران تشکیل شده‌اند و فعالیت دارند. در این پژوهش مدیریت محله‌ای در ابعاد ۱. مشارکت، ۲. مطلوبیت، ۳. رضایت-مندی، ۴. مقبولیت و ۵. مسئولیت مورد سنجش قرار گرفته است.

تعریف عملی: در پژوهش حاضر متغیر مدیریت محله‌ای با استفاده از پرسشنامه استاندارد Communities of Sustainable Europe (CoSE, 2013) و محقق ساخته اندازه‌گیری و با ۶۸ گویه با حداکثر امتیاز ۳۴۰ و حداقل امتیاز ۶۸ سنجیده شده است.



نمودار شماره ۱: مدل مفهومی ارتباط بین مدیریت محله‌ای با پایداری اجتماعی از طریق سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده

با توجه به مدل بالا، فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر خواهند بود:
 - مدیریت محله‌ای بر سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده در شهر تهران تأثیر معناداری دارد.
 - مدیریت محله‌ای با استفاده از سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده، تأثیر معناداری بر پایداری اجتماعی شهر تهران دارد.

بررسی و مرور یافته‌ها

تحلیل توصیفی از یافته‌ها

در جدول شماره ۱ که فراوانی، میانگین و انحراف معیار شاخص‌های متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد، نشانگر این واقعیت است که توزیع داده‌ها پراکنده نبوده و حول محور میانگین با اندکی تفاوت از هم بوده است. به عبارت دیگر؛ پراکندگی داده‌ها شبیه به هم بوده و از توزیعی تقریباً نرمال برخوردار بوده‌اند. با مشاهده میانگین‌های وزنی هم که در جدول منعکس شده است، مشخص می‌شود که مرکز ثقل داده‌ها حوزه موافقت بوده است.

را با آشنایان دورتری که در حلقه‌های غیر از حلقه خودشان قرار دارند ارتباط می‌دهد و به ایجاد هویت‌های وسیع تر و بده-بستان گسترده‌تر گرایش دارد.

ولکوک معتقد است سرمایه اجتماعی ارتباط‌دهنده برای پیشرفت ضروری است و می‌تواند منجر به توسعه پایدار در شهر شود. وی خانواده را واضح‌ترین نمونه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و جامعه مدنی را که در عمل و از نظر قانونی درهای آن روی همه شهروندان باز است نمونه ناب سرمایه اجتماعی میان‌گروهی می‌نامد. از نظر وی سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعی است که هم‌آهنگی و همکاری را برای سود متقابل تسهیل می‌کند. این ویژگی‌ها عبارتند از: ۱. شبکه‌های مشارکت مدنی، ۲. هنجارهای معامله متقابل، ۳. اعتماد اجتماعی (Woolcock, 2001). وی هم‌چنین سرمایه‌های اجتماعی را حلقه ارتباط بسیاری از مفاهیم و مولفه‌ها می‌داند. به عنوان مثال مدیریت محله‌ای از طریق سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند به توسعه پایدار در شهر منجر شود که در این میان، سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده مهم‌ترین نوع سرمایه قلمداد می‌شوند. بنابراین براساس نظریه ولکوک، می‌توان مدل مفهومی (نظری) زیر را برای تبیین موضوع ارائه کرد:

جدول شماره ۱: جدول آماره‌های متغیرها و شاخص‌های پژوهش

متغیر / شاخص	مناطق	فراوانی	درصد فراوانی	میانگین	انحراف معیار
مشارکت	منطقه ۱	۱۲	۱۳/۶۳	۳/۸۱	۰/۹۸۶
	منطقه ۵	۱۶	۱۸/۲۰	۴/۲۲	۰/۸۸۷
	منطقه ۸	۲۸	۳۱/۸	۳/۷۹	۰/۵۶۹
	منطقه ۱۱	۱۴	۱۵/۹	۳/۳۳	۰/۵۴۸
	منطقه ۱۷	۱۸	۲۰/۴۵	۳/۵۶	۰/۷۷۸
مطلوبیت	منطقه ۱	۲۷	۱۸/۷۵	۳/۵۱	۰/۸۹۶
	منطقه ۵	۴۴	۳۰/۷۶	۳/۶۴	۱/۲۵۶
	منطقه ۸	۲۰	۱۳/۹۸	۲/۸۱	۱/۲۲۵
	منطقه ۱۱	۱۴	۹/۷۹	۳/۶۵	۰/۳۲۵
	منطقه ۱۷	۳۸	۲۶/۵۷	۳/۳۰	۰/۸۹۵
رضایت مندی	منطقه ۱	۲۹	۲۳/۵۷	۳/۵۷	۰/۷۵۹
	منطقه ۵	۳۶	۲۹/۲۶	۳/۲۶	۰/۷۴۶
	منطقه ۸	۲۴	۱۹/۵۱	۳/۸۳	۰/۹۶۱
	منطقه ۱۱	۱۴	۱۱/۳۸	۳/۶۵	۰/۷۹۵
	منطقه ۱۷	۲۰	۱۶/۲۶	۴/۱۴	۰/۶۸۷

متغیر / شاخص	مناطق	فراوانی	درصد فراوانی	میانگین	انحراف معیار
سرمایه‌های پیونددهنده	اعتماد اجتماعی	منطقه ۱	۱۱	۱۱/۸۲	۰/۷۴۵
		منطقه ۵	۲۰	۲۱/۵	۰/۸۴۳
		منطقه ۸	۲۸	۳۰/۱	۰/۸۲۶
		منطقه ۱۱	۱۲	۱۲/۹	۰/۷۴۶
		منطقه ۱۷	۲۲	۲۳/۶۵	۰/۶۹۸
	مشارکت اجتماعی	منطقه ۱	۲۶	۱۵/۷۵	۰/۶۷۸
		منطقه ۵	۳۲	۱۸/۲۸	۰/۷۴۵
		منطقه ۸	۳۳	۱۸/۸۵	۰/۷۶۹
		منطقه ۱۱	۲۲	۱۲/۵۷	۰/۸۵۲
		منطقه ۱۷	۵۲	۲۹/۷۱	۰/۶۹۸
پایداری اجتماعی	اجتماعی	منطقه ۱	۱۷	۱۵/۷۴	۰/۸۴۲
		منطقه ۵	۲۱	۲۰/۱۹	۰/۶۵۸
		منطقه ۸	۲۴	۲۳/۰۷	۰/۴۵۹
		منطقه ۱۱	۲۰	۱۹/۲۳	۱/۳۶۵
		منطقه ۱۷	۲۶	۲۵/۰	۰/۴۵۸
	زیست محیطی	منطقه ۱	۱۰	۱۲/۹۸	۰/۷۹۶
		منطقه ۵	۱۶	۲۰/۷۷	۱/۴۵۹
		منطقه ۸	۲۱	۲۷/۲	۰/۲۵۶
		منطقه ۱۱	۱۰	۱۲/۹۸	۰/۸۸۹
		منطقه ۱۷	۲۰	۲۵/۹۷	۰/۷۹۶

براساس داده‌های به دست آمده از جدول شماره ۱، در حوزه مدیریت محله‌ای:

* بیش‌ترین میزان مشارکت متعلق به منطقه ۸ با ۳۱/۸ درصد بوده و کم‌ترین میزان مشارکت را ساکنان منطقه ۱ با ۱۳/۶۳ درصد به خود اختصاص داده‌اند.

* بیش‌ترین میزان مطلوبیت عملکرد از دید پاسخ‌گویان، ساکنان منطقه ۵ با ۳۰/۷۶ درصد بوده و نیز کم‌ترین آن به ساکنان منطقه ۱۱ با ۹/۷۹ درصد تعلق داشته است.

- بیش‌ترین میزان رضایت مندی به ساکنان منطقه ۵ با ۲۹/۲۶ درصد و کم‌ترین میزان رضایت مندی به ساکنان منطقه ۱۱ با ۱۱/۳۸ درصد تعلق داشته است.

براساس داده‌های به دست آمده در حوزه سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده:

- ساکنان منطقه ۸ بیش‌ترین اعتماد اجتماعی با ۳۰/۱ درصد و ساکنان منطقه ۱ با ۱۱/۸۲ درصد کم‌ترین میزان اعتماد اجتماعی را به شورایی‌ها و برنامه‌های شهری و منطقه‌ای داشته‌اند.

- ساکنان منطقه ۱۷ با ۲۹/۷۱ درصد بیش‌ترین میزان مشارکت اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند و کم‌ترین میزان متعلق به ساکنان منطقه ۱ با ۱۵/۷۵ درصد بوده است.

براساس داده‌های به دست آمده در حوزه توسعه پایداری اجتماعی: - ساکنان منطقه ۱۷ با ۲۵/۰ درصد بیش‌ترین تأکید را بر شاخص کیفیت زندگی و شاخص‌های آن داشته‌اند و کم‌ترین میزان تأکید هم از سوی ساکنان منطقه ۱ با ۱۵/۷۴ درصد بوده است.

- ساکنان منطقه ۸ بر عدالت شهری با ۲۷/۲ درصد بیش‌ترین تأکید را داشته و نیز ساکنان مناطق ۱ و ۱۱ با ۱۲/۹۸ درصد کم‌ترین تأکید را داشته‌اند.

از سوی دیگر ساخت محلات مناطق هم در یافته‌های توصیفی مورد بررسی قرار گرفت.

مدیریت محله در شاخص‌های کالبدی و در معیار کیفیت مناسب، مناسب‌ترین زیرساخت را در مناطق ۱ و ۵ مهیا کرده، اما مناسب بودن کیفیت بنا فقط در منطقه ۱ اتفاق افتاده است.

در معیار کیفیت محیطی، بازهم منطقه ۱ و ۱۱، مناسب‌ترین معماری منظر و سیمای محله را دارا بوده است. عناصر مهم و شاخص در محله، در منطقه ۱۱ بیش از سایر مناطق بوده و بافت هیچ کدام از مناطق مورد تأیید ساکنان نبوده است.

به لحاظ شاخص کیفیت عملکردی، مدیریت محله، نتوانسته است تسهیلات و امکانات رفاهی لازم را برای ساکنان در هیچ کدام از مناطق مهیا نماید، بنابراین ساکنان تمام مناطق برحسب انتظار خود از محل سکونت و محله، احساس برآورد نشدن خواست‌های‌شان را دارند.

تحلیل استنباطی یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج جدول شماره ۲ که رابطه بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد، در می‌یابیم که مدیریت محله‌ای با سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده در سطح صکومتر از ۰/۰۱ برابر با ۰/۷۶۳ بوده که نشان دهنده رابطه‌ای قوی، مستقیم و تنگاتنگ است. رابطه بین متغیر میانجی یا همان متغیر سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده نیز شدید و مستقیم بوده است که در سطح کمتر از ۰/۰۱ و با رقم ۰/۸۳۲ در جدول منعکس شده است.

جدول شماره ۲: جدول محاسبه رابطه بین متغیرهای پژوهش

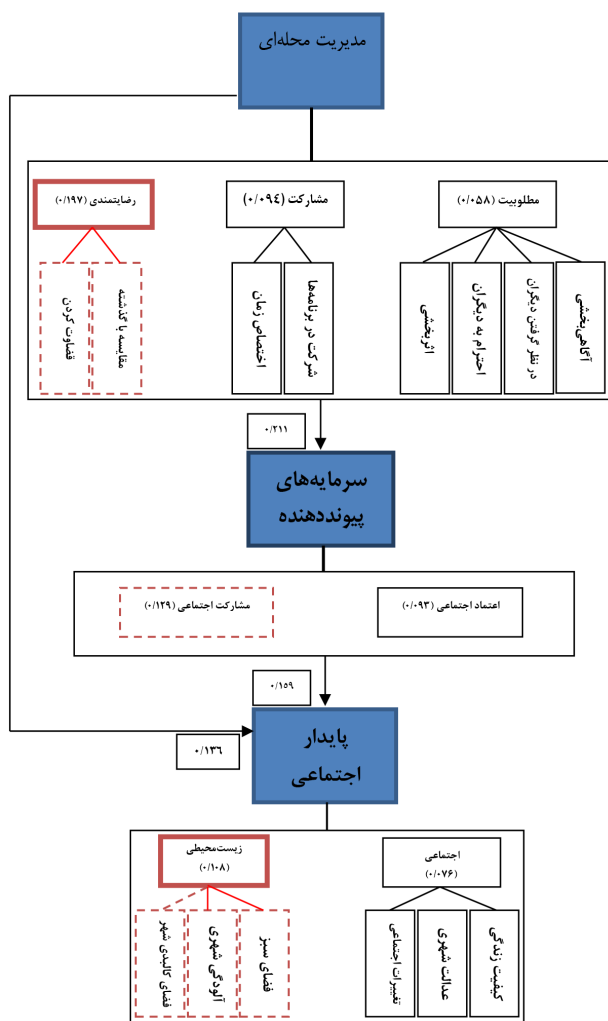
متغیرهای پژوهش	مدیریت محله‌ای	سرمایه‌های پیونددهنده	پایداری اجتماعی
مدیریت محله‌ای	Pearson Correlation	1	.774**
	Sig. (2-tailed)		.000
سرمایه‌های پیونددهنده	Pearson Correlation	.763**	1
	Sig. (2-tailed)	.000	.000
پایداری اجتماعی	Pearson Correlation	.774**	.832**
	Sig. (2-tailed)	.000	.000

زیرا یک واحد تغییر در انحراف معیار آنها (مدیریت محله‌ای و سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده) باعث می‌شود تا انحراف معیار متغیر پایداری اجتماعی به اندازه ۰/۷۶ و ۰/۸۸ تغییر کند.

برازش مدل پژوهش با استفاده از تکنیک تحلیل مسیر ۱۳

نتایج به دست آمده از تکنیک تحلیل مسیر نشان می‌دهد که جمع تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرها در مدل برابر با ۰/۵۶۰ است. به عبارت دیگر، ضریب تعیین به دست آمده نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل اول یا مدیریت محله‌ای و متغیر مستقل دوم (میانجی) یا سرمایه‌های اجتماعی به میزان حدود ۶۰ درصد از سطح متغیر پایداری اجتماعی را تبیین کرده است. مدل نهایی پژوهش را در نمودار شماره ۲ می‌بینیم، هم‌چنین مهم‌ترین شاخص‌های تعیین‌کننده مشخص شده‌اند:

نمودار شماره ۲ که مدل نهایی پژوهش محسوب می‌شود در واقع بدین معنی است که مدیریت محله‌ای در فرایند تأثیرگذاری بر پایداری اجتماعی، از طریق سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده بهره می‌گیرد. در شهر تهران، سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده بر اساس پژوهش‌های انجام شده (توکلی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۱؛ مشکینی و دیگران، ۱۳۹۲؛ محمدی و دیگران، ۱۳۹۲)، وجود



نمودار شماره ۲: مدل نهایی پژوهش

با مشاهده نتایج به دست آمده مشخص می‌شود که مدیریت محله‌ای کارآمد و بهینه منجر به رشد سرمایه‌های بالفعل پیونددهنده و مشارکت حجاجو خواهد شد و این روند نیز منجر به افزایش پایداری اجتماعی در قالب کیفیت زندگی و عدالت شهری خواهد شد.

بررسی فرضیه اول پژوهش: مدیریت محله‌ای بر سرمایه اجتماعی تأثیر معناداری دارد.

با توجه به سطح معناداری گزارش شده که از ۰/۰۰۱ کوچکتر است، بنابراین تأثیر و ارتباط بین دو متغیر وجود دارد. اعداد گزارش شده در ستون‌های تخمین و تخمین استاندارد میزان تأثیر متغیر سرمایه اجتماعی بر متغیر مدیریت محله‌ای را گزارش می‌کنند. هم‌چنین با توجه به آماره t این مسیر ($t=3.287 > 2.58$) می‌توان نتیجه گرفت با احتمال ۹۵ درصد، فرض صفر رد شده و فرضیه یک مورد تأیید است. بنابراین مدیریت محله‌ای بر سرمایه اجتماعی تأثیر معناداری دارد.

بررسی فرضیه دوم پژوهش: مدیریت محله‌ای با استفاده از سرمایه‌های اجتماعی تأثیر معناداری بر پایداری اجتماعی تهران دارد.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که متغیرهای مدیریت محله‌ای و سرمایه‌های اجتماعی در پیش‌گویی متغیر پایداری اجتماعی نقش وافر دارند (براساس مقادیر بتای استاندارد). بنابراین می‌توان قضاوت کرد که متغیرهای مدیریت محله‌ای (۰/۸۷۱) و سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده (۰/۷۶۳)، به ترتیب سهم بیش تری در پیش‌گویی متغیر پایداری اجتماعی دارند.

کافی ندارد. اعداد و ارقام به دست آمده نظریه ولکوک (۲۰۰۱) را مبنی بر این که سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده، توده‌ای از منابع بالفعل بوده که با شبکه اجتماعی با دوامی در ارتباط هستند را تایید می‌کند. این سرمایه‌ها با داشتن شاخص‌هایی نظیر اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی، تعدد ارتباط‌هایی دارند که منابع قدرت را تحت تاثیر قرار داده و می‌توانند برنامه‌ها و فعالیت‌های مدیران محله‌ای را به پایداری اجتماعی و زیست‌محیطی منتهی کنند. اثر متقابل سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده با مدیریت محله‌ای و پایداری اجتماعی به خوبی هویدا است.

مدل‌نمایی پژوهش نشان می‌دهد که اگر بخواهیم راهبردهایی برای سرمایه‌گذاری جمعی مبتنی بر مشارکت داشته باشیم، باید سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده را به صورت زیرساختی، برحسب دو معیار اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی راهبری کنیم، تا بتوان مدیریت محله‌ای را با مهم‌ترین شاخص‌های آن یعنی مطلوبیت عملکرد، رضایت‌مندی از برنامه‌ها و... و نیز مشارکت همگانی به پایداری اجتماعی در دو بعد اجتماعی و زیست‌محیطی برسانیم.

نتیجه‌گیری

مدیریت محله‌ای در محیط کالبدی، فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرد. نحوه تعامل و میزان شبکه‌سازی ارتباطی، اجتماعی و فرهنگی اهالی ساکن در محیط و نوع روابطی که آنها با محیط (به‌ویژه جامعه محلی و مدیران سازمان‌هایی مانند شهرداری) و با یکدیگر دارند، تأثیر بسیاری بر عملکرد و اثربخشی آن دارد. بخش عمده و معنادار سازنده این ساختار، سرمایه‌های اجتماعی هستند. سرمایه‌هایی که دارای جنبه‌های الگو شده و قاعده‌مندی از روابط، ارزش‌ها و هنجارها هستند، شبکه‌های اجتماعی غیررسمی و رسمی را شکل می‌دهند. اگر این روند انجام شود، سرمایه‌های اجتماعی نقشی تسهیل‌گر و رابط داشته و تنها در این شرایط است که تجمیع ظرفیت‌ها و استعدادها پراکنده محلی، به‌صورت جمعی و گروهی در اختیار جامعه برای تحقق پایداری اجتماعی قرار می‌گیرد.

زمانی که سرمایه‌های اجتماعی پیوندی و ارتباط‌دهنده شکل بگیرد، مدیریت محله‌ای به پایداری اجتماعی خواهد رسید. مدیریت محله‌ای که به دنبال افزایش مشارکت شهروندان و ساکنان محله است وجود ساختارهای مشارکت را مانند برنامه‌ریزی در جهت برنامه‌های جمعی و محله‌ای و اختصاص زمان برای امور محله تقویت کرد و سعی در شفاف‌سازی و مطلوبیت عملکرد خود با آگاهی‌بخشی می‌کند. فرایند آگاهی‌بخشی، به روند در نظر گرفتن ساکنان محله کمک می‌کند و رفته‌رفته عملکرد مدیریت محله‌ای، اثربخش خواهد شد. سپس میزان رضایت‌مندی ساکنان با قضاوت کردن در مورد ساختار و عملکرد

مدیریت محله‌ای و مقایسه کردن با گذشته، افزایش قابل توجهی خواهد یافت. این فضا، به معنی این است که مدیران محلی، دارای حس تعهد و مسئولیت هستند و وظایف خود را به درستی انجام می‌دهند و این که مدیریت محله‌ای چون از نظرات دیگران بهره می‌برد و از آنها حمایت و پشتیبانی می‌نماید، مشروعیت می‌بخشد. مشروعیت بخشیدن به عملکرد مدیران محلی با حلقه‌های سرمایه‌های اجتماعی ارتباط‌دهنده هم‌گام شده و پایداری اجتماعی، برآیند آن خواهد بود.

در مجموع با توجه به یافته‌های پژوهش، در شهر تهران، سرمایه‌های اجتماعی درون‌گروهی به وفور وجود دارد و از این حیث مشکلی وجود ندارد، اما این نوع سرمایه‌های اجتماعی (درون‌گروهی) در فرایند تحقق مشارکت، اعتمادسازی، ظرفیت‌سازی و... تأثیر چندانی ندارند. از سوی دیگر، سرمایه‌های اجتماعی برون‌گروهی ناچیزی در شهر تهران محقق شده است و مهم‌تر از همه، محققاً از سرمایه‌های اجتماعی پیونددهنده خبری نیست. در این شرایط مدیریت محله‌ای براساس نظریه ولکوک، چون از طریق این سرمایه اجتماعی پیونددهنده بر پایداری اجتماعی تأثیر می‌گذارد و این نوع از سرمایه هم در بستر جامعه، وجود ندارد، بنابراین پایداری اجتماعی هم محقق نشده است. برای این که مدیریت محله‌ای به پایداری اجتماعی از طریق سرمایه اجتماعی پیونددهنده بیانجامد، لازم است تا پیشنهادها کاربردی در جهت تقویت دو نوع سرمایه اجتماعی ذکر شده ارائه شود و در نهایت به تأثیرگذاری مدیریت محله‌ای بر پایداری اجتماعی بیانجامد:

۱. ایجاد فضاهای مناسب عمومی برای تقویت تعاملات اجتماعی درون محله‌ای و یا پیش‌بینی فضاهایی برای انجام و برگزاری مراسم مختلف اهالی محله از جمله سوگواری، سخنرانی، جشن‌ها و...؛
۲. حمایت مدیران محلی از تشکیل نهادهای مشارکتی مانند شرکت‌های تعاونی محله، سازمان‌های مردم‌نهاد، سازمان‌های اجتماع‌محورها، و غیره به منظور افزایش حس همبستگی و تجانس محله‌ای و در نهایت تقویت مشارکت محلی؛
۳. برای افزایش به‌کارگیری سرمایه‌های پیوندی و ارتقای مشارکت‌های همگانی توجه به نقش و حضور بزرگان محله، بانوان و کودکان مستقر در محله و واگذاری تعهداتی به ایشان، به عنوان مثال نقش همیار پلیس برای کودکان، نقش گردانندگان شرکت‌های تعاونی برای بانوان و حمایت از راه‌اندازی خبرگزاری و اطلاع‌رسانی محلی و ارسال اخبار به ساکنان و دیگر محله‌های سطح شهر؛
۴. فراهم ساختن مکانی به عنوان نماد محله برای تجمع و تفریح افراد محله، مکان‌هایی ویژه و زیبا که نمادهایی از گذشته و آینده محله را در خود داشته باشد؛

14. Das, D (2014), "Urban Quality of Life: A case study of Guwahati", Social Indicators Research, 88.
15. Egger, Steve (2005), "Determining a sustainable city model", Environmental modelling and Software.
16. Friedman, John (1993). "Toward an non euclidion mode of planning", JAPA journal, Autumn, 43-44.
17. Hall, P (2005), "Toward Sustainable, livable and innovative cities for 21st", century, In proceeding of the Third Conference of the World Capitals, Tokyo, pp. 22-28.
18. Jenkins, R. (1992) Pierre Bourdieu, London: Routledge.
19. L. Moss, M; M. Kaufman, S. and M. Townsend, A (2006), "the relationship of sustainability to telecommunications", Technology in Society 28: (235-244).
20. Mukomo, S (1996), "On Sustainable Urban development in sub-Saharan Africa Cities". 13(40). 265-271.
21. Mahony, S.O (2007), "The governance of open source initiatives: what does it mean to be community managed?", Journal of Management and Governance (subscription required).
22. Putnam, R. D. (2000) Bowling Alone: the collapse and revival of American community, Simon and Schuster, New York.
23. Robison, L. J., Schmid, A.A. and Siles, M. E. (2002) 'Is Social Capital Really Capital?' Review of Social Economy, 60, i, 1-21.
24. Turner, Janathan. H (2000), "The formation of social capital in social capital, A multifaceted perspective". Edited by partha dasgupta, Ismail seragedin. World Bank.
25. Wade, R (1987), "The management of common property resources", Cambridge Journal of Economics.
26. Pomeroy, R. S (1994), "Community management and common property of coastal fisheries in Asia and the Pacific".
27. Villa, D (2001), "Socratic Citizenship", Princeton University Press, Princeton & Oxford.
28. Woolcock, M. M (2001), "The place of social capital in understanding social and econ-omic outcomes", Isuma: Canadian Journal of Policy Research, 2(1), 11 – 17.
29. Woolcock, M. (1998) Social Capital and Economic Development: toward a theoretical synthesis and policy framework, Theory and Society, 27, 2, 151 208.

۵. برگزاری کلاس‌های آموزش عمومی و خانوادگی برای اهالی محله برای افزایش توانمندی‌ها، آگاهی‌ها و تغییر جهت‌گیری‌های ذهنی افراد در جهت منافع محله؛ مانند کلاس‌های آموزش حقوق، توانمندسازی و....

فهرست منابع و مراجع

۱. اسلامی، غلامرضا (۱۳۸۱)، «مواجهه با مشکلات و توسعه درون‌زا»، نشریه صفا، سال ۱۳۸۱، شماره ۳۴.
۲. بدری، حبیب‌الله (۱۳۸۷)، «رابطه بین نگرش به جهانی شدن و نگرش به حقوق شهروندی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۳. توکلی‌نیا، حمیده؛ مجید اسکندرپور و مجتبی برمدی (۱۳۹۱)، «درآمدی بر حکمروایی خوب شهری: ضرورت‌ها، الزامات و چالش‌های فراروی تحقق آن در ایران»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال پنجم، شماره اول، ۱۵۲-۱۳۵.
۴. حاتمی‌نژاد، حسین؛ احمد پوراحمد و داود عیوضلو (۱۳۹۳)، «واکوی ظرفیت سرمایه اجتماعی شهری محلات شهری در سامان‌دهی بافت‌های فرسوده، مطالعه موردی: منطقه ۹ شهرداری تهران»، آمایش جغرافیایی فضا، سال چهارم، شماره ۱۳، ۹۳-۶۷.
۵. خاک‌پور، براتعلی؛ مافی عزت‌اله و علیرضا باوان‌پوری (۱۳۸۸)، «نقش سرمایه‌های اجتماعی در پایداری محله‌های (نمونه: کوی سجاده مشهد)»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای دانشگاه فردوسی مشهد، دوره ۷، شماره ۲، صص ۸۱-۵۵.
۶. رضازاده، راضیه؛ فاطمه محمدی و مجتبی رفیع‌ان (۱۳۹۲)، «نقش رویکرد دارایی مبنا در پایداری اجتماعات محلی»، فصلنامه علمی پژوهشی نظر، سال دهم، شماره ۲۵.
۷. رفیع‌ان، مجتبی و محمد شالی (۱۳۹۱)، «تحلیل فضایی سطح توسعه‌یافتگی تهران به تفکیک مناطق شهری»، مجله برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره شانزدهم، شماره ۴، ۴۹-۲۵.
۸. فیلد، جان (۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی، مترجم: احمدرضا اصغریپور، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۹. محمدی، کاوه و دیگران (۱۳۹۲)، «نقش دفاتر تسهیل‌گری در سرعت‌بخشی به شهرسازی مشارکتی در بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: منطقه ۹ شهری)»، فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۱۱، ۵۴-۴۳.
۱۰. مشکینی، ابوالفضل و دیگران (۱۳۹۲)، «ارزیابی الگوی مدیریت محله مبتنی بر شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری (مطالعه موردی: محله اوبن، تهران)»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، شماره ششم، ۴۲-۳۱.
۱۱. معصومی، سلمان (۱۳۹۰)، مدیریت توسعه مشارکت‌های محله‌ای در راستای پایداری کلان‌شهر با تأکید بر حکمروایی خوب، دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، تهران.
۱۲. مولدان، بدریچ و سوزان بیلهاوزر (۱۳۸۱)، شاخص‌های توسعه پایداری، ترجمه و تدوین نشاط حداد تهرانی و ناصر محرم‌نژاد، انتشارات سازمان حفاظت محیط‌زیست، تهران.

13. Babaei, H., Ahmad, N., and Gill, S. S. (2012). Bonding, bridging and linking social capital and empowerment among squatter settlements in Teheran, Iran. World Applied Sciences Journal, 17(1), 119-126.

Explaining the role of community management on social sustainability in Tehran through linking social capital

Ahmad Pourahmad* (Corresponding Author)

Professor, Department of Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran.

* apoura@ut.ac.ir

Hamidreza Babaei

Assistant Professor, Member of Institute for Culture, Art & Architecture Studies, ACECR.

Aboufazi Rafee

PhD. Student in Urban planning, Institute for Humanities and Social Sciences, ACECR.

Abstract:

Urban planners and policymakers in recent years have tried to solve urban problems and promote social sustainability through a community-based management approach and utilization of social capital. Accordingly, the purpose of this article is to provide an appropriate model for managing the local community for the social sustainability of Tehran, with an emphasis on social capital. This paper is based on descriptive-analytic studies and data gathering was done using a standard questionnaire and researcher-made questionnaire. The statistical population includes all citizens in 1, 5, 8, 11, and 17 cities of Tehran, of which 384 were selected by cluster sampling method. The calculated Cronbach Alpha was 0.945 which indicates that there is a sufficient correlation between the items of the questionnaire and their variable.

The results show significant community management effect on social capital of the communicator ($t = 3.321 > 2.58$). This effect is 402/0. Also, the presence of mediator variable, community management with social capital and social capital's relationship with social sustainability of Tehran were statistically significant with 95% confidence. In sum, the results indicate that if the local planning authorities of Tehran can increase the amount of trust through the desirability of performance, commitment to the tasks and ultimately popular acceptance to discover the informal networks of communicating social capital, this The type of capital will expand the vertical relationships between local management and higher levels, and internal ties within the neighborhood will increase the sense of belonging and participation. This type of capital is ultimately boosted through promotion, awareness, trust, and interconnections, and the creation of local development associations, which are one of the main factors behind the social sustainability of the city.

Keywords: community management, social capital, social sustainability, Tehran city.

Recognition of the theoretical framework of the Historic Urban Landscape Approach*

Poupak Pournahador

M.A. in Conservation of Urban Heritage, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran.

Somayeh Fadaei Nezhad Bahramjerdi** (Corresponding Author)

Assistant Professor, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Address: Enghelab St, University of Tehran, Tehran, Iran

** sarafadaei@ut.ac.ir

Abstract:

The historic cities have experienced serious changes in the last decades due to the accelerated city development. This matter raised the conflict between development and conservation. The "Historic Urban Landscape (HUL) approach", as a new approach in Urban Conservation, considers the desirable level of development in the context of historic cities regarding different layers of the city to preserve and enhance its sustainability. This value-based approach in urban conservation, considers the role of society in developing the urban structure. The HUL approach as an Urban design and management perspective is based on natural, physical and sociologic features of the cities. The main purpose of the current study is recognition of the theoretical framework of the HUL approach emphasizing authenticity, integrity and significance of the place. Research method in this article is qualitative and the data has been collected through academic library research on related documents, recommendations, conventions and charters in addition to articles and books related to the subject. Based on the data analysis, the theoretical framework has been introduced. HUL approach focus on values which shape the significance of the city. Therefore in this approach, holistic analysis of the different layers of the city including tangible and intangible values are recognized. In other words, analysing the physical, social, economic and environmental aspects which have been gradually forming the city over the time are the vital and initial steps. HUL approach makes conservation as an effective tool in development, based on change management by recognition of values and enhancing the integrity of the urban context as a great solution to strike balance between development and conservation. Urban conservation by means of the HUL approach, is a response to continuity and urban dynamic. Through this perspective, the multiple determinants which are configuring the significance of the historic cities are considered in addition to respecting to the historic urban context. Therefore, the urban conservation not only acts as a motivator for urban development but also support the sustainable changes in the cities. The lack of integrated management plan considering different aspects of the historic cities in Iran add to the importance of this study and the necessity of its implementation.

Keywords: Historic Urban Landscape, Significance, Authenticity, Integrity.

* This paper has been extracted from first author's M.A. Thesis entitled: «Recognition the Historic Urban Landscape Conservation Framework: Case Study of Langroud City» which has been done at university of Tehran.

The effect of natural factors (environment) in the formation and persistence of the historical city of Dehdasht

Ebrahim Raiygani* (Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Archaeology, University of Neyshabur

* e.raiygani@neyshabur.ac.ir

Masoud Islami

M.A in Architecture, Islamic Azad University, branch of Khorram Abaad

Abstract:

Dehdasht, among the historic cities in the southwest of Iran, had its greatest boom in the Safavid era. Today's city is located on the southeastern edge of the new city. Considering the location of this city in relatively warm and dry climate, various environmental and geographical components were effective in its formation and survival. How these factors interact over the centuries is a matter of leading research. The purpose of this study was to investigate the effect of environmental factors on the formation and survival of the city in more than 400 years. Therefore, the present study addresses the question that the most important environmental factors affecting the formation and survival of the historic city of Dehdasht? And what have these interlocutor's history over the history of the city to survive? To answer these two questions, citation research of written historical sources and surveying surveys of the authors of the two methods of data collection in the present study resulted in analyzing the data through descriptive-analytic analysis. Dehdasht's historical city, despite its slight architectural and structural differences with other cities in Iran, has common features with which it is possible to identify and study these characteristics, and outline the general patterns of the traditional Persian city. The result is that proper accountability to natural and climatic features (such as bowl shape, harsh weather conditions, sudden atmospheric changes, water shortages) has defined a specific physical structure for the Dehdasht historical city, This physical structure has led urban planning to be considered for problems such as drinking water, difficult geographic and climatic conditions, including dealing with hot and burning winds, as well as soil fertility, architectural and environmental adaptation. These remedies were usually used to protect the city physically through natural factors, which led to neglect of the city's defense components.

Keywords: historical formation Process, Dehdasht historical city, environment factors, arid climate Architecture.

Thinking about the spatial structure and typology houses of Tabas's Dastgardan's houses

Mohamad Ebrahim Zarei

Associate Professor, Department of Archaeology, Faculty of Art and Architecture, Bu Ali Sina University, Hamedan, Iran.

Seyyed Rasoul Mousavi Haji

Professor, Department of Archaeology, Faculty of Art and Architecture, University of Mazandaran, Iran.

Khadijeh Sharif Kazemi * (Corresponding Author)

PhD. Student in Archaeology, Faculty of Art and Architecture, Bu Ali Sina University, Hamedan, Iran.

* khadijehshrf@gmail.com

Abstract:

Islamic period shows historical context, have been effective various factors such as climate and culture on the structure and formation houses. There are several traditional houses in the Dastgardan Tabas, which go back to the Safavid period to the Qajar period. These houses, with their complex and different structure, have created a metaphorical look in the traditional context of the region. Due to the location of the Dastgardan area in a warm and dry climate, the buildings of this area are adapted to the desert climate conditions. Traditional houses studied have distinct functional elements than other residential buildings, and their unique features and characteristics have made it necessary to conduct research.

This paper intends to introduce the historical buildings of Tabas's Dastgardan, to recognize the constructive elements and spatial characteristics of the houses, by understanding the principles and cultural values governing residential architecture to determine their identities. On the one hand, by studying the nature of the architecture and the architectural structure of these buildings, it is possible to design a suitable and sustainable model for the architecture of today's houses in the area. The present study was conducted with a historical approach and descriptive-analytical method. Documentation of architectural features has been done by collecting library resources and field surveys. To achieve this goal, a number of traditional palaces of the Dastgardan, from the Safavid period to Pahlavi, were studied in terms of physical elements. The results of the research indicate the logical coordination of the spatial composition of the historical houses of the Dastgardan with the climatic type of the region, and the change in the face of some houses is rooted in the social structure of this community. In general, the similarity of the architecture of the houses in the central courtyard, as the role of coordinating and communicating with other elements of the building, the use of the house dock and the creation of a garden in connection with the home space as a model to be considered in Tabas's Dastgardan.

Keywords: Climate, architectural structure, traditional houses, spatial species, Tabas's Dastgardan..

Explaining the role of sensoryscape components based on senses In quality of environmental sensory perception of New Arg of Tabriz

Majid Salehiniya *(Corresponding Author)

Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Isfahan University of Art, Iran.

* salehinia@au.ac.ir

Mahdiyeh Niroumand Shishavan

Master in Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Isfahan University of Art, Iran.

Abstract:

The five human senses are tools that make it possible to understand phenomena, environment and space around him. Because of the predominance of vision over other senses, environment designers often consider only visual sense in their design; unaware of the number of members of the community that are incapable of understanding the visual qualities. Creating visual dominance space that ignores audience's perceptions, leads to physical architecture and urban environments that are unfamiliar for audience. The main objective of this study was to investigate the relationship between the sensory scape components and the environmental sensory perception quality of the new Arg in Tabriz. This research is a quantitative research and in terms of data collection, is a kind of field research. The population of this research is all the audiences (residents, workers and visitors) that have passed this area during March 2016 to May 2017. The statistical population of this study was 42950 people. The sample size of this study is 380 people selected by simple random method. A questionnaire was used to collect the data. The validity of questionnaire was approved by the member of experts. The reliability of questionnaire was obtained 0/8530 by using Cronbach's alpha formula. The results of the Pearson correlation test showed that between components of sensory scape and quality of environmental perception of New Arg of Tabriz there is significant relationship at a confidence level of 99%. The results of linear regression test indicated that sense of touch, hearing, taste, sense of smell and sight at the end have the greatest role in environmental perception of this pass; and these five variables have the ability to account for 60.6% of the variance. Finally, with regard to the findings of the research, practical suggestions have been made regarding the practical solutions for improving the sensory quality of the environment.

Keywords: sensory scape, non-visual senses, quality of environmental sensory perception, New Arg of Tabriz.

Investigation into ornamental patterns of muqarnas in architecture of Tabriz historic bazaar

Ahad Nejad Ebrahimi * (Corresponding Author)

Associate Professor, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

* *Ahadebrahimi@tabriziau.ac.ir*

Ziba Sami

M.S. in Islamic Architecture, Architecture and Urbanism Faculty, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

Abstract:

Muqarnas is one of the original and iconic patterns in Iranian architecture, which has been identified and developed over various periods and constructed in a variety of forms by Iranian architects. Different patterns of muqarnas are observed in various typologies of Iranian architecture, such as tombs, mosques and bazaars. This study aims to answer the question: what are the similarities and differences between muqarnas patterns in Tabriz historic bazaar? To find the differences and similarities, the geometry of muqarnas applied in various parts of Tabriz historic bazaar is analyzed. Despite apparent similarities, muqarnas ornaments seem to have different patterns in accordance with different spaces; resulting in a variety of designs. This study seeks an applied objective and employs a descriptive-analytical method. The information necessary for the study is collected through library research, field surveys (observations) and geometric drawings of muqarnas patterns prepared by AutoCAD and 3Ds Max. Since Tabriz was destroyed by the earthquake in 1779 and most of its buildings, e.g. Tabriz historic bazaar, were constructed during the Qajar dynasty, the study may illustrate the geometric patterns of muqarnas in the Qajar era in Tabriz. The muqarnas ornaments of buildings such as Saheb-al-Amr Mosque, Hojat-al-Islam Mosque, Kacheh CHilar Saray, Haj Safer Ali Mosque-School and the Small Mosque (the Bala mosque) all located in the bazaar are analyzed in terms of formal, static, design and implementation criteria. The findings of this study indicate that the muqarnas ornaments of Tabriz historic bazaar have different types, shapes and positions depending on the land-use of buildings. In religious buildings, muqarnas ornaments were applied in the barrel vaults on altars and the pendentives of domes; but in public spaces, such decorations were constructed in the places overlooking the courtyard and the small iwans (porches) on upper floors. However, the patterns applied in religious buildings were more complex than those of non-religious buildings.

Keywords: muqarnas, historic bazaar, Tabriz, architecture.

Contents

Investigation into ornamental patterns of muqarnas in architecture of Tabriz historic bazaar	5
Ahad Nejad Ebrahimi, Ziba Sami	
Explaining the role of sensoryscape components based on senses in quality of environmental sensory perception of New Arg of Tabriz	
Majid Salehiniya, Mahdiyeh Niroumand Shishavan	19
Thinking about the spatial structure and typology houses of Tabas's Dastgardan's houses	33
Mohamad Ebrahim Zarei, Seyyed Rasoul Mousavi Haji, Khadijeh Sharif Kazemi	
The effect of natural factors (environment) in the formation and persistence of the historical city of Dehdasht	51
Ebrahim Raiygni, Masoud Islami	
Recognition of the theoretical framework of the Historic Urban Landscape Approach	63
Poupak Pourbahador, Somayeh Fadaei Nezhad Bahramjerdi	
Explaining the role of community management on social sustainability in Tehran through linking social capital	75
Ahmad Pourahmad, Hamidreza Babaei, Aboufazel Rafee	



- The scientific and research ranking of the Journal of Studies on the Islamic-Iranian City has announced by the secretariat of the Commission for the Scientific Journals (Iran Ministry of Science, Research and Technology) according to the letter No. 89/11/51667 dated 1389/8/30.

- The certification for publishing this quarterly journal is issued by the Iran Ministry of Culture and Islamic Guidance by the letter 12629/89 dated 1389/6/13.

- Indexed and abstracts in:

- The Regional Information Center for Science & Technology (RICEST) (<http://www.srlst.com>)
- The Scientific Information Database of ACECR (<http://www.sid.ir>).



In The Name Of God

ACECR
Institute for
Culture, Art & Architecture Studies

Journal of Studies on
Iranian-Islamic City

Vol. 8, No. 31, Spring 2018

Publisher: Institute of Culture, Art & Architecture, Iranian Academic Center for Education, Culture & Research (ACECR)

Editorial Committee:

Managing Director: Dr. Hamid Ayati

Editors -in- Chief: Dr. Ahmad PourAhmad

SBU Editor-in-Chief: Dr. Hamidreza Babaei

Editor: Hosein Nourinia

Administrative Director: Eng. Masoud Dadgar

Executive Affairs: Eng. Mansour Nadiri

Editorial Board, in alphabetical order:

- | | |
|----------------------------|--|
| ● Dr. Mojtaba Ansari | Associate Prof. of Architecture, University of Tarbiat Modares |
| ● Dr. Mostafa Behzadfar | Prof. of Urban Planning, University of Science and Industry |
| ● Dr. Jahanshah Pakzad | Prof. of Urban Planning, University of Shahid Beheshti |
| ● Dr. Behnam Jalali | Assistant Prof. of Architecture, University of Science and Culture |
| ● Dr. Hosein Zomorshidi | Prof. of Civil Engineering, University of Shahid Rajaei |
| ● Dr. Karamat Allah Ziyari | Prof. of Human geography, University of Tehran |
| ● Dr. Mohsen Sartipi Pour | Prof. of Architecture, University of Shahid Beheshti |
| ● Dr. Hosein Kalantari | Prof. of ACECR |
| ● Dr. Yaghub Mohammadifar | Prof. of Archaeology, University of Bu-Ali Sina |
| ● Dr. Mohammad Masoud | Associate Prof. of Urban Development and Prepration, University of Art Isfahan |
| ● Dr. Ahmad Nouhegar | Prof. of physical Geography, University of Hormozgan |



Editorial correspondence should be addressed to The Editors

Iranian - Islamic city studies

Institute of Culture, Art & Architecture of the ACECR,

Saba-ye-jonoubi Street, between Vali-Asr Crossroad and palestine Street, Inqelab-e-Eslami Ave, Tehran, Iran.

Tel: +98 (21) 66970901,2

Fax: +98 (21) 66970903

<http://iic.icas.ir>

E-mail: iic@icas.ir

